مهدویت و انتظار از دیدگاه اهل سنت

عباسعلی وحیدی



بسم الله الرحمن الرحیم

مهدویت و انتظار از دیدگاه اهل سنت

نویسنده:

عباس علی وحیدی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مهدویت و انتظار از دیدگاه اهل سنت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مهدویت و انتظار از دیدگاه اهل سنت/ عباس علی وحیدی؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفترعقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۵۱ص.

یادداشت : کتابنامه:ص. [۱۴۷] - ۱۵۱.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- نظر اهل سنت

موضوع : مهدویت-- دیدگاه اهل سنت

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۱-۶

سرشناسه : وحیدی، عباسعلی، ۱۳۴۳ -

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/و۳م۹ ۱۳۸۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۷۲۱۳۷

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

توهم بنی عباس۳۳

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

۱. وضعیت سیاسی _ اجتماعی۹۱

۲. اوضاع اقتصادی مردم پیش از ظهور حضرت مهدی(عج)۹۲

۳. بلاهای طبیعی در آخرالزمان۹۳

ص: ۶

...

دیباچه

بَقِیَّهُ اللّهِ خَیْرٌ لَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ. (هود: ۸۶)

آنچه خداوند برای شما باقی گذارده برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید.

در میان مسائل اسلامی، کمتر مسئله ای می توان یافت که به اندازه «مهدویت» درباره آن حدیث نقل شده باشد. مسئله مهدویت در دین اسلام، از امور یقینی و مورد اتفاق همه مذاهب و فرقه های اسلامی است، گرچه در بعضی جزئیات اختلاف دارند. به نظر ما، دلیل این اختلاف های عقیدتی، این است که همه مفاهیم دینی، از پاسداران راستین مرزهای عقیدتی گرفته نشده، بلکه در برخی موارد بر اساس فکر و نظر شخصی افراد، بیان شده است. ازاین رو، این نوشتار می کوشد تا حد امکان از احادیثی که از پیامبر گرامی اسلام و دیگر بزرگان دینی به ما رسیده است، استفاده کند. البته در میان این احادیث، حدیث های ساختگی و کذب نیز دیده می شود و به همین دلیل، ملاک قضاوت ما احادیثی هستند که از نظر سند، قطعی و کاملاً معتبر باشند و حدیثی که با این احادیث در تضاد باشد، چنانچه تأویل پذیر نباشد، رد می شود، مانند حدیثی که می گوید: «مهدی این امت، کسی جز عیسی بن مریم نیست» یا «نام پدر حضرت مهدی(عج) نام پدر پیامبر اسلام است».

امید است با این اثر توانسته باشیم، در جهت شفاف تر ساختن چهره حقیقت گامی هرچند کوچک برداریم و از این رهگذر، در رفع اختلاف ها و ایجاد وحدت کلمه میان مسلمانان توفیقی به دست آوریم.ان شاءالله

بخش اول: بررسی شخصیت فردی حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص: ۱۲

فصل اول: ولادت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف و تاریخ آن

اشاره

در این فصل دو مسئله را بررسی خواهیم کرد: نخست اینکه آیا حضرت مهدی متولد شده است یا در آینده متولد خواهد شد؟ و بر فرض تولـد، آیـا در حال حاضـر زنـده است یا خیر؟ و مسـئله دوم، مشـخصات ولادت ماننـد تاریـخ ومکان ولادت و غیره است.

بعضی علمای اهل سنت مانند ابن حزم اندلسی(۱) و شبراوی شافعی(۲) منکر ولادت حضرت مهدی شده اند، ولی روایت های فراوانی که در منابع اهل سـنت نقل شده، راه انکار را بر هر انسان منصفی بسته است و به همین دلیل،بسیاری از دانشمندان اهل سنت ولادت ایشان را پذیرفته اند. در کتاب اصالت مهدویت در اسـلام نوشته فقیه ایمانی، نام ۱۱۲ تن از دانشمندان اهل سنت کـه بـه ولاـدت حضـرت مهـدی عـج الله تعـالی فرجه الشـریف معتقـد هسـتند و در کتـاب منتخب الاـثر نوشـته آیت الله صـافی گلپایگانی نام ۶۵ تن از آنان ذکر شده است.

ص: ۱۳

۱- نک: ابن حزم اندلسـی، جمهره انساب القریش، ص ۶۱ . ابن حجر عسـقلانی در لسان المیزان ذیل نام ابن حزم می نویسـد: «کلیه دانشـمندان عامه که در عصـر ابن حزم بودنـد، او را تکفیر کردنـد.» لازم به ذکر است که ابن حزم متولد سال ۴۵۶ ه . ق نخستین کسی است که ولادت حضرت مهدیعج را منکر شده است.
۲- نک: شبراوی شافعی، الاتحاف بحُبّ الأَشراف، باب ۵.

نظر دانشمندان اهل سنت

۱. ابن اثیر در کتاب الکامل فی التاریخ، در پایان حوادث سال ۲۶۰ ه .ق می نویسد:

«در این سال، ابو محمد علوی عسکری وفات نمود و او طبق مذهب امامیه، یکی از ائمه دوازده گانه است و او پدر محمد است، همان کسی که امامیه معتقدند او «مُنْتَظر» است».(۱)

۲. ابن خلکان در کتاب وفیات الاعیان آورده است:

«ابوالقاسم محمد، فرزند حسن عسکری... دوازدهمین امام از ائمه دوازده گانه امامیه است که به عنوان «حجت» معروف است و ولادتش در روز جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ . ق بوده است».(۲)

۳. ذهبی نیز در سه کتابش، العبر فی خبر من غبر،(۳) تاریخ دول الاسلام(۴) و سیره اَعْلامُ النُّبلاء،(۵) به ولادت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده است.

۴. ابن صباغ مالکی در کتاب فصول المهمه می نویسد: «حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در سال ۲۵۵ ه . ق متولد شده است».(۶)

۵. خیر الدین زرکلی در کتاب الأعلام آورده است:

«محمد بن حسن عسکری خالص فرزند علی هادی، آخرین امام

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۲ ه .ق، چ ۱، ج ۵، ص ۶۸۹ .

۲- ابن خلکان، وفیات الاعیان، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۷ هـ . ق، ج ۴، ص ۱۷۶.

۳- ذهبی، العبر فی خبر من غبر، ج ۳، ص ۳۱.

۴- ذهبی، تاریخ دول الاسلام، ج ۵، صص ۱۱۳ ـ ۱۵۹.

۵- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۱۹.

۶- ابن صباغ مالکی، فصول المهمه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۹ هـ . ق، چ ۲، ص ۲۸۲.

دوازده گانه پیش امامیه... در سامرا متولد شد و پدرش در حالی که او ۵ سال از عمرش گذشته بود، وفات کرد و بعضی گفته اند که وی در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه . ق متولد شده است».(۱)

۶. فخر رازی شافعی در کتاب الشجره المبارکه فی انساب الطالبیّه می نویسد:

«امام حسن عسکری دارای دو پسر و دو دختر بودند. یکی از پسرانشان صاحب الزمان عج الله تعالی فرجه الشریف است. پسر دوم ایشان «موسی» است که در زمان حیات پدرش وفات یافت...».(۲)

البته برخی از کسانی که ولادت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را پذیرفته اند، معتقدند که ایشان وفات کرده است، از جمله ذهبی در کتاب تاریخ دول الاسلام می نویسد: «ایشان دو سال بعد از پدرش زنده بود و بعد ناپدید شد و معلوم نیست چگونه وفات یافت».

روایاتی که بر ولادت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد

۱. در کتاب فرائد السمطین و ینابیع المودّه نقل شده است:

سُئِلَ الاِمامُ الرِّضا: وَ مَنِ الْقائِمُ مِنْکُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ؟ قالَ: الرّابِعُ مِنْ وُلْدِی... وَ هوُ الَّذِی یَشُکُّ النّاسُ فِی وِلادَتِهِ وَ هُوَ صاحِبُ الْغَیْبَهِ قَبْلَ خُرُوجِهِ.(۳)

از امام رضا(ع) پرسیده شد: قائم شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: چهارمین فرزند من... و اوست کسی که مردم در ولادتش تردید می کنند و

۱- خیرالدین زرکلی، الأعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹م.، چ ۸، ج ۶، ص ۸۰.
۲- امام فخر رازی شافعی، الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، قم، کتاب خانه آیت اللّه مرعشی، ۱۳۷۷، چ ۲، ص ۹۲.
۳- ابراهیم بن محمد جوینی شافعی، فرائد السمطین، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۴۰۰ه_ . ق، چ ۱، ج ۲، ص ۳۳۷.

اوست کسی که پیش از قیامش غیبت خواهد داشت.

۲. از روایت هایی که بر ولادت و زنده بودن حضرت در حال حاضر دلالت دارد، این روایت است:

مَنْ ماتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ اِمامَ زَمانِهِ ماتَ مِیْتَهَ الْجاهِلِیَّهِ.(۱)

هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

در استدلال به این حدیث، ذکر چند نکته لازم است:

نکته اول: این روایت را تعداد زیادی از بزرگان اهل سنت (البته با کمی اختلاف در عبارت) نقل کرده اند، از جمله طِیالیسی در مُسْند؛ حافظ عَبْدُالرزّاق در المصنف؛ ابن سَعْد در طَبَقات؛ اِسْکافی در المعیار و الموازنه و احمد حنبل بارها در مسند. ازاین رو، می توان آن را از نظر معنی متواتر دانست.

نکته دوم: روایت به مردم عصر خاصی اختصاص ندارد؛ زیرا به صورت کلی و عام فرموده است: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد....» بنابراین، معلوم می شود در هر عصر و زمانی، امام زنده ای وجود دارد که حکومت بر جهان، حق او و امامت و رهبری جامعه، شایسته مقام اوست و هیچ گاه زمین از وجود چنین پیشوایی خالی نخواهد ماند. در زمان حاضر نیزما جز حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، کسی را مناسب و در خور این مقام نمی شناسیم. پس ایشان هم اکنون حاضر و زنده است.

نکته سوم: باید توجه داشت مقصود از امامی که شناخت او، وظیفه مردم هر عصر و زمانی خوانده شده، بی تردید هر کسی نیست که بر جامعه حکومت

۱- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۷۲.

می کند؛ زیرا شناخت حاکم، به ویژه اگر ستمگر باشد، ارزش واهمیتی ندارد که وقتی صورت نگیرد، سبب شود انسان به مرگ جاهلیت از دنیا برود!

۳. دلیل دیگر بر ولادت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، روایت های متعددی است که بر تشرف بعضی به خدمت آن حضرت دلالت دارند. از جمله حسن بن ایوب می گوید:

همراه عده ای به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدیم تا درباره امام پس از ایشان بپرسیم. در مجلس چهل نفر حضور داشتند. حضرت دستور داد کسی از مجلس خارج نشود و پس از مدتی خطاب به عثمان بن سعید فرمود: می خواهید بگویم برای چه در اینجا جمع شده اید؟ حاضران پاسخ دادند: بفرمایید. حضرت فرمود: برای اینکه درباره امام پس از من بپرسید. همه گفتند: آری. در این هنگام پسری مانند پاره ماه که شبیه ترین مردم به امام حسن عسکری علیه السلام بود، وارد مجلس شد. حضرت با اشاره به او فرمود: این پسر، امام شما پس از من است. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که هلاک خواهید شد و دینتان تباه می شود.(۱)

محی الدین عربی نیز در کتاب فتوحات المکیه درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف می نویسد: «وَ هُوَ فی زَمانِنَا الیَوْمَ مَوْجُودٌ.»(۲) او در ادامه آورده است:

عُرِّفتُ بِهِ سَنَهَ خَمْس وَ تِسْعین وَ خَمْسْ مِأَه. وَ رَأَیْتُ الْعَلامَهَ الَّتی لَهُ قَدْ اَخْفاهَا الْحَقُّ فیهِ عَنْ عُیُونِ عِبادِهِ وَ کَشَفَها لی بِمَدینهِ «فاسْ» حَتّی رَأَیْتُ خاتَمَ الْوِلایَهِ عَنْه.(۳)

در سال ۵۹۵ به محضرش رسیدم و علامت مخصوص ایشان را که از چشم دیگران پنهان شده است، مشاهده کردم... .

۱- شیخ سلیمان حسین بلخی قندروزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۲۳.

۲- محی الدین عربی، فتوحات المکیه، بیروت، دار صادر، بی تا، ج ۱، ص ۸۵.

۳- همان.

۴. امام حسین علیه السلام فرمود:

به محضر جدم رسول الله صلی الله علیه و آله وارد شدم. حضرت مرا بر روی زانو نشانـد و خطاب به من فرمود: «خداونـد از صلب تو نه امام را برگزیده است که نهمین آنان «قائم» ایشان است و همه آنان از جهت فضل و منزلت در پیشگاه خدا یکسانند».(۱)

۵. جوینی شافعی از عبدالله بن عباس نقل می کند:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللّه صلی اللّه علیه و آله یَقُولُ: اَنَا وَ عَلِی وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ و تِسْعَهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ.(۲)

(ابن عباس می گوید) از پیامبر شنیدم که فرمود: «من و علی و حسن و حسین و نُه تن از فرزندان حسین پاک و معصوم هستیم».

پاسخ یک پرسش

ممکن است گفته شود این در روایت آخر ثابت نمی کند که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف متولد شده است؛ چون ممکن است آن حضرت از نسل امام حسین علیه السلام باشد و در آخر الزمان متولد شود.

در پاسخ باید گفت: اولاً از ظاهر این دو روایت چنین برمی آید که نُه نفر پشت سر هم هستند؛ یعنی هر کدام فرزند امام پیشین است، چنان که درباره هشت امام این مطلب صادق است.

ثانیا: دلالت این دو روایت به قرینه روایت هایی که در فصل نسب حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بیان می کنیم و نیز روایتی که در ادامه خواهیم آورد، کامل می شود.

شبراوی شافعی مصری در کتاب الاتحاف بحبّ الأشراف و ابن صباغ در کتاب

ص: ۱۸

۱- ابوالمؤید موفق خوارزمی، مقتل الحسین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ج ۱، فصل ۷، بی تا.
۲- فرائد السمطین، ج ۲، ح ۴۳۰.

فصول المهمه نقل می کنند که دعبل بن علی خزاعی (شاعر) گفته است:

به خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم و ضمن قصیده ای دو شعر خواندم. (شعر، عربی و مضمونش درباره خروج امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف است.) حضرت پس از شنیدن شعر، در حالی که می گریست، سر بلند کرد و فرمود: ای دعبل! در این دو شعر، جبرئیل به زبان تو سخن گفته است. آیا می دانی آن امام کیست که قیام می کند؟ گفتم: نمی دانم، فقط شنیده ام امامی از شما اهل بیت قیام خواهد کرد و زمین را از عدل و داد پُر خواهد ساخت.

حضرت فرمود: ای دعبل! امام پس از من، پسرم محمد است و امام بعدی، فرزندش علی و پس از او، حسن و امام پس از حسن، فرزند او حجت قائم است که در زمان غیبتش همه منتظر او هستند و پس از ظهورش همه پیرو اویند. اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا او خروج کند و زمین را آن گونه که از ستم آکنده شده، از عدل پر سازد.(۱)

عقیده چند تن از بزرگان اهل سنت درباره ضرورت وجود انسان کامل

۱. عزیزالدّین نسفی

وی در کتاب الانسان الکامل می نویسد:

اکنون بدان که این انسان کامل را اسامی بسیار است که هر کدام به لحاظ و اعتبار خاصی می باشد و همه این اسامی صحیح است. ای درویش! انسان کامل را، شیخ، پیشوا، هادی و مهدی گویند و نیز دانا و بالغ و کامل و مکمل خوانند و امام، خلیفه، قطب [و] صاحب زمان نامند... . این انسان کامل همیشه در عالم باشد و زیادت از یکی نباشد، از آن جهت که همه موجودات همچون یک شخص می باشند و انسان کامل، دل آن شخص است و موجودات، بدون دل

۱- شبراوی شافعی مصری، الاتحاف بحبّ الاشراف، ایران، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۳ه_ . ق، چ ۱، ص ۳۳۲.

نتوانند بود. پس انسان کامل، همیشه در عالم خواهد بود و همان طور که دل بیش از یکی نباشد، انسان کامل نیز بیش از یکی نیست.(۱)

۲. محی الدین عربی

او در کتاب فصوص الحکم درباره ضرورت وجود انسان کامل در جهان،آورده است:

انسان کامل نسبت به عالم، مانند نگین انگشتر است نسبت به انگشتر. نگین انگشتر محل نقش و علامتی است که پادشاه به وسیله آن بر خزائنش مُهر می زند و به همین لحاظ است که به انسان کامل خلیفه می گویند، چون خداوند به وسیله او خلقش را حفظ می کند، همان گونه که به وسیله مُهر، خزائن حفظ می شود؛ چرا که تا وقتی مُهر پادشاه بر خزائن موجود است، هیچ کس جرئت نمی کند خزائن را بگشاید، مگر با اذن پادشاه.

بنابراین، انسان کامل، جانشین خدا در حفظ مُلک است و تا هر زمان که انسان کامل در عالم موجود است، عالم نیز محفوظ خواهد بود.(۲)

۳. محمد لاهیجی (از عالمان قرن نهم هجری)

لاهیجی در کتاب مفاتیح الأعجاز فی شرح گلشن راز(۳) می نویسد:

...اگرچه نبوت تشریعی منقطع شده، اما حضرت لطیف، به لطف شامل خویش، بندگان را از فیض ولایت که باطن نبوت است، محروم نگردانیده و در هر دوره و زمان، اولیا بوده اند و هستند و خواهند بود و مدار عالم، به وجود شریف ایشان است.(۴)

۱- عزیزالدین نسفی، الانسان الکامل، تهران، انیستیتو ایران و فرانسه، ۱۳۴۱، ص ۴.

۲- محی الدین عربی، فصوص الحکم، تهران، الزهراء، ۱۳۷۰، چ ۲، ص ۵۰.

۳- گلشن راز اثر محمود شبستری از عارفان قرن هفتم هجری است.

۴- محمد لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، کتاب فروشی محمودی، ۱۳۶۶، ص ۲۸۱.

تاریخ و محل ولادت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

درباره تاریخ ولادت حضرت مهدی، نظریه های گوناگونی وجود دارد، ولی بیشتر کسانی که اصل ولادت حضرت را پذیرفته اند، معتقدند ایشان در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه . ق در سامرا متولـد شده است. از معتقدان به این نظریه می توان این افراد را نام برد:

۱. عبدالوهاب بن احمد شعرانی شافعی در کتاب الیواقیت و الجواهر.(۱)

۲. ابن صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمه.(۲)

۳. شیخ سلیمان بن ابراهیم معروف به خواجه کلان حسینی بلخی قندروزی در کتاب ینابیع الموده. ایشان پس از بیان نظریه چند تن از دانشمندان در مورد ولادت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، می گوید: آنچه پیش ثقات، محقَّق و معلوم است، این است که ولادت حضرت قائم در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ ه . ق در سامرا اتفاق افتاده است.

۴. بهلول بهجت افندی نگارنده کتاب المحاکمه فی تاریخ آل محمد.(۳)

۵. ابن خلکان می نویسد: حضرت مهدی، در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه .ق متولد شده است. نام مادر ایشان را خمط و برخی نرجس گفته اند.(۴)

۶. شبراوی شافعی در کتاب الأتحاف بحبّ الاشراف آورده است:

یازدهمین امام، حسن الخالص و ملقب به عسکری است. در شرافت او همین

۱- الیواقیت و الجواهر، ص ۴۲۲.

۲- الفصول المهمه، ص ۳۱۰.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، قم، مؤسسه السیده المعصومه، ۱۴۱۹ه_ . ق، چ ۱، ص ۴۲۲.

۴- اخبار الدول و آثار الأول، ص ۳۵۳.

بس که حضرت مهدی منتظر، از فرزندان اوست. حضرت محمد بن الامام الحسن الخالص در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ . ق در سامرا به دنیا آمد.(۱)

۱- الاتحاف بحبّ الاشراف، ص ۳۶۶.

فصل دوم: نسب حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

در این قسمت به بیان چند روایت بسنده می کنیم.

۱. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از قبیله قریش و از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است:

عَنْ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله اِنَّهُ قالَ: اُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدی رَجُلٌ مِنْ قُرَیْشٍ مِنْ عِتْرَتی... .(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بشارت می دهم شما را به مهدی که مردی از قبیله قریش و از عترت من است.

۲. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان عبدالمطلب است:

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: نَحْنُ سَبْعَهُ بَنی عَبْدِالْمُطلب ساداتُ اَهْلِ الْجَنَّهِ: اَنا وَ اَخی عَلی، وَ عَمّی حَمْزَهُ، وَ جَعْفَرُ وَ الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ وَ الْمَهْدِی.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما هفت فرزند عبدالمطلب، سرور بهشتیان هستیم؛ من و برادرم علی و عمویم حمزه و جعفر و حسن و حسین و مهدی.

۳. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است:

عَنْ عَلی اِنَّهُ قالَ لِلنَّبی صلی الله علیه و آله: أَمِنّا آلُ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِی أَمْ مِنْ غَیْرِنا یا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ صلی الله علیه و آله:

۱- الصواعق المحرقه، ص ۱۶۶.

۲- ابن طلحه شافعی، مطالب السئوال فی مناقب آل الرسول، بیروت، مؤسسه ام القری، ۱۴۲۰ه_ . ق، ج ۲، ص ۱۵۵.

بَلْ مِنّا یَخْتِمُ اللّهُ بِهِ کَما فَتَحَ بِنا رَبُّنا. یَسْتَنْقِذُون مِنَ الْفِتْنَه کَما اُنْقِذُوا مِنَ الشِّرْکِ.(۱)

علی علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! آیا مهدی از ما آل محمد است یا از غیر ماست؟ حضرت فرمود: البته از ماست. خدا [این نظام هستی را] با او به پایان می رساند، همان گونه که با ما آغاز کرد. [به وسیله مهدی] مردم از فتنه نجات می یابند؛ همان گونه که از شرک نجات یافتند.

۴. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است:

عَنْ رَسُولِ اللّه صلی الله علیه و آله: اَلْمَهْدی مِنْ وُلْدی وَجْهُهُ کَالْکَوکَبِ الدُّرّی...یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً یَرْضی بِخِلافَتِهِ اَهْلُ السَّماءِ وَ اَهْلُ الْأَرْض وَ الطَّرْفِی الْجَّوِّ... .(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از فرزندان من است [که] چهره اش همچون ستاره درخشان است... زمین را از عدل پر خواهد ساخت، آن چنان که از بیداد پر شده و ساکنان زمین و آسمان و حتی پرندگان آسمانی از حکومت او راضی هستند... .

۵. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان حضرت علی علیه السلام است:

قالَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله: اِنَّ عَلِیّاً اِمامُ اُمَّتی مِنْ بَعْدی وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقائِمُ الْمُنْتَظَرُ اَلَّذی إِذا ظَهَرَ یَمْلَأُ الأَرْضَ عَدْلاً وَ قِسْطاً... .(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا علی پیشوای امت من پس از من است و قائم منتظر از فرزندان او خواهد بود؛ همان که وقتی ظهور کند، زمین را از عدل و داد پُر سازد... .

ص: ۲۴

۱- علی متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا، ج ۱۴، ص ۵۹۸، ح ۳۹۶۸۲.

۲- احمد بن حجر هیثمی، الصواعق المحرقه، قاهره، مکتبه القاهره، بی تا، ص ۱۶۴.

۳- ینابیع الموده، ص ۴۹۴.

۶. مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان فاطمه علیهاالسلام است:

عَنْ اُمِّ سَلَمَهَ قالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: اَلْمَهْدِی مِنْ عِتْرَتی مِنْ وُلْدِ فاطِمَه.(۱)

ام سلمه می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه است.

۷. مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام حسین علیه السلام است:

عَنْ حُذَیْفَهَ قالَ: خَطَبَنا رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فَذَکَرَنا بِما هُوَ کائِنٌ ثُمَّ قالَ: لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیا اِلّا یَوْمٌ واحِدٌ لَطَوَّلَ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ ذلِکَ الْیَوْمَ حَتّی یَبْعَثَ فیه رَجُلاً مِنْ وُلْدی اِسْمُهُ اِسْمِی. فَقامَ سَلْمانُ الْفارسِی وَ قالَ: یا رَسُولَ اللّهِ اِنَّهُ مِنْ اَی وُلْدِکَ؟ قالَ صلی الله علیه و آله: «هُوَ مِنْ وُلْدی هذا» وَ ضَرَبَ بِیَدِهِ عَلَی الْحُسَیْنِ.(۲)

حذیفه می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنرانی خود برای ما، بعضی حوادث آینده را یادآوری کرد و در ادامه فرمود: اگر از دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی که از فرزندان من و هم نام من است، ظهور کند. سلمان فارسی برخاست و پرسید: یا رسول اللّه! از نسل کدام یک از فرزندانت است؟ حضرت در حالی که با دست مبارک بر امام حسین می زد، فرمود: «از نسل این فرزندم».

رشید رضا در تفسیر المنار چنین می نویسد: «وَرَدَ فی بَعْضِ الْأَخْبار اَنَّ الْمَهْدِی مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ؛ در بعضی روایات وارد شده که حضرت مهدی از فرزندان امام حسین علیه السلام است».(۳)

ص: ۲۵

۱- سلیمان بن اشعث ازدی حنبلی، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰هـ. ق، چ ۱، ج ۲، ص ۳۱۰.

۲- یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، عقد الدرر، قاهره، مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹ هـ. ق، باب ۱، ص ۲۴.

۳- رشید رضا، المنار، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، چ ۲، ج ۹، ص ۵۰۲.

در حدیث دیگری، کنجی شافعی از ابی هارون عبدی نقل می کند که گفت: نزد اَبا سَعید خُدْری رسیدم و به او گفتم: آیا در جنگ بدر حضور داشتی؟ گفت: آری. گفتم: آیا آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و فضایلش شنیده ای، برای من نقل نمی کنی؟ پاسخ داد: البته که نقل می کنم. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله دچار کسالتی شد و در بستر بیماری افتاد. فاطمه زهرا علیهاالسلام به عیادت پدر آمد. من نیز در سمت راست حضرت بودم. فاطمه با دیدن ضعف پدر متأثر شد و گریست، به گونه ای که اشک بر گونه اش جاری شد. پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه گریه او شد و فرمود: «فاطمه جان! چرا گریه می کنی؟! آیا نمی دانی که خداوند توجهی به زمین کردو از میان همه زمینیان، پدرت را برگزید و به عنوان پیامبر مبعوث فرمود و سپس برای بار دوم، نگاهی به زمین کرد و شوهرت را برگزید و به من وحی فرمود که تو را به ازدواج او درآورم و او را به عنوان وصی خود برگزینم؟ آیا نمی دانی به لطف الهی، پدرت تو را به عقد ازدواج کسی درآورد که از همه داناتر و حلم و بردباری اش از همه بیشتر است و پیش از همه اسلام را پذیرفت؟» فاطمه خوش حال شد و لبخند زد.

آن حضرت برای آگاهی بیشتر فاطمه، چنین ادامه داد:

«ای فاطمه! برای علی شش منقبت و فضیلت است: ایمان به خدا و رسولش؛ حکمت؛ همسرش؛ دو پسرش (حسن و حسین)؛ امر به معروف و نهی از منکر.

ای فاطمه! خداوند شش ویژگی به خاندان ما داده است که به احدی نداده و نخواهد داد: پیامبرِ ما خاندان که پدرت باشد، بهترینِ پیامبران است؛ وصی ما خاندان که شوهر توست، بهترینِ اوصیا و شهید ما خاندان که حمزه، عموی پدرت است، بهترینِ شهداست و از ماست دو سبط این امت که دو پسر تو هستند و مهدی امت از خاندان ماست، همان که عیسی پشت سرش نماز

ص: ۲۶

می گزارد.» سپس دست مبارک را بر شانه حسین (که گویا همراه مادر به عیادت رسول الله صلی الله علیه و آله آمده بود) زد و فرمود: «مِنْ هذا مَهْدِی الْاُمَّهِ؛ مهدی امت، از فرزندان این [پسرم] است».(۱)

۸ . حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است.

بر اساس روایت های متعددی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را نهمین فرزند امام حسین علیه السلام خوانده است؛ از جمله در این حدیث خطاب به امام حسین علیه السلام می فرماید:

... اَنْتَ سَیِّدٌ اِبْنُ سَیِّدٍ وَ اَنْتَ اِمامٌ اِبْنُ اِمامٍ وَ اَنْتَ حُجَّهٌ اِبْنُ حُجَّهٍ، اَبُو حُجَجٍ تِسْعَهٍ. تاسِعُهُمْ قائِمُهُمْ.(۲)

تو آقا و فرزند آقایی و تو امام و فرزند امامی و تو حجت و فرزند حجتی و پدر نُه حجت هستی که نهمین آنان «قائم»(۳) ایشان است.

نظر برخی از دانشمندان اهل سنت درباره نسب حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

نظر برخی از دانشمندان اهل سنت درباره نسب حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

۱. شمس الدین ابوالمظفر سبط بن جوزی حنفی

او محمد، فرزند حسن است و حسن، فرزند علی و علی، فرزند محمد و محمد، فرزند علی و علی، فرزند موسی و موسی، فرزند جعفر و جعفر، فرزند محمد و محمد، فرزند علی و علی، فرزند حسین و حسین، فرزند علی و علی، فرزند ابوطالب و کنیه اش ابوعبداللّه و ابوالقاسم است و اوست صاحب الزمان و قائم منتظر و او آخرینِ امامان است.(۴)

۱- محمد کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، قم، مؤسسه الهادی، ۱۳۹۹ ه_ . ق، ص ۱۲۰.
۲- عبیدالله امر تسری، ارجح المطالب فی عدّ مناقب اسدالله الغالب، چاپ لاهور، بی تا، ص ۴۳۶.
۳- «قائم» لقب مخصوص حضرت مهدیعج است.
۴- سبط بن جوزی حنفی، تذکره الخواص، بیروت، دارالعلم، ۱۴۲۵ ه_ . ق، چ ۱، ص ۴۵۲.

۲. سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی مصری

وفات ابومحمد حسن بن علی عسکری علیه السلام در روز جمعه هشتم ربیع الاول در سال ۲۶۰ بود و از فرزندان، فقط پسرش محمد را بعد از خود گذاشت.

فصل: درباره ذکر مناقب محمد بن الحسن خالص، فرزند علی هادی، فرزند محمد جواد، فرزند علی رضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق، فرزند محمد باقر، فرزند علی زین العابدین، فرزند حسین، فرزند علی، فرزند ابی طالب رضی الله عنه. مادرش امّ ولد که به او نرجس گفته می شود و بعضی نام مادر او را صقیل(۱) و بعضی سوسن گفته اند و کنیه اش ابوالقاسم است.(۲)

۳. محمد بن طلحه شافعی

وی در کتاب مَطالبُ السّـئول فی مَناقِبِ آلِ الرَّسول(۳) نام های اجداد حضرت مهدی را بیان می کند و حضرت را از فرزندان امام حسین علیه السلام می داند.

۴. شیخ عبداللّه شبراوی شافعی مصری

شبراوی پس از تعریف و تمجید فراوان از دوازده امام، از اینان به عنوان سلسله هاشمیه یاد می کند و سپس نام مبارک تمامی این سلسله والامقام را بیان می کند. (از حضرت مهدی تا امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام)(۴)

۵. محی الدین عربی (عارف برجسته اهل سنت)

بنا بر آنچه در چاپ های اخیر کتاب فتوحات المکیه آمده، ایشان جد حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را امام حسن علیه السلام می داند،(۵) ولی حقیقت این است که او

۱- در برخی نقل ها به جای صقیل «صیقل» ذکر شده است.

۲- نورالابصار، ص ۲۵۷.

۳- مطالب السئول فی مناقب آل الرَّسول، ج ۲، ص ۱۵۵.

۴- الاتحاف بحبّ الاشراف، آخر باب ۵، ص ۳۸۰.

۵- فتوحات المکیه، ج ۳، ص ۴۳۰.

نیزهمچون بسیاری از دانشمندان اهل سنت که نام برخی از آنان ذکر شد، جد حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را امام حسین علیه السلامی داند و متأسفانه در چاپ های فعلی فتوحات المکیه، نظریه ایشان تحریف شده است. گواه این سخن، عبارتی است که در کتاب الیواقیت و الجواهر (که در واقع شرح بعضی مطالب فتوحات المکیه است)، از کتاب فتوحات المکیه نقل شده است. امام عبدالوهّاب شَعرانی در این کتاب می نویسد:

عبارت شیخ محی الدین در باب ۳۶۶ فتوحات این است: «بدانید که خروج حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف حتمی است، لکن او خروج نمی کند، مگر آن زمان که زمین پر از ظلم و جور شود. پس او خواهد آمد و زمین را مالامال از عدل و قسط خواهد کرد و اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا او ظهور کند و او از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه است. جدّ او حسین بن علی بن ابی طالب است و پدرش حسن عسکری است، فرزند امام علی النقی، فرزند امام محمدتقی، فرزند امام علی الرضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق، فرزند امام محمدباقر، فرزند امام زین العابدین، فرزند امام حسین بن علی بن ابی طالب...».(۱)

آیا حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام حسن مجتبیعلیه السلام است؟

عده ای از دانشمندان اهل سنت معتقدند حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است و برای این ادعا به سه روایت استدلال کرده اند. برای روشن شدن حقیقت، متن این سه روایت را بیان و سپس هر یک را بررسی می کنیم:

۱- امام عبدالوهاب شعرانی، الیواقیت و الجواهر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹هـ . ق، چ ۱، ج ۲، ص ۴۲۲.

روایت های مورد استشهاد

روایت اول

عَنْ اَبی وائِلٍ قالَ: نَظَر عَلِی عَلَیْهِ السَّلامُ اِلَی الْحَسَنِ عَلَیْهِ السَّلامُ، فَقالَ: اِنَّ اِبْنی هذا سَیِّدٌ کَما سَمّاهُ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله وَ یَخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ یُسَمّی بِاسْمِ نَبِیِّکُمْ یَشْبَهُهُ فِی الخُلْقِ وَ لایَشْبَهُهُ فِی الْخَلْقِ یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً.(۱)

ابی وائل می گوید: حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام نگاه کرد و فرمود: این پسرم آقاست، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله، او را آقا نامید و از نسل او مردی به دنیا می آید که هم نام پیامبرتان است. اخلاقش شبیه پیامبر است، ولی خلقت ظاهری اش خیر. او زمین را از عدل پر خواهد ساخت.

اشکال حدیث این است که راوی آن اَبی وائل (عبدالله بن سجیر صنعانی) است و به تصریح ذهبی از قصه سرایان است(۲) و قصه سرایان، به ویژه آنان که در زمان معاویه بوده اند، به بی دقتی در نقل احادیث متهم هستند.

ابن حیّان درباره ابی وائل می گوید: «او روایت های عجیبی نقل می کند که قابل احتجاج نیست».(۳)

روایت دوم

عَنْ عَبْدِاللّهِ بْنِ عَمْرِو الْعاصِ قالَ: «یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ حَسَنٍ مِنْ قِبَلِ الْشَّرْقِ لَو اسْتَقْبَلَ بِهَا الْجِبالُ لَهَدَّمَها وَ اتَّخَذَ فیها طُرُقاً».(۴)

عبداللّه پسر عمروعاص می گوید: «مردی از فرزندان حسن از ناحیه مشرق ظهور می کند. اگر کوه ها در برابرش بایستند، آنها را نابود می کند و مسیرش را در پیش می گیرد».

ص: ۳۰

۱- سنن ابی داوود، کتاب المهدی، ج ۲، ص ۳۱۱.

۲- ذهبی، میزان الاعتدال، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۵.

۳- همان.

۴- ابن عساکر دمشقی، تاریخ دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ه_ . ق، ج ۱۲، ص ۹۶.

در این حدیث نیز سه اشکال هست:

۱. ذهبی ابن لهیعه عبداللّه بن عقبه الحضرمی را که در سند حدیث واقع شده است، ضعیف می داند.(۱)

۲. ابن حجر عسقلانی از صاحب نظران حدیث و رجال شناسان اهل سنت، این حدیث را موقوف و منکر دانسته است.(۲)

۳. این روایت، کلام پسر عمروعاص است، نه کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، ازاین رو، معتبر نیست.

روایت سوم

مضمون روایت سوم، همان مضمون روایت نخست است و این روایت را ترمذی و ابی داوود از ابن اسحاق سبیعی نقل کرده اند.

خدشه ای که بر این حدیث وارد است اینکه سبیعی (راوی حدیث) در سال ۱۲۹ ه . ق وفات کرده و حضرت علی علیه السلام(که روایت از ایشان نقل شده) در سال ۴۰ ه . ق به شهادت رسیده است؛ یعنی اگر فرض شود سبیعی در سال شهادت حضرت علی علیه السلام متولد شده باشد، (تا سال ۱۲۹) ۸۹ سال داشته است. بر این اساس، این شخص چگونه می توانسته از امام حدیث بشنود و حفظ کند و به دیگران انتقال دهد!

به همین دلیل، مُنذری تصریح می کند که این حدیث، منقطع(۳) است. افزون بر این، ذَهبی در میزان الاعتدال آورده است که سبیعی در آخر عمر

۱- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۷۵

۲- ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه اعلمی، محرم ۱۳۹۰ه_ . ق، ج ۲، ص ۱۷۶.

۳- نک: مقاله عزیزالدین رضانژاد، ارائه شده در یازدهمین همایش علمی _ تحقیقی زاهدان.

پریشانی حواس داشته و بسیار طبیعی است که چنین شخصی نام حسین را، حسن بگوید.

پاسخ جامع برای هر سه روایت

بر فرض درست بودن این سه روایت، بزرگ ترین اشکال این است که در برابر این سه روایت، روایت های فراوانی نقل شده که در همه آنها، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسین علیه السلام خوانده شده است. در کتاب منتخب الاثر، ۱۸۵ حدیث در این باره آمده است.(۱) بنابراین، این سه روایت یا باید به گونه ای توجیه شوند که با احادیث دیگر، اختلاف نداشته باشند یا به طور کلی رد شوند.

جمع میان روایت ها

نکته دیگر که می توان با مطرح کردن آن میان روایت ها سازگاری ایجاد کرد،این است که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از سوی پدر، از فرزندان امام حسین علیه السلام و از ناحیه مادر از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است، زیرا مادر امام محمدباقر علیه السلام، (همسر امام سجاد علیه السلام) فاطمه، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام بود. گواه این سخن، روایت هایی است که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را، هم از فرزندان امام حسن علیه السلام و هم از فرزندان امام حسین علیه السلام می دانند.

راوی می گوید: بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم، در حالی که حضرت در بستر بیماری بود و فاطمه زهرا علیهاالسلام بر بالین ایشان می گریست. پیامبر صلی الله علیه و آله سر بلند کرد و به فاطمه علیهاالسلام فرمود:

«دو سبط این امت؛ یعنی دو فرزند تو حسن و حسین علیهماالسلام، از خاندان ما و

۱- منتخب الاثر، ص ۱۹۸.

سروران جوانـان بهشـتی هسـتند و سوگنـد به کسـی که مرا به حق مبعوث فرمود،پـدر آن دو از آن دو بهتر است.» در ادامه این حدیث، حضرت می فرماید:

یا فاطِمَهُ وَ الَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ اِنَّ مِنْهُما مَهْدِی هذِهِ الْأُمَّهِ... .(۱)

ای فاطمه! سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت، همانا مهدی این امت، از آن دو [حسن و حسین] است... .

پاسخ به یک پرسش

ممکن است این پرسـش مطرح شود که چگونه در روایتی که بیان شد،حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام حسن علیه السلامدانسـته شده، با اینکه بر اساس روایت های بسیار، ایشان از سوی پدر، حسینی است و فقط از طرف مادر، به امام حسن علیه السلاممنسوب است؟

البته چنین پرسـش هـایی، در سـنت هـای غلـط بـاقی مانـده از دوران جـاهلیت ریشه دارد که زن را عنصـر اصـلی خانواده نمی دانستند و بر همین اساس، ملاک خویشاوندی و نسبت های فامیلی را فقط از جانب مردان به شمار می آوردند.

چنان که شاعر دوران جاهلیت می گوید:

بَنُونا بَنُو أَبْنائِنا وَ بَناتنا

بَنُوهُنَّ اَبْناءُ الرِّجالِ الْأَباعِدِفقط فرزندان پسران ما فرزندان ما هستند و فرزندان دخترانمان، فرزندان مردان بیگانه اند.

توهم بنی عباس

بر اساس آنچه بیان شد، بنی عباس و پیروانشان، فرزندان فاطمه زهراعلیهاالسلام را

۱- یوسف مقدسی شافعی، عقد الدرر، قاهره، مکتبه العالم الفکر، ۱۳۹۹ هـ . ق، چ ۱، فصل ۳ از باب ۹، ص ۲۱۷.

فقط فرزنـدان حضـرت علی علیه السـلامبی دانسـتند و از فرزندان پیامبرصـلی الله علیه و آله به شـمارنمی آوردند. در حالی که چنین انـدیشه ای به هیـچ صورت با فرهنگ اسـلامی و قرآنی سازگار نیست. در فرهنگ اسـلامی، زنماننـد مرد، عضو اصـلی خانواده است و شـخص همان گونه که از ناحیه پـدر به اجداد خود منسوب می شود، از ناحیه مادر نیز نسـبت خویشاوندی می یابد.

گواه این مطلب، این آیه قرآن است:

وَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ داوُودَ وَ سُلَیمانَ وَ أَیُّوبَ وَ یُوسُفَ وَ مُوسی وَ هارُونَ وَ کَذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِین. وَ زَکَرِیّا وَ یَحْیی وَ عِیسی و اِلْیاسَ کُلٌّ مِنَ الصّالِحِین. (انعام: آیات ۸۴ _ ۸۵)

و از فرزنـدان ابراهیم هسـتند داوود و سـلیمان و ایوب و یوسف و موسـی و هارون و این چنین پاداش می دهیم نیکوکاران را و (نیز از فرزندان ابراهیم هستند) زکریا و یحیی و عیسی و اِلیاس که همه از صالحانند.

در این آیه، حضـرت عیسـی از فرزنـدان حضـرت ابراهیم خوانـده شده، با اینکه پدری نداشـته و فقط از ناحیه مادر به حضـرت ابراهیم منسوب است.

بنـابراین، فرزنـدان حضـرت علی علیه السـلام و فاطمه زهرا علیهاالسـلام، فرزنـدان پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به شـمار می آیند؛ زیرا فرزندان دختر پیامبرند و حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف نیز از ناحیه مادر، از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است و اشکالی که مطرح شد، وارد نیست.

پدر حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

بر اساس بسیاری از احادیث موجود در منابع اهل سـنت، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن عسکری علیه السـلاماست. برای نمونه حافظ ابونعیم (از دانشـمندان و محدثان برجسـته اهل سـنت) چهل حدیث درباره حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف گردآورده که از جمله آنها حدیث زیر است:

عَنْ عَلِی الرِّضا ابْنِ مُوسَی الْکاظِمِ علیه السلام قالَ: الْخَلَفُ الصّالِح، مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ ابْنِ عَلی اَلْعَسْکَری، هُوَ صاحِبُ الزَّمانِ وَ هُوَ الْمهدی عج الله تعالی فرجه الشریف .(۱)

امام رضا علیه السلام فرمود: خلف صالح، از فرزندان امام حسن عسکری است، او صاحب الزمان و مهدی [موعود] است.

مادر حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

از میان احادیثی که حافظ ابونعیم درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف گردآورده، در این حدیث به نام مادر حضرت اشاره شده است:

عَنْ مُوسَی الْکاظِمعلیه السلام قالَ: قالَ سَیِّدی جَعْفَرُبْنُ مُحَمَّدٍ الْخَلَفُ الصّالِحُ مِنْ وُلْدی وَ هُوَ الْمَهْدی اِسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ کُنْیَتُهُ اَبُوْالْقاسِمِ یَخْرُجُ فی آخِرِ الزَّمان یُقالُ لِاُمِّهِ «نَرْجِسُ» وَ عَلی رَأْسِهِ غَمامَهٌ تَظِلُّهُ عَنِ الشَّمْسِ. تَدُورُ مَعَهُ حَیْثُ ما دارَ. تُنادی بِصَوْتٍ فَصیح: هذَا الْمَهْدِی فَاتَّبِعُوهُ.(۲)

امام کاظم علیه السلام از پدر بزرگوارش امام جعفر صادق علیه السلام چنین نقل می کند: خلف صالح از فرزندان من است و اوست مهدی، نامش م ح م د است و کنیه اش ابوالقاسم. در آخرالزمان خروج می کند. نام مادرش نرجس است و بر سرش [حضرت مهدی] ابری سایه افکنده است و همراه او حرکت می کند و با صدای فصیح و گویا فریاد می زند: این، مهدی است، از او پیروی کنید.

نظر چند تن از دانشمندان اهل سنت درباره پدر حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

نظر چند تن از دانشمندان اهل سنت درباره پدر حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

۱. کمال الدین، ابوسالم محمد بن طلحه بن محمد بن حسن حلبی شافعی

وی در کتاب خود به نام مطالب السئول فی مناقب آل الرسول صلی الله علیه و آله می نویسد:«همانا مهدی، فرزند ابومحمد حسن عسکری است و محل تولدش سامراست».(۳)

۱- ینابیع الموده، ص ۴۹۱، استامبول، چاپ اختر.

۲- همان.

۳- مطالب السئول، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲. ابوعبدالله محمد کنجی شافعی

«همانا مهدی، فرزند حسن عسکری است. پس او زنده و موجود و از زمان غیبتش تا الان باقی است و امتناعی در بقایش نیست؛ به دلیل بقای عیسی و خضر و الیاس».(۱)

۳. نورالدین علی بن محمد مالکی

«همانا مهدی موعود، فرزند ابومحمد حسن عسکری است».(۲)

۴. سید مؤمن شبلنجی

وی، حضرت مهدی را فرزند امام حسن عسکری می داند.(۳)

۵. سیدعبدالوهاب شعرانی

شعرانی در کتاب الیواقیت و الجواهر، پس از بیان بعضی نشانه های آخرالزمان می گوید: «... فَهُناکَ یَتَرقَّبُ الْمهدی عج الله تعالی فرجه الشریف وَ هُوَ مِنْ اَوْلادِ الْإمامِ حَسَنِ الْعَسْکَری...؛ در آن هنگام انتظار می رود که مهدی ظهور کند و او از اولاد امام حسن عسکری است».(۴)

۶. سبط ابن جوزی

وی در کتاب تذکره الخواص حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می خواند.(۵)

ص: ۳۶

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان.

۲- فصول المهمه، ص ۲۸۲.

۳- نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۲۵۷.

۴- الیواقیت و الجواهر، ج ۲، باب ۶۵، ص ۴۲۲.

۵- تذکره الخواص، ص ۴۵۲.

بررسی یک روایت

ابوداوود این حدیث را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

عَنِ النَّبِی صلی الله علیه و آله قالَ: لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیا اِلّا یَوْمٌ لَطَوَّلَ اللّهُ ذلِکَ الْیَوْمَ، حَتّی یَبْعَثَ اللّهُ رَجُلاً مِنّی اَوْ مِنْ اَهْلِ بَیْتی یُواطِی ءُ اسْمُهُ اسْمی وَ اسْمُ اَبیهِ اسْمُ أَبی... .(1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی از نسل من (یا از اهل بیت من) مبعوث شود که نام او نام من و نام پدرش نام پدر من است.

بنا بر این حدیث، نام پدر حضرت مهدی عبداللّه است نه حسن، در حالی که احادیث فراوانی دلالت دارند بر اینکه نام پدر ایشان حسن است. حال حقیقت امر چیست؟

کنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان پس از نقل این حدیث، می نویسد:

«ترمذی همین حدیث را نقل کرده و جمله آخر (نام پدرش نام پدر من است) در آن نیست. همچنین امام احمد حنبل با همه ضبط و اتقانی که در نقل حدیث دارد، در چندین جا از مسند خودش، این حدیث را نقل کرده و جمله مزبور در آن نیست. افزون بر این، حافظ ابونعیم، نام بیش از ۳۰ نفر را بیان کرده است که این حدیث را از عاصم و عاصم از زر و زر از عبداللّه و عبداللّه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند و همه آنها فقط جمله اول را نقل کرده و هیچ کدام جمله پایانی را نقل نکرده اند. فقط در نقل عُبیْد اللّه بن موسی از زائده

ص: ۳۷

۱- سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ه_ . ق، چ ۱، ج ۲، ص ۳۰۹.

از عاصم،جمله یاد شده وجود دارد و هر انسان عاقلی، این نقل را با توجه به مخالفت آن با نقل بسیاری از ائمه حدیث، بی اعتبار می داند».(۱)

نظریه بعضی دانشمندان درباره زائده (راوی حدیث)، مطلب پیشین راتأیید می کند؛ برای مثال کنجی شافعی در البیان می نویسد: «زائده بن ابی وقادْ عادت داشته است چیزی بر احادیث بیفزاید».(۲)

احتمال دیگر این است که با توجه به جایگاه بالایی که حدیث در نزد توده مردم داشته و ایشان آنچه را در احادیث می آمد با جان و دل می پذیرفتند،عده ای دنیاطلب که تنها در اندیشه حکومت بر مردم بودند، باسوءاستفاده در این زمینه، عده ای را اجیر کرده باشند تا با ساختن احادیث دروغ یا افزودن مطلبی به بعضی احادیث، از آن به سود خودشان استفاده و پایه های حکومت خویش را تقویت کنند. بر اساس آنچه در تاریخ آمده و ما در بحث «مدعیان مهدویت» به آن خواهیم پرداخت، بنی عباس، از بشارت های نقل شده در احادیث مربوط به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، سوءاستفاده کرده و آنها را بر خود تطبیق داده اند.

با توجه به چنین شرایطی شاید جمله ای که به حدیث اضافه شده، برای تقویت حکومت محمد بن عبداللّه منصور عباسی، ملقب به «مهدی» بوده یا برای تأیید دعوت محمد بن عبداللّه بن الحسن ملقب به «نفس زکیه» انجام شده باشد. آنچه احتمال دوم را بیشتر می کند این است که بعضی تاریخ نگاران مانند مؤلف کتاب الفخری فی الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه نقل کرده اند عبداللّه

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، صص ۹۳ _ ۹۶.

۲- همان، ص ۹۴.

محض در ذهن بعضـی از مردم چنین تثبیت کرده بود که فرزندش محمد، مهدی موعود است و همین شخص، جمله آخر را به حدیث افزوده است.(۱)و(۲)

۱- منتخب الاثر، صص ۲۹۰ _ ۲۹۵.

۲- برای حـدیثی که بیـان شـد، توجیه های متعـددی ارائه شـده است که بخشـی از آنها در کتاب های منتخب الاثر و البیان فی اخبار صاحب الزمان و نیز بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۶ و... ذکر شده است.

فصل سوم: برخی فضایل حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در روایت ها

اشاره

شناخت ما از ویژگی های شخصیت آن وجود شریف، ناچیز است و هر آنچه می دانیم، به برکت احادیثی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهو دیگر بزرگان دینی درباره آن حضرت به ما رسیده است. به همین دلیل، در این فصل، تنها نقل و ترجمه احادیثی را که فضایل حضرت در آنها بیان شده، می آوریم؛ البته با در نظر گرفتن این نکته که آنچه در روایت ها به ما رسیده، قطره ای است از اقیانوس بی کران فضایل آن وجود بزرگوار. ولی به قول شاعر:

آب دریا را اگر نتوان کشید

پس به قدر تشنگی باید چشید

۱. ولایت تکوینی حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

عَنْ اَمیرِالْمُؤْمِنینَ عَلی بْنِ اَبی طالِبٍ علیه السلام قالَ: یُؤْمی الْمَهْدِی لِلَّطیْر فَیَسْقطَ عَلی یَدَیْهِ وَ یَغْرُسُ قَضیبا فی بُقْعَهٍ مِنَ الْأَرْضِ فَیَخْضَرَّ وَ یُورِقُ.(۱)

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: پرنده ای که در حال پرواز است، با اشاره حضرت مهدی در دستان حضرت قرار می گیرد و آن حضرت شاخه قطع شده ای را در زمینی می کارد و بر خلاف عادت، سرسبز می شود.

ص: ۴۰

۱- متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، تهران، شرکه الرضوان، ۱۳۹۹ هـ . ق، ص ۷۶.

۲. فرشتگان در خدمت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

عَنِ النَّبِی صلی الله علیه و آله فی قَضِیَّهِ الْمَهْدی... قالَ: وَ جَبْرَئیلُ عَلی مُقَدِّمَتِهِ وَ میکائیلُ عَلی ساقَتِهِ....(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف فرمود: جبرئیل، پیشاپیش آن حضرت قرار دارد و میکائیل، پشت سر آن حضرت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر چنین می فرماید:

یَخْرُجُ الْمَهدِی وَ عَلی رأْسِهِ مَلَکٌ یُنادی اَنَّ هذَا مَهْدِی فَاتَّبِعُوهُ.(۲)

حضرت مهدی ظهور می کند در حالی که فرشته ای بر بالای سر آن حضرت فریاد می زند: همانا این مهدی است، از او پیروی کنید.

۳. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از سروران بهشت

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: نَحْنُ وُلْدُ عَبْدُ الْمُطَلِبِ سادَهُ الْجَنَّهِ، اَنا وَ حَمْزَهُ وَ جَعْفَرُ وَ عَلی وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ الْمَهْدِی.(۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ما فرزندان عبدالمطلب سروران بهشت هستیم؛ یعنی من و (عمویم) حمزه و جعفر و علی و حسن و حسین و مهدی.

۴. حضرت مهدی، طاووس بهشتیان

عَنِ اِبْنِ عَبّاسٍ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: اَلْمَهدِی عج الله تعالی فرجه الشریف طاوُوسُ اَهْلِ الْجَنَّهِ.(۴)

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، طاووس اهل بهشت است.

۵. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، مایه نجات و اُلفت دل ها

ابو نعیم این حدیث را در رد سخن کسانی نقل کرده است که گمان

۱- همان، ص ۷۷.

۲- همان، ص ۷۲.

۳- صحیح ابن ماجه، ج ۲، باب خروج المهدی، ص ۶۸ .

۴- نورالابصار، ص ۲۶۲.

کرده اند مهدی همان عیسی بن مریم است:

عَنْ عَلِی بْنِ اَبِی طالِبٍ علیه السلام قالَ: قُلْتُ یا رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله أَمِنّا آلُ مُحَمَّدٍ اَلْمَهْدِی اَوْ مِنْ غَیْرِنا؟

فَقالَ صلی الله علیه و آله: لا بَلْ مِنّا، یَخْتِمُ اللّهُ بِهِ الدِّینَ کَمَا افْتَتَحَ بِنا وَ بِنا یَنْقِذُونَ مِنَ الْفِتْنَهِ کَمَا انْقِذُوا مِنَ الشِّرْکِ وَ بِنا یُؤَلِّفُ اللّهُ قُلُوبَهُمْ بَعْدَ عَداوَهِ الْفِتْنَهِ کَما أُلِّفَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَداوَهِ الشِّرْکِ وَ بِنا یُصْبِحُونَ بَعْدَ عَداوَهِ الْفِتْنَهِ اِخْواناً فِی دینِهِمْ.(۱)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: آیا مهدی از ما خاندان محمد است یا از غیر ماست؟

حضرت فرمود: البته که از ما خاندان است، خدا دین را با او به پایان خواهد رساند، همان گونه که با ما آغاز کرد و به وسیله او مردم از فتنه نجات خواهند یافت، همان گونه که به وسیله ما از شرک نجات یافتند و به وسیله او دل ها بعد از دشمنی فتنه، اُلفت می یابند، همان گونه که به وسیله ما پس از دشمنی شرک اُلفت یافتند و به وسیله او مردم، پس از دشمنی های فتنه، برادران دینی یکدیگر خواهند شد.

۶. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، جلوه گاه اسم الهی «صمد»

حارِثِ بْنِ مُغَیْرَهَ نَضْری: قُلْتُ لِاَبی عَبْدِاللّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِی علیه السلام: بِأَی شَی ءٍ یُعْرَفُ الْإِمامُ اَلْمَهْدِی؟ قالَ: بِالْوَقارِ وَ السَّکینَهِ. قُلْتُ: وَ بِأَی شَی ءٍ؟ قالَ: بِمَعْرِفَهِ الْحَلالِ وَ الْحَرامِ وَ بِحاجَهِ النّاسِ اِلَیْهِ وَ لا یَحْتاجُ اِلی اَحَدٍ.(۲)

حارث بن مغیره می گوید: از امام حسین علیه السلام پرسیدم: حضرت مهدی با چه مشخصه ای شناخته می شود؟ حضرت فرمود: به وقار و آرامشی که بر او حاکم است. عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: به وسیله شناخت حلال و حرام و اینکه

۱- همان.

۲- عقد الدرر، ص ۴۱.

همه مردم به او نیازمندند و او به احدی [از مردم] نیاز ندارد.

«صـمد» یکی از نـام هـای خداونـد و به معنای وجودی است که از هر چیزی بی نیاز است و همه به او نیازمندنـد. بر اساس این حدیث، حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشـریف را از این نظر که همه مردم به او نیازمند هسـتند و او به احدی نیاز ندارد، می توان جلوه گر نام الهی «صمد» دانست.

۷. برتری حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بر عیسی بن مریم

در روایت های بسـیاری بر این مطلب تصریح شده که حضـرت عیسـی بن مریم، پشت سـر حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشـریف نماز می گزارد. در ابتدا چند نمونه از این روایت ها را بیان می کنیم و سـپس دلالت آنها را بر برتری حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بر عیسی بن مریم بررسی خواهیم کرد.

الف) ابو سعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

مِنّا الَّذی یُصلِّی ابْنُ مَرْیمَ خَلْفَهُ.(۱)

از ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می گزارد.

ب) در حدیث دیگری از پیامبر اسلام علیهاالسلام چنین نقل شده:

...فَبَیْنَما اِمامُهُمْ قَدْ تَقَدَّمَ یُصـلّی بِهِمُ الصُّبْحَ اِذْ نَزَلَ ابْنُ مَرْیَمَ حینَ کَبَّرَ لِلصُّبْحِ. فَرَجَعَ ذالِکَ الْإِمامُ یَنْکُصُ لِیَتَقَدَّمَ عیسـی یُصَـلِّی بِالنّاسِ فَیَضَعُ عیسی یَدَهُ بَیْنَ کَتِفَیْهِ فَیَقُولُ: تَقَدَّمْ فَصَلِّها فَاِنَّها لَکَ اُقیمَتْ. فَیُصَلّی بِهِمْ اِمامُهُمْ.(۲)

در حالی که امام مسـلمانان [حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشـریف] برای اقامه نماز صبح پیشاپیش مردم ایستاده است و مردم آماده تکبیر نماز هستند، حضرت عیسی بن مریم نازل می شود. امام، خود را کنار می کشد تا عیسی با مردم نماز را اقامه

۱- همان، ص ۲۳۰.

۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۱.

کند. حضـرت عیسـی در حالی که دسـتش را میان شانه های حضرت گذاشته است، می گوید: جلو بایست و نماز را اقامه کن؛ چراکه نماز به خاطر شما اقامه شده. حضرت جلو می رود و نماز را اقامه می کند.

در تبیین برتری حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشـریف بر حضرت عیسی علیه السلام، خلاصه ای از سخنان کنجی شافعی از کتاب مهدی موعود را می آوریم. او نخست تأکید می کند، روایت هایی که می گویند: «حضـرت عیسی پشت سر حضرت مهـدی عج الله تعالی فرجه الشـریف نماز می گزارد و در رکاب ایشان می جنگد» از نظر سـند، معتبر و خدشه ناپذیرند؛ سـپس می گوید این روایت ها بر برتری حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارند؛ زیرا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقـل شـده است که امام جماعت بایـد پیشوای آنان باشـد. اگر دو نفر برابر بودنـد، آن کس که عالم تر است امام جماعت شود و اگر از نظر علمی یکسان هسـتند، آن کس که فقیه تر است و اگر از این نظر نیز یکسان بودنـد، آن کس که سابقه دینی اش بیشتر است و چنانچه از این جنبه هم تفاوتی نداشتند، آن کس که خوش سیماتر است امام جماعت شود.

کنجی در ادامه می افزایـد: با توجه به اینکه حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشـریف و حضـرت عیسـی علیه السـلام هر دو معصوم و از انجام هر عملی که شائبه غیر دینی داشـته باشددورنـد، بی تردیـد اگر حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشـریف اولویت نداشـته باشد، نه خودهیچ گاه امامت جماعت را می پذیرد و نه برای حضـرت عیسـیعلیه السلام جایز است که به ایشان اقتدا کند.(۱)

۸. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، بهترینِ امت اسلام

اِنَّهُ یُنادی مُنادٍ مِنَ السَّماءِ: اَیُّهَا النّاسُ اِنَّ اللّهَ قَدْ قَطَعَ عَنْکُمُ الْجَبّارینَ وَ الْمُنافِقینَ وَ اَشْیاعَهُمْ

۱- مهدی موعود، ص ۳۰۹.

وَ وَلّاکُمْ خَیْرَ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَأَلْحِقُوا بِمَکّهَ فَإِنَّهُ الْمَهْدِی... .(۱)

نداده‌نده ای از آسمان ندا می دهد: ای مردم! خداوند، شر ستمگران و منافقان و پیروانشان را از سر شما قطع کرد و بهترینِ امت محمدصلی الله علیه و آله را سرپرست شما ساخت. پس (برای بیعت با او) به سوی مکه بروید، همانا او مهدی است... .

در حدیث دیگری از صحابه پیامبر علیهاالسلام چنین نقل شده است: «هُوَ خَیْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ او (حضرت مهدی) بهترینِ اهل زمین است».(۲)

۹. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، نابودگر بدعت ها

عَنْ اَبی سَعید خُدْری قالَ: خَشینا اَنْ یَکُونَ بَعْدَ نَبِیِّنا حَدَثٌ فَسَأَلْنا نَبِی اللّهِ صلی الله علیه و آله. فَقالَصلی الله علیه و آله: اِنَّ فی اُمَّتی الْمَهْدِی یَخْرُجُ... .(۳)

ابی سعید خُدری می گوید: ما از آینده اسلام و مسلمانان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نگران بودیم که مبادا در دین بدعتی ایجاد شود (و خط و مسلکی که پیامبر بنا فرموده بود به فراموشی سپرده شود). پس به خدمت ایشان رفتیم و نظر ایشان را جویا شدیم. حضرت فرمود: در میان امت، مهدی خروج خواهد کرد... .

در این حدیث، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ مسلمانان نفرمود جای نگرانی نیست، بلکه ضمن تأیید پدید آمدن بدعت هایی پس از خود، توجه آنان را به ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف جلب کرد. بنابراین، با آمدن ایشان، گرد و غبار بدعت از چهره دین زدوده و اسلام ناب زنده خواهد شد.

۱- محمد بن رسول برزنجی، الاشاعه لاشراط الساعه، جده، دار المنهاج، ۱۴۱۷ هـ . ق، چ ۱، ص ۱۹۸.
۲- شهاب الدین ابن حجر هیثمی شافعی، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، قم، بضعه المصطفی، لاحیاء التراث اهل البیت، باب ۲، ح ۳.
۳- الجامع الصحیح سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳هـ . ق، چ ۲، ج ۲، ح ۳۴۲.

روایت های فراوانی درباره بـدعت هایی که تا پیش از ظهور حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشـریف در دین اسـلام پدید می آیـد، وجود دارد و حتی از بعضـی بـدعت ها نام برده شـده است. در برخی روایت ها تصـریح شـده است که آن حضـرت بدعت ها را از بین خواهد برد:

لا یَتْرُکُ بِدْعَهً اِلّا أَزالَها وَ لا سُنَّهً اِلّا اَقامَها.(۱)

هیـچ بدعتی نیست، مگر آنکه حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشـریف آن را نابود می کند و هیچ سـنت فراموش شده ای نیست، مگر آنکه حضرت آن را به پا خواهد کرد.

۱۰. ارادت امام حسین علیه السلام به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

عَنْ أَبی عَبْدِ اللّهِ الْحُسَیْنِ علیه السلام اِنَّهُ سُئِلُ: هَلْ وُلِدَ الْمَهْدی؟ قالَ: لا وَلَوْ أَدْرَکْتُهُ لَخَدِمْتُهُ اَیّامَ حَیاتی.(۲)

از امام حسـین علیه السلام سؤال شد: آیا حضرت مهدی متولد شده است؟ فرمود: خیر، اگر او را درک می کردم، تا زنده بودم در خدمتش می ماندم.

۱۱. علم خدادادی حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

عَنْ اَبی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِی علیه السـلام اِنَّهُ قالَ: یَکُونُ هذَا الْأَمْرُ فی اَصْغَرِنا سِنّا وَ اَجْمَلِنا ذِکْرا وَ یُورَثُهُ اللّهُ تَعالی عِلْما وَ لایَکِلَهُ اِلی نَفْسِهِ.(۳)

امام محمدباقر علیه السـلام فرمود: این امر (تشکیل حکومت جهانی در آخرالزمان) در کوچک ترین ما از نظر سنی خواهد بود که یـادش از یـاد همه مـا زیبـاتر است و خداونـد دانش بسـیاری به او ارث داده است و (همیشه پشتیبـان اوست) و او را به حال خودش رها نمی کند.

ص: ۴۶

۱- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، باب ۲، ح ۳۹.

۲- عقد الدرر، ص ۱۶۰.

۳- همان.

۱۲. کرم و بخشش حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

عَنْ اَبی سَعیدٍ وَ جابِرِ بْنِ عَبْدِاللّهِ قالا: قالَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله: یَکُونُ فی آخِرِالزَّمانِ خَلیفَةٌ یُقَسِّمُ الْمالَ وَ لا یَعُدُّه.(۱)

ابوسعید و جابر بن عبداللّه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: در آخرالزمان خلیفه ای خواهد بود که مال را تقسیم می کند، در حالی که آن را نمی شمارد.

اَبی سَعِیدِ خُدْرِی: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: یَکُونُ عِنْدَ انْقِطاعٍ مِنَ الزَّمانِ وَ ظُهُورٍ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ یُقالُ لَهُ الْمَهْدِی عَطائُهُ هَنیئاً.(۲)

ابوسعید می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در برهه ای از زمان که فتنه ها آشکار شده است، مردی خواهد بود که به او «مهدی» گفته می شود و عطا و بخشش او آسان و دل پذیر است.

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: فَیَجیئی اِلَیْهِ رَجُلٌ فَیَقُولُ: یا مَهْدِی أَعْطِنی، أَعْطِنی. قالَ: فَیُحْثی لَهْ فی ثَوْبِهِ ما اسْتَطاعَ اَنْ یَحْمِلَهُ.(۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی به خدمت حضرت مهدی می آید و می گوید: ای مهدی! [نیازمندم] به من عطا کن! حضرت آن مقدار که سائل توان حمل آن را دارد، به او می دهد.

۱۳. همانندی اخلاق حضرت و پیامبر

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَیْتِی، یُواطِی اسْمُهُ اسْمی وَ خُلْقُهُ خُلْقی یَمْلَأُها قِسْطاً وَ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْما و جَوْرا.(۴)

۱- شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۳۹.

۲- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۸۵.

۳- الجامع الصحیح سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۴۳.

۴- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۹۲، ب ۲، ح ۱۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از اهل بیت من قیام می کند که اسمش همانند اسم من و اخلاقش همانند اخلاق من است. او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ستم شده است.

۱۴. پیروی از حضرت مهدی، پیروی از خداست

جابر بن عبداللّه از امام باقر علیه السلام چنین نقل می کند:

...اِذا قامَ مَهْدیُّنا اَهْلُ الْبَیْتِ قَسَّمَ بِالسَّوِیَّهِ وَ عَدَلَ فِی الرَّعِیَّهِ فَمَنْ اَطاعَهُ فَقَدْ اَطاعَ اللّه وَ مَنْ عَصاهُ فَقَدْ عَصَی اللّه.(۱)

هنگامی که مهدی ما اهل بیت قیام کند، اموال را به صورت مساوی میان مردم تقسیم و با آنان به عدالت رفتار می کند. پس هر کس از او پیروی کند، از خدا پیروی کرده و هر کس از او نافرمانی کند، در واقع نافرمانی خدا را کرده است.

۱۵. حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، دوازدهمین و آخرین جانشین پیامبر اسلام

اشاره

از برجسته ترین فضایل حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بنا بر بسیاری از روایت ها، این است که آن حضرت، دوازدهمین و آخرین جانشین پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. به دلیل اهمیت ویژه این فضیلت، درباره آن در دو قسمت،بحث می کنیم. در بخش نخست، نگاهی کوتاه خواهیم داشت به روایت هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعداد جانشینان خود را مشخص فرموده و در بخش دوم، روایت هایی را که به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف مربوط است و حضرت را آخرین جانشین معرفی می کند، بررسی می کنیم.

الف) تعداد جانشینان پیامبر اسلام

احادیث فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (با سندهای عالی و معتبر) نقل شده

۱- عقدالدرر، صص ۳۹ _ ۴۰.

که حضرت در آنها تعداد جانشینان خود را دوازده نفر خوانده و تأکید کرده که هر دوازده نفر از قریشند.

عَنْ جابِربْن سَمُرهَ قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: یَکُونُ اِثْناعَشَرَ اَمیرا. فَقالَ کَلِمَهٌ لَمْ اَسْمَعْها فَقالَ اَبی: اِنَّهُ قالَ: کُلُّهُمْ مِنْ قُرَیْشٍ.(۱)

جابر بن سَمُرَه می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: [پس از من] دوازده امیر خواهند بود. سپس حضرت جمله ای فرمود که من نشنیدم. پدرم به من گفت: حضرت فرمود که همه شان از قریش هستند.

عَنْ جابِربْن سَمُرَه قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّه صلی الله علیه و آله یَقُول: «لا یَزال اَمْرُ النّاسِ ماضِیا ما وَلِیَهُمْ اِثْناعَشَرَ رَجُلًا» ثُمَّ تَکَلَّمَ النَّبِی صلی الله علیه و آله بِکَلِمَهٍ خَفِیَتْ عَنّی فَسَأَلْتُ أَبی ماذا قالَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله؟ فَقالَ: قالَ: «کُلُّهُمْ مِنْ قُرَیْشٍ»(۲)

جابر بن سمره می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: امور مردم پیوسته می گذرد تا آن زمان که دوازده مرد سرپرست آنان باشند. سپس حضرت جمله ای فرمود که من متوجه نشدم. از پدرم پرسیدم: حضرت چه فرمود؟ پاسخ داد: فرمود همه شان از قریش هستند.

سه ـ امام احمد حنبل در مسندش، ۳۵ حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند، مبنی براینکه جانشینان آن حضرت، دوازده نفرند. از جمله آنها این حدیث است:

عَنْ سَمُرَه قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: یَکُونُ لِهذِهِ الْأُمَّهِ اِثْناعَشَرَ خَلیفَه.(۳)

سمره می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: برای این امت دوازده خلیفه است.

چهار ـ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

۱- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه . ق، ج ۸، ص ۱۲۷.

۲- مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج ۶ ، ص ۱۰.

۳- احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا، ج ۵، ص ۱۰۶.

اِنَّ عِدَّهَ الْخُلَفاءِ بَعْدی، عِدَّهُ نُقَباءِ مُوسی.(۱)

همانا تعداد جانشینان پس از من، به تعداد نقبای موسی است.

و این در حالی است که، به نظر همه دانشمندان اسلامی، نقبای حضرت موسی علیه السلامدوازده تن بوده اند.(۲)

ب) حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، دوازدهمین امام

بنا بر آنچه در کتاب منتخب الاثر آمده، ۹۴ حدیث دلالت دارد بر اینکه حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف دوازدهمین خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

در این باره نیز به عنوان نمونه چند حدیث را بیان می کنیم:

یک ــ در ینابیع الموده از فرائد السمطین و موده ذوی القربی از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: ۵۰

۱- جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه . ق، چ ۱، ج ۱، ص ۳۵۱.
۲- در پایان این بخش برای رعایت اختصار، از برخی اصحاب که روایت هایی درباره جانشینان دوازده گانه پیامبر نقل کرده اند، نام می بریم: جابر بن سمره، عبداللّه بن مسعود، ابو حنیفه، ابو سعید خدری، سلمان فارسی، انس بن مالک، ابوهریره، عمر بن الخطاب، ابو قتاده، ابوالطفیل، علی بن ابی طالب، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، عبداللّه بن عمر، عبداللّه بن ابی اوفی، عمار یاسر، ابوذر، حذیفه بن اسید، زید بن ارقم، سعد بن مالک، اسعد بن زراره، عمران بن حصین، زید بن ثابت، عایشه، ام سلمه، ابو ایوب انصاری، فاطمه زهرا علیهاالسلام، ابو امامه، عثمان بن عفان، عبداللّه بن عباس. امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۵۲. نام برخی از کتاب های اهل سنت که احادیث مربوط به ائمه دوازده گانه در آنها ذکر شده است: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن ابی داوود، مسند احمد حنبل، مسند ابی داوود طیالسی، تاریخ بغداد، تاریخ ابن عساکر، مستدرک حاکم، تاریخ الخلفا، تیسیر الوصول، منتخب کنزالعمال، الجامع الصغیر، مصابیح السنه، الصواعق المحرقه، الجمع بین الصحیحین، معجم طبرانی، کنز العمّال، التاج الجامع الأصول. (امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۵۳).

اَنَا سَیِّدُ النَّبیین وَ عَلِی بْنُ اَبیطالِبْ سَیِّد الْوَصیّین وَ اَنَّ اَوْصِیایی اِثْناعَشَرَ اَوَّلُهُمْ عَلِی بْنُ اَبیطالِبٍ وَ آخِرُهُمْ اَلَقائِمُ.(۱)

من سرور پیامبران و علی بن ابی طالب سرور اوصیاست و همانا جانشینان من دوازده تن هستند که نخستین آنها علی بن ابی طالب و آخرین ایشان «قائم» است.

دو _ در ینابیع الموده از روضه الأحباب و فرائد السمطین از ابن عباس روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

جانشینان و اوصیای من و حجت های خدا بر خلق پس از من، دوازده نفرند که اول ایشان برادرم و آخرین آنها فرزند من است.

سؤال شد: یا رسول اللّه! برادرتان کیست؟

فرمود: علی بن ابی طالب.

سؤال شد: فرزندتان کیست؟

فرمود: مهدی است که زمین را از عدل و داد پر کند، همچنان که از ستم وبیداد پر شده. سوگند به آن کس که مرا به حق، بشارت دهنده مبعوث فرمود، اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا آن روز را طولانی خواهد ساخت تا فرزندم مهدی ظهور کند و سپس عیسی بن مریم نازل شود و پشت سر او نماز بخواند و زمین به نورش روشن شود و سلطنتش به مشرق و مغرب برسد.(۲)

ابن کثیر در ذیل آیه ۵۵ سوره نور، پس از نقل روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که تعداد جانشینان ایشان را معیّن می کند، می گوید:

وَ فی هذَا الْحَدیثِ دِلالَهٌ عَلی اَنَّهُ لابُدَّ مِنْ وُجودِ اِثْنیعَشَر خَلیفَهً عادِلاً... وَ مِنْهُمُ الْمَهْدِی اَلَّذِی

۱- ینابیع الموده، صص ۴۴۵ _ ۲۵۸.

۲- همان، ص ۴۴۷.

اسْمُهُ یُطابِقُ اسْمَ رَسُولِ اللّهِ وَ کُنْیَتُهُ کُنْیَتهُ یَمْلأَ الْأَرْضَ عَدْلاً و قِسْطا کَما مُلِئَتْ جَوْرا وَ ظُلْما.(۱)

این حدیث دلالت می کند بر اینکه باید [پس از پیامبر خدا] دوازده خلیفه عادل وجود داشته باشد... و از جمله آنان مهدی است که هم نام پیامبر و کنیه اش کنیه پیامبر است و زمین را پُر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که از ستم و بیداد پُر شده.

۱- ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ه . ق، ج ۳، ص ۳۱۲.

فصل چهارم: مشخصه های ظاهری حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در روایت ها

۱. چهره درخشان

قالَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله: اَلْمَهْدِی رَجُلٌ مِنْ وُلْدی وَجْهُهُ کَالْکَوْکَبِ الدُّرِّی.(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی مردی از فرزندان من است و چهره اش همچون ستاره درخشان است.

۲. جوانی خوش سیما

عَنْ أَبِی سَعِیدِ خُدْری قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: یَقُومُ فی آخِرِ الزَّمانِ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتی شابٌّ حَسَنُ الْوَجْه.(۲)

ابو سعید خدری می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در آخرالزمان مردی از عترت من قیام خواهد کرد که چهره ای جوان و نیکو دارد.

برخی به خاطر چهره جوان حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، ایشان را انکار می کنند. از امام حسین علیه السلام نیز در این باره نقل می کنند:

لَوْقامَ الْمَهْدِی لاَنْکَرَهُ النّاسُ لِاَنَّهُ یَرْجِعُ اِلَیْهِمْ شابّا مُوفَّقا وَ اِنَّ مِنْ اَعْظَمِ الْبَلِیَّهِ اَنْ یَخْرُجَ اِلَیْهِمْ صاحِبُهُمْ شابّا وَ هُمْ یَحْسَبُونَهُ شَیْخا کَبیرا.(۳)

۱- کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

۲- عقد الدرر، ص ۳۹.

۳- همان، ص ۴۲.

هنگامی که مهدی قیام کند، [بعضی از] مردم او را انکار می کنند. چون او به صورت جوانی کامیاب ظهور می کند و از بزرگ ترین امتحان ها این است که کسی که مردم او را پیر، گمان می کردند، به صورت جوان ظاهر شود.

جالب اینکه بر اساس برخی روایت ها، حتی پس از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، گذشت زمان در چهره ایشان اثر نخواهد کرد و تا آخر عمر، جوان باقی خواهد ماند.

۳. موی بلند سر

عَنْ اَبی جَعْفَرٍ مُحَمدِبْنِ عَلی الباقِرِ علیه السلام قالَ: سُئِلَ أَمیرُالْمُؤْمِنینَ عَلی علیه السلام عَنْ صِفَهِ الْمَهْدِی فَقالَ: هُوَ شابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، یَسیلُ شَعْرُهُ عَلی مَنْکِبَیْهِ یَعْلُو نُورُ وَجْهِهِ سَوادَ شَعْرِهِ وَلِحْیَتِهِ وَ رَأْسِهِ.(۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید: از حضرت علی علیه السلام درباره مشخصات حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف سؤال شد. ایشان پاسخ داد: او جوانی است چهارشانه، خوش سیما، موی سرش بر روی شانه هایش ریخته و نور صورتش بر سیاهی مو و محاسن و سرش چیره است.

۴. ویژگی های محاسن، چشم، دندان و...

عَنْ عَلِی بْنِ أَبیطالِبٍ علیه السلام قالَ: الْمَهْدِی...مِنْ اَهْلِ بَیْتِ النَّبی صلی الله علیه و آله...کَثُّ اللِّحْیَهِ اَکْحَلُ الْعَیْنَیْنِ بَرّاقُ الثَّنایا، فی وَجْهِهِ خالٌ وَ فی کَتِفِهِ عَلامَهُ النَّبی صلی الله علیه و آله... .(۲)

حضرت علی علیه السلام فرمود: مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ... از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است... محاسنش انبوه و پرپشت، چشمانش سیاه و دندان هایش درخشنده است. در چهره اش خالی وجود دارد و در شانه اش نشانه پیامبر صلی الله علیه و آله به چشم می خورد... .

۱- همان، ص ۴۱.

۲- البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۰۰.

۵. ویژگی های پیشانی و بینی

عَنِ النَّبِی صلی الله علیه و آله: لَیَبْعَثَنَّ اللّهُ رَجُلاً مِنْ عِتْرَتی أَفْرَقُ الثَّنایا اَجْلَی الْجَبْهَهِ... .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند، مردی از عترت من را مبعوث خواهد کرد که میان دندان های پیشینش فاصله و پیشانی اش گشاده است... .

عَنْ اَبی سَعیدِ خُدْری قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله اَلْمَهْدِی مِنّی اَجْلَی الْجَبْهَهِ اَقْنَی الْأَنْفِ... .(۱)

ابو سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: مهدی از [نسل] من است، پیشانی اش گشاده و روشن و بینی اش کشیده و وسط آن برآمده است... .

۶. قامت بلند

ابن صباغ بر اساس برخی روایت ها، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را چنین وصف می کند:

شابٌّ مَرْفُوعُ الْقامَهِ، حَسَنُ الْوَجْهِ وَ الشَّعْرِ، یَسیلُ شَعْرُهُ عَلی مِنْکِبَیْهِ اَقْنَی الْأَنْفِ اَجْلَی الْجَبْهَهِ(۲)

[حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف] جوانی بلند قامت است، چهره و مویی نیکو دارد. موی سرش بر روی شانه هایش ریخته، وسط بینی او برآمده و پیشانی اش گشاده و روشن است.

۷. مردی چهل ساله

روایت است که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف به صورت مردی حدود چهل ساله ظهور می کند، چنان که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند:

«اِنَّ الْمَهْدِی اِبْنُ اَرْبَعینَ سَنَه؛ مهدی از نظر چهره، چهل ساله است».(۳)

البته با توجه به اینکه در برخی روایت ها سن حضرت ۳۰ و در برخی به صورت تردید، میان ۳۰ تا ۴۰ سال بیان شده است، معلوم می شود هدف، ردّ

ص: ۵۵

۱- سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۱۰.

۲- فصول المهمه، ص ۲۸۳.

۳- کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۵۸۶.

این نظریه بوده است که حضرت به لحاظ طول عمر، به صورت پیرمردی ظهور می کند. آری، به راستی همان خدایی که در طول سالیان متمادی هر حادثه ای را از جان آن حضرت دور کرده است، توان آن را هم دارد که چهره جوان و شاداب ایشان را از فرسوده شدن حفظ کند.

ص: ۵۶

فصل پنجم: غیبت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

۱. حتمی بودن غیبت

چنان که در فصل ولادت حضرت بیان شد، بیش از شصت نفر از دانشمندان اهل سنت بر تولد و زنده بودن حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده اند و لازمه چنین عقیده ای، اعتقاد به غیبت آن حضرت است. (در مقابل، روایت هایی هم که بر غیبت حضرت دلالت دارند، ولادت و حیات ایشان را نیز اثبات می کنند).

بنابراین، بر فرض که هیچ روایتی درباره غیبت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف وجود نداشته باشد، روایت هایی که ولادت و حیات ایشان را اثبات می کند،جای هیچ گونه تردیدی در اصل غیبت آن حضرت باقی نمی گذارد.البته روایت های بسیاری درباره غیبت نقل شده، از جمله روایتی که جابر بن عبداللّه انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

اَلْمَهْدِی مِنْ وُلْدِی اَلَّذِی یَفْتَحُ اللّهُ بِهِ مَشارِقَ الْاَرْضِ وَ مَغارِبَها ذاکَ الَّذی یَغیبُ عَنْ اَوْلیائِهِ غَیْبَهً لا یَثْبُتْ عَلَی الْقَوْلِ بِامامَتِهِ اِلّا مَنِ امْتَحَنَ اللّهُ قَلْبَهُ لِلْإیمانِ. فَقُلْتُ یا رَسُولَ اللّه هَلْ لِأَوْلیائِهِ اِنْتِفاعٌ بِهِ فی غَیْبَتِهِ؟ فَقالَ: وَ الَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ نَبِیّا اِنَّهُمْ یَسْتَضِیئُونَ بِنُورِهِ و یَنْتَفِعُونَ بِوِلایَتِهِ فی

ص: ۵۷

غَیْبَتِهِ کَانْتِفاعِ النّاسِ بِالشَّمْسِ اِذا سَتَرَها حِجابٌ... .(۱)

[پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود]: مهدی از فرزندان من است که خداوند به وسیله او شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد. او (مهدی) کسی است که از دوستانش غایب می شود، غیبتی که (به خاطر طولانی بودنش) هیچ کس بر اعتقاد به امامت او پایدار نمی ماند، مگر آن کس که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده است (و دارای ایمانی محکم است). [جابر از پیامبر می پرسد:] آیا در طول غیبت، وجود ایشان سودی برای دوستانش دارد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آن خدایی که مرا به حق به پیامبری مبعوث فرمود، دوستان او، از نور وجودش روشنایی می گیرند و از ولایتش در زمان غیبتش بهره مند خواهند شد، آن گونه که مردم از خورشید زمانی که پشت ابر است، بهره مند می شوند.

۲. تدریجی بودن غیبت

به منظور ایجاد آمادگی ذهنی و روحی در مسلمانان برای چنین امر مهمی، غیبت آن حضرت نه به صورت دفعی و یک مرتبه، بلکه به صورت تدریجی صورت گرفت. حتی بر اساس بعضی روایت ها، زمینه سازی برای غیبت، از زمان امام هادی علیه السلام آغاز شد، به این صورت که در زمان امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام عموم مردم به راحتی نمی توانستند با ایشان ارتباط داشته باشند و بیشتر، با واسطه، مطالبشان را از این دو امام می پرسیدند.

۳. محل غیبت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

ایشان در زمان وفات پدر بزرگوارش در منزل بوده است، ولی اینکه غیبت چگونه انجام شده، بر بالای بام یا در سرداب منزل، هیچ مدرک تاریخی برای

۱- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۷.

روشن شدن این مطلب نیست. به یقین، همان خداوندی که حضرت موسی را در دوران طفولیت از میان امواج خروشان نجات داد و جد بزرگوار حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، پیامبر اسلام را در شبی که خانه حضرت در محاصره مشرکان بود، از شر آنان حفظ فرمود و در غار پناهش داد، جان فرزند پیامبر، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را نیز در شرایطی که دشمنان در تعقیبش بودند، حفظ کرده است.

به نظر می رسد آنچه سبب شده برخی از اهل سنت مانند ابن حجر در الصواعق تهمت هایی به شیعیان بزنند، این مسئله بوده که بعضی شیعیان به زیارت منزل امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا می رفته اند، در حالی که احترام شیعیان به منزل حضرت، بر اساس عادتی نیکوست که میان همه قوم ها و ملت ها رایج است و در همه جا، وقتی بزرگی را از دست می دهند یا از درک حضورش باز می مانند، محل سکونت او را ارج می نهند و به دیده احترام به آن می نگرند. درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، چون هیچ مکان مخصوصی که به ایشان متعلق باشد وجود ندارد، مناسب ترین مکان برای عرض ارادت به محضر آن بزرگوار (با توجه به اینکه معتقدیم زنده است و کلام ما را می شنود و پاسخ سلام ما را می دهد) همان خانه پدری حضرت در سامراست.(۱)

۴. غیبت صغرا و کبرا

اشاره

حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت دارد و در این باره نیز روایت هایی نقل شده که از جمله آنها این روایت است:

رُوِی عَنْ أَبِی عَبْدِاللّهِ الْحُسیْنِ علیه السلام أَنَّهُ قالَ: لِصاحِبِ هذَاالامْرِ یَعْنِی الْمَهْدِی عج الله تعالی فرجه الشریف غَیْبَتانِ اِحْداهُما تَطُولُ حَتّی یَقُولُ بَعْضُهُمْ ماتَ وَ بَعْضُهُمْ قُتِلَ وَ بَعْضُهُمْ ذَهَبَ وَ لا یَطَّلِعُ عَلی مَوْضِعِهِ اَحَدٌ

۱- المهدی، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

مِنْ وَلِی وَ لا غَیْرِهِ إِلاَّ الْمَوْلَی الَّذی یلی اَمْرَهُ.(۱)

روایت شده است که امام حسین علیه السلام فرمود: حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت دارد، یکی از آن دو به قدری طولانی است که بعضی می گویند ایشان مرده و بعضی می گویند کشته شده و بعضی می گویند که دورانش سپری شده است. هیچ کس جز خدا از محل استقرار ایشان آگاهی ندارد.

الف) نظر ابن صباغ درباره انواع غیبت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

متن عبارت ایشان در کتاب فصول المهمه چنین است:

برای حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف پیش از قیامش دو غیبت وجود دارد که یکی از آن دو، از دیگری طولانی تر است. غیبت اول ایشان که مدتش کوتاه بود، از ابتدای ولادتش بود تا زمانی که سفارت میان او و پیروانش قطع شد. غیبت دوم پس از غیبت اول آغاز شده است و تا زمان قیام ایشان ادامه دارد.(۲)

ب) دو فرق اساسی غیبت صغرا و کبرا

دو فرق اساسی میان غیبت صغرا و کبرا وجود دارد:

۱. مدت غیبت صغرا کوتاه بود و حدود ۷۰ سال به طول انجامید، ولی مدت غیبت کبرا طولانی و اندازه اش برای ما نامعلوم است؛ زیرا از زمان ظهور ایشان آگاهی دقیقی نداریم.

۲. در طول غیبت صغرا، حضرت واسطه های معینی میان مردم داشت،ولی در غیبت کبرا چنین نیست.

۵. دو فرضیه درباره چگونگی غیبت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

درباره نوع غیبت حضرت دو فرضیه وجود دارد:

۱- عقدالدرر، ص ۱۳۴.

۲- فصول المهمه، ص ۲۸۱.

فرضـیه اول: پنهان بودن جسم حضرت از نظرهاست؛ یعنی با وجود آنکه حضرت در مکانی حضور دارد، ما مکان را خالی می بینیم. طبق این فرضیه، غیبت حضرت مانند طول عمر شریفش به اعجاز الهی صورت گرفته و امری خارق العاده است. بر اساس این فرضـیه، پذیرفتن مسـئله محفوظ ماندن وجود حضرت از ستم و تجاوز هر ستمگر و در امان ماندنش از هر آسیبی، آسان تر است و جای هیچ شبهه ای در آن نخواهد بود؛ زیرا جسم حضرت ظاهر نیست تا در معرض خطر قرار گیرد.

فرضـیه دوم: جسم امـام از دیـد مردم پنهان نیست، بلکه عنوان ایشان پوشـیده است؛ یعنی مردم حضـرت را می بیننـد، ولی نمی شناسند. بنابراین، ممکن است حضرت مدتی در شهری سکونت کند، بدون آنکه کسی به مقام ایشان پی ببرد.

بنابراین، در فرضـیه دوم به دلیل عادی بودن زنـدگی ایشان، امکان بروز هر حادثه ای که برای دیگران تحقق پـذیر است، برای ایشان نیز وجود دارد، هر چند به خاطر پنهان بودن مقامش، از برخی خطرهای ویژه در امان باشد.

۶. فلسفه غیبت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

۶. فلسفه غیبت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

درباره فلسفه و رمز و راز غیبت اشاره به دو نکته ضروری است:

الف) آمادگی جامعه برای بهره مند شدن از محضر امام

بی تردید فلسـفه وجود امامان الهی در میان مردم؛ هدایت آنان به سوی کمال و سرمنزل مقصود؛ یعنی همان قرب الهی است و اگر در برهه ای از زمان، زمینه برای عملی شـدن چنین هدفی فراهم نباشد، وجود امام در میان مردم کاری لغو و بیهوده خواهد بـود. بر این اسـاس، یکی از مهم ترین اسـرار غیبت آمـاده نبـودن افراد بشـر و جـامعه برای درک توفیق حضور حضـرت حجت است.

ص: ۶۱

ب) آزمایش مردم

دنیا محل امتحان و آزمایش است و بر اساس آنچه در آیه ۲ سوره ملک به آن تصریح شده، اساس مرگ و زندگی، برای آزمودن بندگان است. از این رهگذر، مسئله غیبت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف یکی از صحنه های آزمایش و از حساس ترین و خطرناک ترین آنهاست و فقط آنان که به ایمانی محکم و عقیده ای استوار آراسته اند، از این امتحان سربلند خارج می شوند.آزمایش های الهی مانند آزمایش های مرسوم میان انسان ها، برای کسب آگاهی از وضعیت افراد آزمایش شونده نیست؛ زیرا خداوند از همه اسرار و نهان موجودات آگاه است. هدف، تربیت و پرورش افراد و در اصل به فعلیت رساندن استعدادهای نهفته آنهاست و در واقع، یکی از مقدمات ظهور حضرت که داشتن یاران مناسب و تکامل یافته است، با این آزمون فراهم می شود.

برای بیان دقیق مطلب، توجه به حدیث زیر بسیار راه گشاست:

عَنْ عَلِی علیه السلام اِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قالَ: تَکُونُ فی آخِرِ الزَّمانِ فِتْنَهٌ یَحْصُلُ النّاسُ [فیها] کَما یَحْصُلُ الذَّهَبُ فِی الْمَعْدِنِ... .(۱)

حضرت علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که: در آخرالزمان فتنه ای خواهد بود که سبب به کمال رسیدن مردم می شود، آن گونه که طلا در معدن به کمال می رسد... .

۱- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۰۵.

بخش دوم: حکومت حضرت و مسائل پیرامون آن

فصل اول: قطعی بودن ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

بشارت دادن پیامبر اسلام به ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

همه عالمان راستین اسلام چنین بشارتی را از پیامبر گرامی اسلام می پذیرند و روایت های بسیاری نیز در این باره از ایشان و از اصحاب و تابعین نقل شده که به بیان چند نمونه، بسنده می کنیم.

۱. در مسند امام احمد حنبل، از ابو سعید خدری چنین نقل شده است:

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: اُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِی لَبَعَثَ فی اُمَّتی عَلَی اخْتِلافٍ مِنَ النّاسِ وَ زَلازِلَ فَیَمْلَأُ اْلأَرْضَ قِسْطا وَ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْرا و ظُلْما یَرْضی عَنْهُ ساکِنُ السَّماءِ وَ ساکِنُ الْأَرْضِ... .(۱)

پیامبر گرامی اسلام فرمود: شما را به مهدی بشارت می دهم که وقتی میان امت من اختلاف و تزلزل باشد، ظهور کند و زمین را آن گونه که پیش از ظهورش پر از ستم و بیداد بود، مالامال از قسط و عدل کند و ساکنان آسمان و زمین از او راضی باشند... .

۲. در سنن ابی داود نقل شده است:

عَنْ عَلِّی علیه السلام عَنِ النَّبِی صلی الله علیه و آله قالَ: لَو لَمْ یَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ اِلاّ یَوْمٌ لَبَعَثَ اللّهُ رَجُلاً مِنْ اَهْلِ بَیْتی یَمْلَأُها عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْرا.(۲)

علی علیه السلام از پیامبر چنین نقل می کند: اگر از روزگار تنها یک روز باقی مانده

۱- مسند احمد حنبل، بیروت، دار صادر، ج ۳، ص ۳۷.

۲- سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۱۰.

باشد، خداوند مردی از اهل بیت من برخواهد انگیخت تا زمین را آن گونه که مالامال از ستم شده، از عدل پُر سازد.

۳. در صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل شده است:

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: کَیْفَ أَنْتُمْ اِذا نَزَلَ ابْنُ مَرْیم فیکُمْ وَ اِمامُکُمْ مِنْکُمْ.(۱)

چگونه خواهید بود زمانی که عیسی بن مریم در میان شما نازل شود، در حالی که امام شما از خود شما خواهد بود؟

شرح کنندگان کتاب صحیح بخاری و مسلم، نیز تصریح کرده اند که مقصود از جمله «وَ اِمامُکُمْ مِنْکُمْ» در حدیث، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است.(۲)

در القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر نقل شده است:

ابن حجر مکی هیثمی در مقدمه کتابش این سخن را از پیامبر اسلام نقل می کند: « ...مَنْ کَذَّبَ بِالْمَهْدِی فَقَدْ کَفَر؛ هر کس مهدی را تکذیب کند، کافر شده است».(۳)

تواترا اخبار مربوط به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

تواتر(۴) اخبار مربوط به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

حداقل هفده نفر از دانشمندان اهل سنت، به متواتر بودن اخبار مربوط به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف به صراحت اشاره کرده اند که برای نمونه سخنان چند تن از آنان را بیان می کنیم:

۱- صحیح بخاری، کتاب الانبیاء، ج ۴، ص ۱۴۱؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.

۲- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، شرح صحیح بخاری، بیروت، دار المعرفه، للطباعه و النشر، بی تا، چ ۲، ج ۶ ، صص ۳۵۸ و ۳۵۹؛ فتح المهلم شرح صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۲۱.

۴- «تواتر» و «متواتر» از اصطلاحات علم حدیث است و منظور از خبر متواتر، حدیثی است که راویان بسیاری داشته باشد، در حدّی که اتّفاق آنان بر کذب محال باشد و در نتیجه، موجب علم به مضمون آن بشود. (مدیر شانه چی، علم الحدیث، ص ۱۴۴).

۱. ابن حجر عسقلانی شافعی: «احادیث متواتری وجود دارد، مبنی بر اینکه مهدی از این امت است و عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و پشت سر وی نماز خواهد گزارد».(۱)

۲. حافظ(۲) ابوعبداللّه کنجی شافعی: «احادیث پیامبر درباره مهدی، به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است».(۳)

۳. علامه شوکانی درباره تواتر اخبار مربوط به حضرت مهدی، کتابی نوشته است به نام التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح که در این کتاب پس از نقل احادیث مربوطه می نویسد:

با توجه به همه احادیثی که نقل کردم، مسلّم شد که احادیث موجود درباره مهدی منتظر، متواتر است...آنچه گفته شد برای کسانی که ذرّه ای ایمان و اندکی انصاف داشته باشند، کافی است.(۴)

۴. در پی سخنرانی شیخ عبدالحسن عبّاد (استاد دانشگاه مدینه) پیرامون حضرت مهدی، مفتی ریاض شیخ عبدالعزیز بن باز در سخنانی نظر خود را درباره آن حضرت بیان کرد. متن سخنان وی در کتاب الامام مهدی عند اهل السنت(۵) به چاپ رسیده است.

۱- فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۶، صص ۴۹۳ و ۴۹۴.

۲- حافظ به کسی گفته می شود که بر سنن پیامبر احاطه داشته باشد و موارد اتفاق و اختلاف آن را بداند و به احوال راویان و طبقات مشایخ حدیث کاملاً آگاه باشد. علم الحدیث، ج ۲، ص۲۲

۳- فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۶ ، صص ۴۹۳ و ۴۹۴.

۴- به نقل از: غایه المأمول فی شرح التاج الجامع للاصول، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۰۶ هـ . ق، چ۴، ج ۵، ص ۳۶۰.

۵- نک: الامام مهدی عند اهل السنت، ج ۲، ص ۴۳۲.

عبدالعزیز بن باز در بخشی از سخنان خود گفته است: «موضوع مهدی مطلبی روشن و آشکار است و اخبار مربوط به آن، مستفیضه بلکه متواتر و مؤید یکدیگر است و دانشمندان متعددی به تواتر آنها قائل هستند».

بیانیه رسمی «رابطه العالم الاسلامی»۱ درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

بیانیه رسمی «رابطه العالم الاسلامی»(۱) درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

در سال ۱۹۷۶ م شخصی به نام ابومحمد از کشور کنیا، درباره ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف از «رابطه العالم الاسلامی» سؤالی کرده است. دبیر کل این مرکز محمد صالح القزاز در پاسخ او، تصریح کرد که ابن تیمیه (مؤسس مذهب وهابیت) نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته و همچنین متن رساله ای را که پنج تن از دانشمندان معروف فعلی عربستان در این زمینه تهیه کرده اند، برای او فرستاد.

در این رساله پس از بیان نام حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف و محل ظهور ایشان؛یعنی مکه، چنین می خوانیم:

...به هنگام آشکار شدن فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی) جهان را پُر از عدل و داد می کند، همان گونه که از ستم و جور پُر شده. او آخرین [خلیفه از] خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر از آنها در کتب صحاح خبر داده است.

احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه پیامبر نقل کرده اند؛ از جمله عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحه بن عبیداللّه، عبدالرّحمان بن عوف، عبداللّه بن عباس، عمار یاسر، عبداللّه بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن ایاس مزنی، عبداللّه بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبداللّه، ابوامامه، جابر بن ماجد، عبداللّه بن عمر، انس بن مالک، عمران بن حصین و امّ

۱- یکی از بزرگ ترین و بانفوذترین مراکز وهابیت که مرکز آن در مکه است.

سلمه.

اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایت های مربوط به مهدی را نقل کرده اند و غیر از اینها، افراد بسیار دیگری نیز هستند... سخنان فراوانی هم که از خود صحابه نقل و در آن از ظهور مهدی بحث شده، می توان در ردیف روایت های پیامبر قرار داد؛ زیرا این مسئله از مسائلی نیست که با اجتهاد بتوان چیزی پیرامون آن گفت. (بنابراین، هر مطلبی که صحابه گفته اند از پیامبر شنیده اند).

هم احادیثی که از پیامبر نقل شده و هم گواهی اصحاب که در اینجا در حکم حدیث است، در بسیاری از کتاب های معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر اعم از «سنن، معاجم و مسانید» آمده است، از جمله: سنن ابی داود، ترمذی، ابن ماجه، ابن عمر والدانی و مسانید احمد، ابن یعلی و بزّاز و صحیح حاکم و نیز در معاجم طبرانی، رویانی، دارقطنی، و ابونعیم، در کتاب اخبار المهدی و خطیب بغدادی در تاریخ بغداد و ابن عساکر در تاریخ دمشق و... .

بعضی از دانشمندان اسلامی، کتاب های خاصی در این زمینه تألیف کرده اند؛ از جمله ابونعیم کتاب اخبار المهدی؛ ابن حجر هیثمی کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر؛ شوکانی کتاب التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح؛ ادریس عراقی مغربی کتاب المهدی؛ ابوالعباس بن عبدالمؤمن مغربی کتاب الوهم المکنون فی الردّ علی بن خلدون.

آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، رئیس دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور، بحث کرده است.

عده ای از بزرگان و دانشمندان اسلام، از قدیم و جدید، در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث رسیده در زمینه مهدی، در حدّ «تواتر» است (و به هیچ وجه انکارشدنی نیست)، از جمله سخاوی در کتاب فتح المغیث؛ محمد بن احمد سقاوینی در کتاب شرح العقیده؛ ابوالحسن ابری در مناقب الشافعی؛ ابن تیمیه در فتواهایش؛ سیوطی در الحاوی و... .

تنها ابن خلدون به احادیث مربوط به مهدی، با حدیث های ساختگی و بی اساسی به این مضمون که «مهدی جز عیسی نیست» ایراد گرفته، ولی

پیشوایان و دانشمندان بزرگ اسلامی سخنان او را رد کرده اند. به ویژه ابن عبدالمؤمن در ردّ گفتار وی کتابی نوشته که از سی سال پیش در مشرق و مغرب انتشار یافته است.

حافظان احادیث و محدثان نیز تصریح کرده اند که احادیث [مربوط به] مهدی مشتمل بر احادیث «صحیح» و «حسن» است و مجموع آن قطعا متواتر و صحیح است.

بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی واجب و جزو عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی خبر یا بدعت گذار، آن را انکار نمی کنند.(۱)

مدیر اداره مجمع فقهی اسلامی: محمد مُنتمر کنانی

اتفاق نظر دانشمندان اسلامی درباره ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی در آخرالزمان، به مذهب خاصی اختصاص ندارد، بلکه همه دانشمندان اسلامی به آن معتقدند، برای نمونه سخنان چند تن از صاحب نظران اسلامی را که بر این مطلب تصریح کرده اند، بیان می کنیم:

۱. سویدی در کتاب سبائک الذهب چنین آورده است:

اَلَّذی اِتَّفَقَ عَلَیْهِ الْعُلَماءُ، اَنَّ الْمَهْدِی هُوَ الْقائِمُ فی آخِرِ الْوَقْتِ وَ اَنَّهُ یَمْلأُ الْأَرْضَ عَدْلاًو..(۲)

آنچه همه عالمان درباره آن به وحدت رسیده اند، این است که مهدی همان کسی است که در آخرالزمان قیام می کند و زمین را از عدل پر خواهد کرد.

۲. شیخ علی ناصف از علمای بزرگ و معاصر در الازهر در کتاب غایه المأمول چنین می نویسد:

اِتَّضَحَ مِمّا سَبَقَ اَنَّ الْمَهْدی الْمُنْتَظَر مِنْ هذِهِ الْأُمَّه...وَ عَلی هذَا اَهْلُ السُّنَّه سَلَفا وَ خَلَفا.(۳)

۱- نک: آیت اللّه مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، قم، مطبوعاتی هدف، چ ۲، صص ۱۴۶ــ ۱۵۵.

۲- سبائک الذهب، ص ۳۴۶.

۳- غایه المأمول، ج ۵، صص ۳۴۱ و ۳۶۰.

از مطالب گذشته روشن شد که مهدی منتظر از این امت است... و اهل سنت (از گذشتگان و آیندگان) هم بر این عقیده اند.

وی همچنین در کتاب دیگرش می نویسد:

در میان دانشمندان گذشته و امروز، مشهور است که در آخرالزمان به حتم و یقین مردی از اهل بیت پیامبر که نام او مهدی است، ظهور خواهد کرد. او بر همه کشورهای اسلامی تسلّط خواهد یافت، مسلمانان همه پیرو او خواهند شد. او در میان آنان به عدالت رفتار می کند و دین را قوت می بخشد... سخنان و احادیث پیامبر را درباره مهدی، جماعتی از نیکان اصحاب پیامبر روایت کرده اند. محدثان بزرگی مانند ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابویعلی، بزّاز، امام احمد حنبل و حاکم نیشابوری آن احادیث را در کتاب های خود نقل کرده اند.(۱)

۳. در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است:

قَدْ وَقَعَ اِتِّفاقُ الْفَریقَیْنِ مِنَ الْمُسْلِمین اَجْمَعَیْنَ عَلی اَنَّ الدُّنْیا وَ التَّکْلیفَ لا یَنْقَضی اِلّا عَلَیْه.(۲)

شیعه و سنی از مسلمانان، همه بر این مطلب اتفاق دارند که دنیا و تکلیف به پایان نخواهد رسید، مگر پس از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف .

۴. احمد بن یوسف بن احمد دمشقی مشهور به قرمانی در کتاب اخبار الدول و آثار الأول فی التاریخ می نویسد:

وَ اتَّفَقَ الْعُلَماءُ علی اَنَّ الْمَهْدی هُوَ الْقائِم فی آخِرِ الْوَقْتِ... .(۳)

دانشمندان بر اینکه مهدی همان کسی است که در آخرالزمان قیام خواهد کرد، هم عقیده اند... .

۱- التّاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۱.
۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۳۵.
۳- قرمانی، اخبار الدول و آثار الأول فی التاریخ، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۲۱ ه . ق، ج ۱، ص ۳۵۴.

۵. ابن خلـدون در مقدمه اش اظهار می دارد موضوع ظهور حضـرت مهدی،در طول دوران و عصـرها، از موضوع های مشـهور میان عموم مسلمانان بوده است:

اِعْلَمْ اَنَّ الْمَشْـهُورَ بَيْنَ الْكـافَّهِ مِنْ اَهْـلِ الْأِسْـلامِ عَلَی مَمَرِّالْأَعْصـارِ، اَنَّهُ لابُـدَّ فی آخِرِ الزَّمـان مِنْ ظُهُورِ رَجُـلٍ مِنْ اَهْلِ الْبَيْتِ، يُؤَيِّدُ الدِّينَ وَ يُظْهِرُ الْعَدْلَ وَ يَتْبَعُهُ الْمُسْلِمُونَ وَ يَسْتَولی عَلی مَمالِكِ الْأِسْلامِيَّهِ وَ يُسَمّی بِمَهْدِی.(۱)

بدان که میان همه مسـلمانان در طول دوران، این مشـهور بوده است که در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظهور خواهد کرد که دین را تأیید و عدل را ظاهر می کند و مسـلمانان از او پیروی خواهند کرد و او بر سـرزمین های اسـلامی چیره خواهد شد و او مهدی نامیده شده است.

فتوای علمای مذاهب اربعه درباره ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

از دیگر شواهدی که بر حتمی بودن مسئله ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان دلالت دارد، اظهار نظرهای رسـمی است که علمای مذاهب مختلف اسـلامی در این باره منتشـر کرده اند و در این قسـمت، به یک نمونه از کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان اشاره می کنیم:

در سال ۹۵۲ ه . ق، جمعی از مسـلمانان، از علمای مکه خواسـتند نظر خود را درباره طایفه ای که به مهـدویت شخصـی هندی تبار (که در سال ۹۱۰ فوت کرده است)(۲) اعتقاد داشتند، بیان کنند و نیز حکم منکر مهدی موعود را ارائه دهند.

۱- تاریخ ابن خلدون، ص ۳۸۸.

۲- ظاهرا مقصود از این شخص، سید محمد بن سید خان جونپور است.

در پاسخ به این درخواست، هر یک از دانشمندان مذاهب چهارگانه اهل سنت، ضمن تأیید اصل اعتقاد به مهدی موعود و ظهور ایشان در آخرالزمان،اظهار داشتند با توجه به اینکه هیچ کدام از نشانه هایی که برای آن حضرت در روایت ها آمده است، با شخص مطرح شده مطابقت ندارد، آن طایفه منحرف و عقیده شان باطل است.

دانشمندانی که به این درخواست پاسخ داده اند، عبارتند از:

۱. احمدبن حجر (شافعی)؛

۲. ابوالسّرور احمد بن صبا (حنفی)؛

۳. محمد بن محمد خطابی (مالکی)؛

۴. یحیی بن محمد (حنبلی).(۱)

نشانه ای دیگر بر قطعی بودن مسئله ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

موضوع ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان، آن چنان مسلم و قطعی است که حتی اهل لغت، از شیعه و سنی، در ذیل لفظ «مهدی» به آن اشاره کرده اند، مثلًا ابن منظور که از لغویان اهل سنت است در کتاب «لسان العرب» آورده است:

اَلْمَهْدِی: اَلَّذی قَدْ هَداهُ اللّهُ اِلَی الْحَقِّ...وَ بِهِ سُمِّی «الْمَهْدِی» اَلَّذی بَشَّرَ بِهِ النَّبی صلی الله علیه و آله اِنَّهُ یَجیی ءُ فی آخِرِ الزَّمانِ.(۲)

مهدی کسی است که خدا او را به سوی حق هدایت کرده است... و به همین

۱- البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، صص ۱۷۷ _ ۱۸۳. متن استفتا و پاسخ هر یک از علمای مذاهب در این کتاب به چاپ رسیده است.

۲- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه_ . ق، چ ۱، ج ۱۵، ص ۳۵۴.

دلیل مهدی نامیده شده؛ آن مهدی که پیامبر بشارت آمدنش را در آخرالزمان، به مسلمانان داده است.

ص: ۷۳

فصل دوم: حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

اشاره

با توجه به تلاش بعضی مفسران برای اثبات این مطلب که در قرآن، آیه ای درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی ایشان وجود ندارد،لازم دانستیم پیش از ورود به بحث اصلی، این مطلب را بررسی کنیم که آیا اصولاً در قرآن به مسئله مهدویت توجهی شده است یا خیر؟

ضرورت توجه قرآن به موضوع مهدویت

ظهور حضرت مهدی در آخرالزمان، واقعیتی انکارناپذیر و یکی از ضروریات دین مبین اسلام است. بی شک قرآن هم که به فرموده خدا «تِبْیانا لِکُلِّ شَی ءٍ»(۱) است و بیان همه چیز در آن آمده است، از کنار چنین امر مهمی بی توجه نمی گذرد و امکان ندارد که حتی اشاره ای به آن نداشته باشد؟!

افزون بر این، بر اساس روایتی که نعیم از کعب نقل کرده،(۲) در کتاب های آسمانی پیامبران گذشته به موضوع ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف توجه شده است که نمونه هایی از آن را در بخش انتظار مصلح در ادیان و ملل بیان می کنیم. پس چگونه ممکن است قرآن که کامل ترین و برترین کتاب آسمانی

۱- ... وَ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبیاناً لِکُلِّ شَیْیٍ ءٍ وَ هُدی وَ رَحْمَهً وَ بُشْری لِلْمُسْلِمین. نحل: ۸۹

۲- «أَخْرَجَ نَعِیمٌ عَنْ کَعْبٍ قالَ: اِنّی أجر المهدی مَکْتُوبا فِی اَسْفارِ الْأَنْبِیاءِ ما فِی عَمَلِهِ ظُلْمٌ ولا عَیبٌ؛ کعب می گوید: نام مهدی را در کتاب های پیامبران مشاهده کردم، در کردارش نه ستمی است و نه عیبی». البرهان فی علامات مهدی آخرالزَمان، ص ۷۸.

است و به فرموده خداوند، «مُهَیْمِنْ»(۱) و شاهد و حافظ اصول اساسی دیگر کتاب های آسمانی است، از این موضوع تهی باشد؟

در پایان، یادآوری این نکته لازم است که ما ادعا نداریم در قرآن، جزئیات حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بیان شده؛ زیرا این مطلب برخلاف روش قرآن است که به مسائل کلی تنها اشاره می کند.

آیاتی درباره حکومت جهانی حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

۱. پیروزی دین اسلام بر همه ادیان

هُوَ الَّذی اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ. (توبه: ۳۳)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان چیره کند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.(۲)

برخی مفسران(۳) گمان کرده اند پیروزی دین اسلام بر دیگر ادیان که در آیه بالا ـ به آن اشاره شده، پیروزی منطقی و استدلالی است، در حالی که از بررسی موارد کاربرد ماده (ظَهَر) در قرآن به دست می آید که این ماده، بیشتر برای پیروزی مادی و ظاهری به کار می رود، مانند آنچه در آیه ۲۰ سوره کهف و آیه۸ سوره توبه آمده است. نکته دیگر اینکه در این آیه، پیروزی دین اسلام بر همه ادیان، بدون هیچ قیدی و به صورت مطلق ذکر شده؛ یعنی منظور آیه،

۱- «وَ اَنْزَلْنا اِلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقا لِما بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ الْکِتابِ وَ مُهَیْمِنا عَلَیْه؛ ما به حق کتابی را بر تو نازل کردیم که تصدیق کننده کتاب های قبلی و شاهد و حافظ بر آنهاست». مائده: ۴۸

۲- دقیقا همین آیه در سوره صف و با کمی اختلاف در سوره فتح نیز آمده است.

۳- رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۳۹۳.

پیروزی های دوره ای و محدود اسلام در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از ایشان نیست. بنابراین، آنچه از ظاهر آیه به دست می آید، چیرگی همه جانبه اسلام بر تمام ادیان در سرتاسر کره زمین است که تاکنون برای دین اسلام حاصل نشده و تنها مصداقی که می توان برای آیه یافت (با توجه به اخباری که درباره جهانی بودن حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف نقل شده)، زمان ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف و حکومت آن حضرت است. روایت های متعددی نیز از صحابه و تابعین نقل شده که این آیه، به زمان حکومت حضرت مهدی مربوط است:

الف) قالَ سَعِیدُ بْنُ جُبَیْرٍ فِی تَفْسِیر قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «یُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْکَرِهَ الْمُشرِکُونَ»: هُوَ الْمَهدِی مِنْ عِتْرَهِ فاطِمَهَ علیهاالسلام.(۱)

سعید بن جبیر در تفسیر سخن خداوند «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ» گفته است که مربوط به حضرت مهدی از عترت فاطمه زهرا۳ است.

ب) عَنْ اَبی هُرَیْرَهَ أَنَّهُ قالَ: «هذا «یُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّه» وَعْدٌ مِنَ اللّه بِاَنْ یَجْعَلَ الأِسْلامَ ظاهِرا عَلی جَمیعِ الْأَدْیانِ وَ تَمامِ هذا اِنَّما یَظْهَرُ عِنْد خُرُوجِ الْمَهْدِی وَ نُزُولِ عیسی».(۲)

از ابی هریره نقل شده است که پیروزی اسلام بر همه ادیان، وعده ای است از خدا که اسلام را بر همه ادیان پیروز کند و این امر در زمان خروج حضرت مهدی و فرود آمدن حضرت عیسی اتفاق می افتد.

ج) قالَ السُدِّی: «ذلِکَ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِی لا یَبْقی اَحَدٌ اِلّا دَخَلَ الْأِسْلامَ اَوْ اَدَّی الْجِزْیَهَ».(۳)

ص: ۷۶

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۵۵.

۲- نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ه_. ق، چ ۱، ج ۳، ص ۴۵۸.

۳- تفسیر الجامع الاحکام، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ه_.ق، ج ۸، ص ۱۲۲؛ تفسیر روح البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۳، ص ۴۱۶.

سدّی (در تفسیر آیه) گفته است: چیرگی اسلام بر همه ادیان، هنگام خروج حضرت مهدی به وقوع می پیوندد و احدی باقی نمی ماند، مگر اینکه مسلمان شود یا جزیه بپردازد.

فخر رازی درباره این آیه این اشکال را مطرح می کند که چرا این وعده انجام نشده است؟

سپس ، چند پاسخ می دهد، از جمله اینکه تحقق آیه، مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است.(۱)

رشید رضا نیز درباره این آیه می نویسد: بعضی از علما معتقدند این بشارت به حد کمال نمی رسد، مگر پس از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف و حوادثی که پس از آن رخ می دهد، مانند فرود آمدن حضرت عیسی و....(۲)

۲. ذلت رومیان در زمان حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

وَ مَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللّهِ اَنْ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ وَ سَعی فی خَرابِها أُولئِکَ ما کانَ لَهُمْ اَنْ یَدْخُلُوها اِلّا خائِفینَ لَهُمْ فِی الدُّنْیا خِزْیٌ وَ لَهُمْ فِی الْاخِرَهِ عَذابٌ عَظیمٌ. (بقره: ۱۱۴)

کیست ستم کارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد جلوگیری کرد و در ویرانی آنها کوشید؟! شایسته نیست آنان جز با ترس و وحشت وارد مساجد شوند. برای آنان در دنیا جز رسوایی و ذلت نیست و در آخرت برای آنان عذابی بزرگ است.

طَبَری به نقل از سُدّی این آیه را به رومیان مربوط می داند که بُخْتَنَصّر را در تخریب بیت المقدس یاری کردند، سپس آنجا را به صورت زباله دان درآوردند.

طَبَری در ادامه، درباره این جمله از آیه شریفه که فرمود «لَهُمْ فِی الدُّنیا خِزْیٌ»

۱- فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ ه . ق، چ ۳، ج ۱۶، ص ۳۳.

۲- المنار، ج ۱۰، ص ۳۹۳.

باز از سدّی چنین نقل می کند:

وَ اَمّا خِزْیُهُمْ فِی الدُّنْیا فَاِنَّهُ اِذا قامَ الْمَهْدِی وَ فُتِحَتْ الْقُسْطَنْطَنِیَّهُ قَتَلَهُمْ.(۱)

و اما رسوایی و خواری رومیان در دنیا هنگامی است که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف قیام کند و قسطنطنیه را فتح کند و آنان را به هلاکت برساند.

جلال الدّین سیُوطی در تفسیرش و نیز در کتاب الحاوی للفتاوی با اشاره به روایتی که از سدّی نقل شده، آیه را مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف و فتح قسطنطنیه دانسته است.(۲)

۳. تسلط مؤمنان بر زمین

وَعَدَ اللّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُم وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ و لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنا یَعْبُدُونَنی لایُشْرِکُونَ بی شَیْئا وَ مَنْ کَفرَ بَعْدَ ذلِکَ فَاوُلِئکَ هُمُ الْفاسِقُون. (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، وعده می دهد که به یقین آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیانِ آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدّل می کند، به گونه ای که تنها مرا عبادت کنند و هیچ چیز را شریک من قرار ندهند و کسانی که از این پس کافر شوند، فاسقانند.

بسیاری از مفسران از جمله سیوطی در اسباب النزول در شأن نزول اینآیه، چنین نقل کرده اند:

هنگامی که پیامبر و مسلمانان به مدینه هجرت کردند و انصار با آغوش باز آنها را پذیرا شدند، تمامی عرب بر ضد آنان قیام کردند و وضعیت به گونه ای بود

۱- تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ه . ق، ج ۱، ص ۶۹۹ .

۲- تفسیر الدرالمنثور، بیروت، دار المعرفه، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۸.

که مسلمانان ناچار بودند اسلحه را از خود دور نکنند. شب را با سلاح بخوابند و صبح با سلاح برخیزند (و حالت آماده باش دائم داشته باشند). ادامه این حالت بر مسلمانان سخت آمد و بعضی آشکارا این مطلب را گفتند که تا کی این حالت ادامه خواهد یافت؟ آیا زمانی فرا خواهد رسید که با خیال آسوده، شب استراحت کنیم و اطمینان و آرامش بر ما حکم فرما شود و جز از خدا از هیچ کس نترسیم؟ آیه فوق نازل شد و به آنها بشارت داد که آری، چنین زمانی فرا خواهد رسید.(۱)

برای روشن شدن این مطلب که آیه به زمان حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف مربوط است، توجه به چند نکته لازم است:

اول ـ بر اساس ظاهر آیه، وعده ای که در آن مطرح شده درباره اشخاص معینی نیست، بلکه عموم مؤمنان مورد نظر هستند، البته انسان های مؤمنی که افزون بر ایمان، اهل عمل شایسته نیز باشند.

دوم ـ مراد از خلافت، خلافتی الهی نظیر خلافت آدم و داود و سلیمان نیست، بلکه مراد از آن ارث دادن زمین به ایشان و مسلط کردن آنان بر زمین است، همچنان که در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء به آن اشاره کرده است «زمین را بندگان صالح من ارث می برند».(۲)

بنابراین، خداوند در این آیه روزی را وعده می دهد که مؤمنان بر زمین چیره می شوند و قدرت از آنِ آنان خواهد بود.

سوم ـ مقصود از پابرجا شدن دین، حاکمیت همه جانبه آن در زندگی بشراست، به گونه ای که هیچ کس جرئت نکند کوچک ترین اهانتی به دین و

۱- لباب النقول فی اسباب النزول، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۲۱ ه . ق، ج ۳، ص ۲۱۴.
۲- محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

احکام آن روا دارد و برای اجرای احکام فرعی آن هیـچ مانعی نباشد، چنان که در اصولش نیز هیچ گونه اختلاف نظری وجود ندارد.

چهـارم ــ مراد از تبـدیل شـدن ترس به امنیت و آسـایش، گسترش امنیت در سراسـر جـامعه موعود است، به گونه ای که نه از دشـمن خارجی هراسـی داشـته باشـند و نه از دشـمن داخلی؛ زیرا آیه مطلق است و هیـچ قرینه ای مبنی بر اینکه امنیت در برابر دشمنان خارجی است (آن گونه که بعضی مفسران گفته اند) وجود ندارد.

با توجه به این نکته ها، بی تردیـد تنها مصـداق کامل آیه شـریفه، حکومت حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشـریف است؛ زیرا ویژگی هایی که برای جامعه موعود در آیه شریفه بیان شده، تاکنون در هیچ جامعه ای وجود نداشته است.

ــ امنیت کامل (هم در درون و هم در برابر دشمنان خارجی)؛

ــ حاکمیت و اقتدار دین اسلام (به گونه ای که هیچ منعی برای اجرای احکام فرعی و هیچ اختلافی در اصول آن نباشد)؛

ــ عبادت کامل و خالص برای خداوند بدون هیچ گونه شرکی.

آلوسی در ذیل این آیه، این حدیث را به نقل از عیاشی از قول امام سجاد علیه السلام آورده است:

هُمْ وَ اللّهِ شیعَتُنا اَهْلُ الْبَیْتِ، یُفْعَلُ ذلِکَ بِهِمْ عَلی یَدَی رَجُلٍ مِنّا وَ هُوَ مَهْدِی هذِهِ الْأُمَّهِ وَ هُوَ الَّذی قالَ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله فِیهِ: لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیا اِلّا یَوْمٌ... .(۱)

آنها [که وعده خلافت بر روی زمین به آنها داده شده] به خدا سوگند پیروان

۱- سید محمود آلوسی، تفسیر روح المعانی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه . ق، چ ۱، ج ۹، ص ۳۹۶.

ما اهل بیت هستند. خداوند این کار را برای آنان به دست مردی از ما انجام می دهد که «مهدی» این امت است و هم اوست که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اش فرمود: اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی بماند... . (حدیث معروفی که بارها بیان شده).

بنابر اعتقاد ما و گواهی روایت، حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف نمونه کامل این آیه است، ولی تحقق دیگر نمونه ها برای آیه _ گرچه به صورت ناقص _ با این عقیده منافاتی ندارد و شاید آلوسی (نویسنده تفسیر روح المعانی) به دلیل توجه نکردن به همین نکته، این روایت را ضعیف دانسته و منکر شده است.

۴. حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف نشانه نزدیک شدن قیامت

وَ اِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسّاعَهِ فَلا تَمْتَرُنَّ بِها وَ اتَّبِعُونِ هذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ. (زخرف: ۶۱)

و او [حضرت مهدی] سبب آگاهی بر روز قیامت است، هرگز در آن شک نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.

دانشمندان بسیاری از مقاتل بن سلیمان و عده ای از مفسران نقل کرده اند که این آیه به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف مربوط است، از جمله محمد بن یوسف شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان چنین می نویسد:

وَ قَدْ قالَ مَقاتِلُ بْنُ سُلَیْمانَ وَ مَنْ شایَعَهُ مِنَ الْمُفسّرینَ فی تَفْسیرِ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ اِنَّهُ لعلم للساعه): هُوَ الْمَهْدی عج الله تعالی فرجه الشریف یَکُونُ فی آخِرِ الزَّمانِ وَ بَعْدَ خُرُوجِهِ یَکُونُ قِیامُ السّاعَهِ وِ أَماراتُها.(۱)

مقاتل بن سلیمان و جمعی از مفسران در تفسیر آیه (و انه لعلم للساعه) گفته اند کسی که سبب آگاهی به روز قیامت است، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است که در آخرالزمان ظهور می کند و پس از خروج ایشان، قیامت و نشانه های آن پدید می آید.

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۰۹.

ابن حجر در الصواعق پس از نقـل نظریه مقاتـل و جمعی از مفسـران در این بـاره، (با توجه به روایت های فراوانی که حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را از فرزندان فاطمه علیهاالسلام و علی علیه السلام می داند) می نویسد:

در این آیه دلالت است بر وجود برکت در نسل فاطمه علیهاالسـلام و علی علیه السـلام و اینکه خـدا از نسل این دو، انسان های پـاک و مطهر زیادی به وجود خواهـد آورد و نسل این دو را کلیـدهای حکمت و معـدن های رحمت قرار می دهـد و سرّ این مطلب این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فاطمه علیهاالسلام و علی علیه السلام و ذریه آن دو را از شر شیطان در پناه خدا قرار داد.(۱)

۵. نیکان، وارث زمین خواهند شد

وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُون. (انبیاء: ۱۰۵)

ما در زبور بعد از تورات نوشتیم که بندگان نیکوکار، زمین را به ارث خواهند برد.

به اعتقـاد عـده ای از مفسـران و به احتمـال قـوی، این آیه مربـوط به دنیـاست؛ یعنی یکی از مقـدرات الهی که در کتـاب هـای آسمانی نیز بر آن تصریح شده، این است که سرانجام، بندگان شایسته خداوند وارث زمین می شوند و حکمرانی بر روی زمین از آنِ آنـان خواهـد شـد. از سـوی دیگر چون کلمه «ارض» در این آیه، مطلق آمـده است، مجموع کره زمین را دربرمی گیرد. بنابراین، آیه ناظر به پیروزی های مقطعی و محـدود مسـلمانان نیست، بلکه تنها مصداقش حکومت جهانی حضـرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است.

فخر رازی در ذیـل ایـن آیـه می نویسـد: «طبـق بعضـی روایت هـا، عقیـده کلـبی و ابن عبـاس این است که مراد از زمین، زمین دنیاست که خداوند سبحان، آن را

۱- الصواعق المحرقه، ص ۹۶.

در اختیار بندگان صالح قرار خواهد داد».(۱)

ابن کثیر در تفسیر این آیه می نویسد: «خداوند در این آیه، از حکم حتمی در حق بندگان صالح خبر می دهد که آنان در دنیا و آخرت سعادتمند خواهند بود و زمین را در دنیا و آخرت به ارث خواهند بُرد.»(۲) وی در ادامه، برای اثبات ادعای خود، به آیات متعددی استدلال می کند، از جمله:

الف) اِنَّ الْأَرْضَ لِلّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ. (اعراف:۱۲۸)

زمین از آن خداوند است و در اختیار هر کس که بخواهد، قرار خواهد داد و عاقبت از آن پرهیزکاران است.

ب) اِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیوهِ الدُّنْیا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ. (غافر: ۵۱)

به یقین ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آوردند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند [روز قیامت]، یاری خواهیم کرد.

ج) وَعَدَ اللّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ... . (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند، وعده داده است که آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.

در تفسیر روح المعانی، ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء از ابن عباس چنین نقل شده است: «مراد، سرزمین کفار است که مسلمانان آن را فتح خواهند کرد و این حکم خداست مبنی بر پیروزی دین و عزت مسلمانان».(۳)

ص: ۸۳

۱- التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۹۳.

۲- تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۱۰.

۳- تفسیر روح المعانی، ج ۹، ص ۹۸.

۶. گردآوری یاران حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ اَیْنَما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللّهُ جَمیعا. (بقره: ۱۴۸)

در کارهای خیر از یکدیگر پیشی بگیرید، هر کجا باشید خداوند همه شما را حاضر خواهد کرد.

ابی خالد کابلی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند: این آیه مربوط به یاران حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است که بیش از ۳۰۰ نفر هستند و خداوند آنان را در یک لحظه گرد خواهد آورد.(۱)

۷. وعده رهبری مستضعفان جهان

وَ نُرِیدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ. (قصص: ۵)

اراده کرده ایم که بر مستضعفان روی زمین منت گذاریم و آنان را رهبران و وارثان زمین قرار دهیم.

شیبانی در کتاب کشف البیان از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام نقل می کند که فرموده اند:

این آیه مخصوص صاحب الامری است که در آخرالزمان ظاهر می شود و فرعونیان و جباران را هلاک می سازد و شرق و غرب زمین را تصرف می کند و آن را چنان که پر از ستم و جور گشته، از عدل پر می سازد.(۲)

سلیمان قندروزی (حنفی) در حدیثی نقل می کند که ابومحمد (امام حسن عسکری علیه السلام) در هفتمین روز ولادت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف به وی فرمود:

۱- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۶.

۲- نک: تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۲۰.

«سخن بگو ای فرزند کوچکم.» حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ابتدا شهادتین را بر زبان جاری ساخت و سپس بر پدران و اجدادش یکی پس از دیگری درود فرستاد و در پایان این آیه را تلاوت فرمود: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ».(۱)

۱- ینابیع الموده، ص ۴۵۰.

فصل سوم: سیره و روش حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

بر اساس روایت های نقل شده، سیره و روش حضرت مهدی علیه السلام به گونه ای است که همه اهل آسمان ها و زمین و حتی پرندگان، از حضرت راضی و خشنودند.(۱) روشن است که سیره ایشان پیش از همه، شامل رضایت خداوند متعال است. به همین دلیل، با یقین می توان ادعا کرد اوج همه خوبی ها و ارزش هایی که در روش یک انسان می توان تصور کرد، در سیره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد. با این مقدمه، چند نکته برجسته را در سیره و روش حکومتی حضرت یادآور می شویم:

نخستین پیام حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف به مردم

اشاره

جابر از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: (حضرت) مهدی هنگام عشا در مکه ظهور می کند، در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز نشانه ها و نور و بیان، همراه اوست. پس از اقامه نماز عشا، با صدای بسیار بلند می فرماید:

اُذَکِّرُکُمْ اللّهَ اَیُّها النّاس وَ مُقامَکُمْ بَیْنَ یَدَی رَبِّکُمْ فَقَدِ اتَّخَذَ الْحُجّه وَ بَعَث الْأَنْبیاءَ وَ اَنْزَلَ

ص: ۸۶

۱- نورالابصار، صص ۲۶۱ و ۲۶۲.

الْكِتابَ وَ أَمَرَكُمْ اَنْ لا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئا. وَ اَنْ تُحافِظُوا عَلى طاعَتِهِ وَ طاعَهِ رَسُولِهِ. وَ اَنْ تُحْيُوا ما أَحْيَى الْقُرْآنُ وَ تُميتُوا ما أَماتَ. وَ تَكُونُوا اَعْوانا عَلَى الْهُدى وَ وَزرا عَلَى التَّقْوى فَاِنَّ الدُّنْيا قَدْدَنا فَناؤُها وَ زَوالُها وَ أَذِنَتْ بِالوَداعِ وَ اِنّى اَدْعُوكُمْ اِلَى اللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْعَمَلِ بِكِتابِهِ وَ اِماتَهِ الْباطِلِ وَ اِحْياءِ سُنَّتِهِ.(۱)

ای مردم! خدا را به شما یادآوری می کنم و نیز آن هنگام را که [روز قیامت] در پیشگاه پروردگارتان بایستید! خدا حجت را بر شما تمام کرد و پیامبران را فرستاد و کتاب [قرآن] را نازل فرمود و به شما دستور داد کوچک ترین شرکی نسبت به او نداشته باشید و به پیروی از او و رسولش پای بند باشید و آنچه قرآن زنده کرده است، زنده بدارید و آنچه قرآن میرانده است، شما نیز بمیرانید. در مسیر هدایت، یار یکدیگر باشید و بر رعایت تقوا یکدیگر را کمک کنید. همانا نابودی دنیا نزدیک شده و صدای وداعش بلند است و من شما را به سوی خدا و پیامبرش و عمل به کتاب خدا و میراندن باطل و زنده کردن سنت الهی دعوت می کنم.

۱. عمل به سنت پیامبر

در روایت های بسیاری تصریح شده که ایشان بر اساس سیره پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کند. از جمله در کتاب عقدالدرر این روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتى وَ يَعْمَلَ بِسُنَّتى...؛ مردی از خاندان من ظاهر می شود که بر طبق سنت من عمل می کند... .»(۲) سیره و روش ایشان در جنگ ها نیز بر اساس سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله است:

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله: هُوَ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتى يُقاتِلُ عَلى سُنَّتى كَما قاتَلْتُ اَنا عَلَى الْوَحْى.(۳)

۱- عقدرالدرر، ص ۱۴۵.

۲- همان، ص ۱۵۶.

۳- الصواعق المحرقه، ص ۱۶۴.

مهدی، مردی از عترت من است که بر طبق سنت من می جنگد، همان گونه که من بر اساس وحی جنگیدم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از دست بردن به شمشیر، مردم را با منطق و استدلال و پند و اندرز به سوی حق فرا خواند، به گونه ای که بیشتر دوران پیامبری حضرت به انجام کارهای فرهنگی سپری شد، ولی در مواردی که احساس می کرد کار فرهنگی اثری ندارد، به نبرد نظامی روی می آورد. بر اساس این حدیث، نخستین وظیفه حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف نسبت به کسانی که به هدایتشان امیدی هست، کار فرهنگی و تبلیغ است و البته با ستم پیشگان و زورگویان که منطقی جز زور ندارند، برخورد نظامی خواهد کرد.

بنابراین، تصور بعضی ناآگاهان که می پندارند حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بی مقدمه دست به شمشیر خواهد برد و خون مردم را بر زمین خواهد ریخت، با آنچه در این حدیث آمده ناسازگار و بر خلاف سیره و روش واقعی آن حضرت است.

از جمله دوم روایت استفاده می شود که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در واقع بر اساس وحی و دستورهای الهی عمل می کند، زیرا سنت پیامبر جز عمل به وحی نبوده است، «وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهُوی اِنْ هُوْ الا وَحْی یُوحی؛ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید، آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست». (نجم:۳و۴)

۲. سخت گیری به کارگزاران

نخستین اقدام کسی که می خواهد عدالت را در سرتاسر کره زمین حاکم کند، نظارت دقیق بر عملکرد کارگزاران و برخورد جدی و شدید با کوچک ترین تخلف هاست؛ زیرا سهل انگاری و چشم پوشی در اینجا، در واقع

ستم کردن به توده مردم است. به همین دلیل یکی از ویژگی هایی که برای سیره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در روایت ها به آن اشاره شده، سخت گیری بر کارگزاران است.

اِذا کانَ الْمَهْدِی یَبْذُلُ الْمالَ وَ یَشْتَدُّ عَلَی الْعُمّالِ وَ یَرْحَمُ الْمَساکینَ.(۱)

زمانی که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، کمک های مالی می کند، بر کارگزاران سخت می گیرد و بر بیچارگان ترحم می کند.

۳. دقت در احقاق حقوق

نکته دیگری که در روش حکومت داری حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در روایت ها آمده و آن هم به منظور اجرای عدالت است، تلاش فراوان و بی ملاحظه حضرت، برای رساندن حق به صاحب آن است. در این باره این گونه نقل شده است:

یَبْلُغُ مِنْ رَدِّ الْمَهْدِی اَلْمَظالِمَ حَتّی لَوْ کانَ تَحْتَ ضِرْسِ اِنْسانٍ شَی ءٌ اِنْتَزَعَهُ حَتّی یَرُدُّهُ.(۲)

حضرت مهدی در بر پا داشتن حقوق و ردّ مظالم تا آنجا پیش خواهد رفت که حتی اگر چیزی [متعلق به مظلوم] زیر دندان های [ظالم] باشد، آن را می گیرد و به صاحبش باز می گرداند.

این حدیث نکاتی وجود دارد که بیانگر نهایت دقت و سخت گیری آن حضرت در اجرای عدالت و بازگرداندن حقوق به صاحبانشان است، از جمله اینکه «شی ءٌ» به صورت نکره و با تنوین تحقیر آمده و بدین معناست که حتی اگر حق، به ظاهر بسیار ناچیز و بی ارزش باشد، در رساندن آن به صاحبش کوتاهی نمی شود.

نکته دیگر این است که در حدیث، از دندان، با لفظ «ضرس» ــ به معنای دندان عقل ــ یاد شده و به مراحل پایانی جویدن و قرار گرفتن لقمه در آستانه نابودی اشاره دارد؛ یعنی حتی در این مرحله نیز از بازگرداندن حق چشم پوشی نخواهد شد و با این بهانه که «دیگر کار از کار گذشته و...» در اجرای عدالت کوتاهی نمی شود.

ص: ۸۹

۱- البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۸۶.

۲- عقدالدرر، ص ۳۶.

نکته سوم در حدیث، تعبیر «اِنْتَزَعَهُ» است که بیان گر شیوه خشونت آمیز و شدت عمل در اجرای عدالت است؛ زیرا اگر چنین مقصودی مورد نظر نبود، الفاظ دیگری مانند «أِتَّخَذَهُ» معنای گرفتن را می رساند.

۴. رعایت عدالت در تقسیم اموال

ابی سعید خُدری می گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطا کَما مُلِئَتْ جَوْرا وَ ظُلْما یَرْضی عَنْهُ سکّانُ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ یُقَسِّمُ الْمالَ صِحاحا». فَقالَ الرَّجُلُ: ما مَعْنی صِحاحا؟ قالَ: «بِالسَّویَّهِ بَیْنَ النّاسِ....(۱)

بشارت باد بر شما به مهدی که زمین را آن گونه که از ستم و جور پر شده از عدالت پُر خواهد کرد، [به گونه ای که] اهل آسمان ها و زمین از او راضی هستند. او اموال [عمومی] را به صورت «صحاح» تقسیم می کند. مردی پرسید: مقصود از «صحاح» چیست؟ حضرت فرمود: یعنی به صورت مساوی میان همه مردم تقسیم می کند... .

در حقیقت منظور این است که مسائلی همچون روابط خویشاوندی و آشنایی، در تقسیم اموال اثری ندارد و روابط بر ضوابط پیشی نمی گیرد.

ص: ۹۰

۱- نورالابصار، ص ۲۶۱.

فصل چهارم: اوضاع جهان، پیش از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

بر اساس روایات، مردم جهان پیش از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در شرایطی بسیار ناگوار زندگی می کنند و با مشکلات و گرفتاری های فراوانی روبه رو می شوند. از نظر اقتصادی در فقر و فلاکت به سر می برند، از نظر سیاسی بدترین حاکمان بر آنان حکومت می کنند و از نظر فرهنگی و دینی هم در پایین ترین درجه قرار دارند. ارتکاب گناه فراگیر و دین فروشی، آسان می شود، به گونه ای که شخص صبح که از خانه بیرون می رود، مؤمن و شب که برمی گردد، کافر و بی ایمان است.

برای ترسیم اوضاع جهان پیش از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، برخی روایت ها را که در این باره نقل شده، در چند زمینه خاص بیان می کنیم:

۱. وضعیت سیاسی _ اجتماعی

ابی سعید خُدْری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند که فرمود:

یَنْزِلُ بِاُمّتی فی آخِرِالزَّمانِ بَلاءٌ شَدیدٌ مِنْ سُلْطانِهِمْ لَمْ یُسمَعْ بَلاءٌ اَشَدّ مِنْهُ حَتّی تَضیقُ عَنْهُمْ الْأَرْضُ الرَّحَبَهِ وَ حَتّی یَمْلَأُ الْأَرْضَ جَوْرا وَ ظُلْما. لا یَجِدْ الْمُؤْمِنُ مَلْجَأً یَلْتَجِی اِلَیْه مِنَ الظُّلْمِ فَیَبْعَثَ

ص: ۹۱

اللّه عَزَّ وَ جَلَّ رَجُلاً مِنْ عِتْرَتی... .(۱)

بر امت من در آخرالزمان بلای شدیدی از ناحیه زمام دارشان نازل می شود که هیچ گوشی چنین بلایی را نشنیده است، تا آنجا که زمین با همه گستردگی اش بر آنان تنگ و زمین پر از ستم و جور می شود. انسان مؤمن هیچ پناهگاهی نمی یابد که از ستم به آن پناه برد، (در چنین وضعی) خداوند مردی از عترت من را مبعوث می کند... .

حذیفه می گوید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

وَیْحَ هذِهِ الأُمَّهِ مِنْ مُلُوکٍ جَبابِرَهٍ کَیْفَ یَقْتُلُون وَ یُخیفُونَ الْمُطیعینَ اِلّا مَنْ أَظْهَرَ طاعَتَهُمْ. فَالْمُؤمِنُ التِّقِی یُصانِعُهُمْ بِلِسانِهِ وَ یَفِرُّ بِقَلْبِهِ فَإذا اَرادَ اللّه عَزَّ وَ جَلَّ اَنْ یُعَیدَ الْإَسْلامَ عَزیزا، قَصَمَ کُلَّ جَبّارٍ وَ هُوَ الْقادِرُ عَلَیْهِ ما یَشاءُ اَنْ یَصْلَحَ اُمهً بَعْدَ فَسادِها.(۲)

وای به حال این امت از حاکمان ستمگر که چگونه [بی گناهان را] می کشند و فرمان بران خویش را می ترسانند، مگر کسانی که اطاعتشان را از آنان، آشکار سازند. مؤمن پرهیزکار با زبان با آنان می سازد، ولی در قلبش از آنان بیزار است. پس هرگاه خداوند عزّ و جلّ اراده فرمود که عزت اسلام را برگرداند، هر ستمگری را در هم می کوبد [و نابود می سازد] و او در صورتی که بخواهد، بر اصلاح هر امت پس از فساد و تباهی آن، تواناست.

۲. اوضاع اقتصادی مردم پیش از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

و لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَی ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْاَمْوالِ وَ الْاَنْفُسِ وَ الَّثمَراتِ وَ بَشِّرِ الصّابِرین. (بقره: ۱۵۵)

و حتما شما را با ترس، گرسنگی و کاهش مال، جان و محصول خواهیم آزمود و [ای پیامبر!] به بردباران بشارت بده.

۱- المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵.

۲- عقدالدرر، صص ۶۲ و ۶۳ .

محمد بن مسلم نقل می کند:

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «پیش از آمدن حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف نشانه هایی برای مردم ظاهر می شود.» پرسیدم: آن نشانه ها چیست؟ حضرت این آیه را خواند و سپس توضیح داد: «خداوند می فرماید شما را می آزمایم به ترس [از گرفتار شدن به بیماری]، گرسنگی [به خاطر بالا رفتن قیمت اجناس] و کمبود مال به هنگام قحطی، کمبود جان [به خاطر مرگ فراگیر] و کمبود میوه و محصول [به خاطر خشک سالی]. سپس حضرت فرمود: «یا محمد! این است تأویل آیه که هیچ کس جز خدا و راسخین در علم، از آن آگاه نیست و ما هستیم راسخین در علم».(۱)

۳. بلاهای طبیعی در آخرالزمان

بَیْنَ یَدَی الْمَهْدِی مَوْتٌ اَحْمَرُ وَ مَوْتٌ اَبْیَضُ وَ جَرادٌ فی حینِهِ وَ جَرادٌ فی غَیْرِ حینِهِ کَأَلْوانِ الدَّم فَاَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسَّیْفُ وَ اَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْیَضُ فَالطّاعُونُ.(۲)

حضرت علی علیه السلام فرمود: پیش از ظهور حضرت مهدی، مردم گرفتار مرگ سرخ و مرگ سفید و آفت های زراعی و ملخ هایی به رنگ خون می شوند. مرگ سرخ بر اثر جنگ است و مرگ سفید به دلیل بیماری طاعون.

در حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

لا یَخْرُجُ الْمَهْدِی حَتّی یُقْتَلَ ثُلْثٌ وَ یَمُوتُ ثُلْثٌ وَ یَبْقی ثُلْث.(۳)

[حضرت] مهدی قیام نمی کند، مگر پس از آنکه یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم به مرگ طبیعی از دنیا بروند و یک سوم باقی بمانند.

ص: ۹۳

۱- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۶.

۲- عقدالدرر، ص ۶۵ .

۳- البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۴. اوضاع فرهنگی

بر اساس احادیث وارد شده، وضعیت فرهنگی مردم، پیش از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، بسیار اسفبار و ناراحت کننده است، سنت های الهی از میان مردم رخت برمی بندند و بدعت ها جای گزین آنها می شوند، امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترک می شود.(۱) کوچک ترها به بزرگان احترام نمی گذارند و بزرگان بر کودکان ترحم نمی کنند. دین فروشی چنان رواج دارد که شخص، صبح که از خانه بیرون می آید، مسلمان است، ولی شب کافر به خانه باز می گردد.(۲)

در حدیث دیگری از امام محمد باقر علیه السلام که ابن صباغ در فصول المهمه آورده وضعیت مردم آخرالزمان این گونه بیان می شود: ۱. مردها شبیه زنان و زن ها شبیه مردها هستند؛ ۲. زنان بر مرکب سوار می شوند؛ ۳. نماز در بین مردم می میرد؛ ۴. از شهوت ها پیروی می شود؛ ۵. رباخواری رواج می یابد؛ ۶ . خون ها به راحتی ریخته می شود؛ ۷. معامله ها به صورت ربوی انجام می گیرد؛ ۸. عمل خلاف عفت آشکارا انجام می شود؛ ۹. ساختمان ها را محکم می سازند؛ ۱۰. دروغ روا شمرده می شود؛ ۱۱. مردم رشوه می گیرند؛ ۱۲. از هوا و هوس پیروی می کنند؛ ۱۳. دین را به دنیا می فروشند؛ ۱۴. روابط خانوادگی ضعیف می شود؛ ۱۵. در مقابل اطعامی که می کنند، منت می گذارند؛ ۱۶. بردباری نشانه ضعف دانسته می شود؛ ۱۷. ستمگری مایه افتخار است؛ ۱۸. زمام داران فاجرند؛ ۱۹. وزیران دروغگویند؛ ۲۰. آنان که (به ظاهر) امین هستند خیانت می کنند و یارانِ ستمگرانند؛ ۲۱. قاریان (قرآن) فاسقند؛ ۲۲. بی عدالتی، آشکار می شود؛ ۲۳. طلاق فراوان

۱- همان، ص ۱۳۱.

۲- همان، ص ۱۰۴.

می شود؛ ۲۴. شهوت رانی و عیاشی آشکار می شود؛ ۲۵. گواهی دروغ پذیرفته می شود؛ ۲۶. شرب خمر می شود؛ ۲۷. مردها بـا هم جنس خود غریزه جنسـی خویش را اشـباع می کننـد و زنـان با زنان (هم جنس بازی)؛ ۲۸. امـوال عمومی را غنیمت می شمارند؛ ۲۹. صدقه دادن را خسارت می پندارند؛ ۳۰. از انسان های شرور، به دلیل ترس از زبانشان دوری می شود... .(۱)

۱- فصول المهمه، ص ۲۹۲.

فصل پنجم: نشانه های ظهور

اشاره

در روایت ها، نشانه های فراوانی (اعم از نشانه های طبیعی و اجتماعی) برای ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است. صاحب کتاب عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ۳۶ نشانه در فصل چهارم این کتاب گردآورده که برای رعایت اختصار، برخی از آنها را در اینجا، بیان می کنیم:

۱. بیماری های صعب العلاج؛ ۲. جنگ های خونین؛ ۳. فتنه ها و آشوب های خانمان سوز و فراگیر؛ ۴. پیدایش اختلاف های شدید میان مردم؛ ۵. ظاهر شدن آتشی بزرگ در مشرق آسمان در سه شب؛ ۶. قیام شصت انسان دروغگو که ادعا می کنند فرستاده خداوند هستند؛ ۷. در زمین فرو رفتن یکی از آبادی های شام؛ ۸. خراب شدن دیوار مسجد کوفه؛ ۹. طلوع ستاره ای در مشرق که همچون ماه می درخشد؛ ۱۰. آشکار شدن سرخی در آسمان و پهن شدن آن (مانند سرخی معمولی که در شفق ایجاد می شود نیست)؛ ۱۱. ایجاد شکاف در فرات به گونه ای که آب وارد شهر کوفه و سبب ویرانی آن می شود؛ ۱۲. برآمدن ندایی از آسمان که همه اهل زمین با هر زبان و لغتی آن

را می شنوند و درک می کنند (ظاهرا اشاره به روایتی است که در قسمت فضایل حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بیان شد؛ همان فرشته ای که از آسمان فریاد می زند و ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را به مردم بشارت می دهد و از آنها می خواهد که از او پیروی کنند)؛ ۱۳. مسخ شدن عده ای از بدعت گذاران؛ ۱۴. نافرمانی بندگان از آقایانشان؛ ۱۴. بلند شدن صدایی در شب نیمه رمضان که هر خفته ای را بیدار می کند؛ ۱۵. زبانه کشیدن شعله آتش جنگ در ماه شوال و ذی القعده؛ ۱۶. چپاول و غارت شدن حاجیان در ماه ذی حجه؛ ۱۷. کشتار فراوان به حدی که خون در خیابان ها جاری می شود؛ ۱۸. شکستن حرمت محارم در حرم؛ ۱۹. انجام گناهان کبیره در بیت الله؛ ۲۰. هرج و مرج فراوان و طولانی؛ ۲۱. از بین رفتن دوسوم مردم (بعضی در جنگ ها و عده ای با مرگ طبیعی)؛ ۲۳. ستمگری زمام داران؛ ۲۴. رواج دین فروشی؛ ۲۵. خراب شدن بیشتر شهرها؛ ۲۶. ذبح شدن مردی هاشمی میان رکن و مقام؛ ۲۷. کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان؛ ۲۸. خسوف ماه در آخر ماه رمضان؛(۱) ۲۹. خروج سفیانی و ۳۰.

۱- طبق روایتی که در ص ۱۰۷ کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، از امام محمد باقر علیه السلامنقل شده، خسوف ماه در شب اول ماه رمضان اتفاق می افتد البته طبق روایتی که نعیم از شریک نقل کرده است خسوف دو مرتبه در ماه رمضان اتفاق می افتد در ادامه این حدیث حضرت می فرماید: چنین حادثه ای از ابتدای آفرینش آسمان ها و زمین تا آن روز اتفاق نیفتاده، علت آن طبق گفته مؤلف کتاب مذکور، این است که به عقیده ستاره شناسان، کسوف همیشه در اواخر ماه اتفاق می افتد و خسوف در نیمه ماه.

آخرین فتنه و نشانه که پس از آن حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، کشته شدن نفس زکیه است.(۱)

۱. خروج سفیانی

اشاره

یکی از نشانه های ظهور که روایت های فراوانی بر آن دلالت دارد، قیام شخصی به نام سفیانی است. به دلیل قطعی بودن این نشانه،(۲) مطالبی را به اختصار درباره این شخص بیان می کنیم.

الف) مشخصات ظاهری سفیانی

حضرت علی علیه السلام درباره سفیانی فرموده است: «سفیانی، فرزند خالد بن یزید بن ابی سفیان، مردی است با سری بزرگ، در صورتش آثار بیماری آبله پیداست و در چشمش لکه سفیدی است و از اطراف دمشق خروج می کند».(۳)

مؤلف کتاب عقدالدرر درباره نسب سفیانی می نویسد: وی فرزند «آکله الاکباد» است؛(۴) یعنی فرزند هند (دختر ابوسفیان) که پس از جنگ اُحد، دستور داد شکم عموی پیامبر، حمزه سیدالشهدا را دریدند و جگر ایشان را به دندان گرفت. از آن پس، لقب جگرخوار بر وی نهاده شد.

۱- عقدالدرر، صص ۱۱۳ _ ۱۱۶.
۲- مؤلف کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، درباره خروج سفیانی در آخرالزمان می گوید: «وَ هـذِهِ العَلامَهُ قَرِیبَهٌ اِلَی حَدَّ الْتَواتُرِ؛ این علامت نزدیک است که اخبارش به حد تواتر برسد». البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۱۲
۳- البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.
۴- عقدالدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۱۶.

ب) قیام سفیانی و سرانجام آن

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره نقل شده است:

مردی که به او سفیانی می گویند، از یکی از شهرک های اطراف دمشق به نام عَمقْ قیام می کند و همه کسانی که او را یاری می کنند، از قبیله «کلب» هستند. آنها جنگ را آغاز می کنند تا آنجا که شکم های زنان را می درند و کودکان را می کشند... .(۱)

صاحب کتاب عقدالدرر درباره سفیانی و عملکرد او می نویسد:

لشکریانش، دل هایی سخت و چهره هایی عبوس و گرفته دارند. آنها به پیروزی هایی دست می یابند و شهرهایی را تصرف می کنند. مدارس و مساجد را ویران می کنند و ستم و فساد را در جامعه آشکار می سازند. هر عبادت کننده ای را شکنجه می کنند و اهل دانش و فضل و زهد را به شهادت می رسانند. سفیانی، ریختن خون بی گناهان را مباح می شمارد و دشمنی سختی با خاندان پیامبر دارد و به بزرگواران اهانت می کند. سرانجام، او و همه سربازانش، در سرزمین بَیداء(۲) به زمین فرو می روند و به هلاکت می رسند.(۳)

از خالد بن سعید نقل شده که سفیانی هنگام قیامش، میله ای آهنی در دست دارد که به هر کس می زند، سبب مرگش می شود.(۴)

۲. قیام دَجّال

اشاره

۲. قیام دَجّال(۵)

یکی از حوادث آخرالزمان که احادیث فراوانی درباره آن نقل شده، قیام

۱- الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲- بیداء نام سرزمینی است بین مدینه و مکه، البته به مکه نزدیک تر است. در لغت، به بیابان نرم و هموار و بی آب و علف، بیداء گفته می شود.

۳- عقدالدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۱۶.

۴- البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۱۵.

۵- دجال در لغت به معنی دروغ گو و حقه باز است.

دجال است. در روایتی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فتنه دجال را بزرگ ترین فتنه روزگار شمرده است:

...اِنّهُ لَمْ یَکُنْ فِتْنَهٌ فِی الْأَرْضِ مُنْذُ ذَرَأَ اللّه تعالی ذُرّیَّهَ آدَمَ اَعْظَمُ مِنْ فِتْنَهِ الدَّجّالِ.(۱)

از زمان آفرینش انسان ها، هیچ فتنه ای بزرگ تر از فتنه دجال، بر روی زمین رخ نداده است.

برخی ویژگی های موجود برای دجال در روایت ها به مشخصات ظاهری دجال مربوط است و بیشتر جنبه سمبولیک دارد و برخی نیز به شرایط اجتماعی زمان قیام او و عملکرد وی برمی گردد.

از جمله در روایتی نقل شده که هنگام قیام دجال، مردم گرفتار قحطی و کمبود مواد غذایی هستند. وی در آغاز، ادعای پیامبری می کند و سپس گام را از این بالاتر می نهد و خود را خدای مردم معرفی می کند.(۲)

الف) چه کسانی فریب دجال را می خورند؟

بر اساس روایت ها، دجال قدرتی شگفت آور دارد؛ برای نمونه در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «دجال پرنده را در آسمان می گیرد»(۳) و در روایت دیگر می فرماید: «کره زمین را درمی نوردد، به جز مکه، مدینه، بیت المقدس و...».(۴)

وجود چنین ویژگی ها و توانایی هایی در دجال، افرادی را که شناخت کافی ندارند یا زمینه های دیگری برای انحراف در آنها هست گمراه می سازد و شاید

ص: ۱۰۰

۱- عقدالدرر، ص ۲۶۷.

۲- همان.

۳- همان، ص ۲۶۶.

۴- همان، صص ۲۶۹ و ۲۷۴.

به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فتنه دجال بزرگ ترین فتنه است».

از فتنه های دجال این است که به شخصی بادیه نشین می گوید: «اگر پدر و مادرت را که مرده اند زنده کنم، به ربوبیت من ایمان می آوری؟» شخص پاسخ مثبت می دهد. پس دو شیطان، یکی به صورت پدر و دیگری به صورت مادر آن شخص، جلوه گر و سبب گمراهی وی می شوند.(۱)

ب) دجال در مسیحیت و یهود

دجال در زبان فرانسوی و انگلیسی «آنتی کریست» نامیده می شود که به معنای دشمن و ضد مسیح است. این عنوان نخستین بار در رساله اول یوحنا، باب چهارم، شماره سوم آمده است.

یهودیان نیز به ظهور کسی که با خدا دشمنی می ورزد و قدرتی شگفت انگیز دارد، معتقد بوده اند. در کتاب دانیال، باب یازدهم، درباره مشخصات چنین شخصی سخن گفته شده و در باب هفتم این کتاب نیز به صورت اشاره، از دشمن خدا سخن به میان آمده است.(۲)

ج) دجال از دیدگاهی دیگر

آنچه تا کنون بیان شد، بر اساس احادیثی بود که در کتاب های روایی نقل شده و ما بخشی از آن را بدون هیچ گونه توضیح یا توجیهی آوردیم. از ظاهر عبارت ها چنین برداشت می شود که دجال نام شخصی افسانه ای با مرکبی افسانه ای تر از خودش است و با برنامه ای ویژه، پیش از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند.

۱- همان، ص ۲۶۸.

۲- نک: مهدی موعود، ص ۹۷۲.

ولی بـا دقت در بعضـی احـادیث و نیز تـوجه به ریشه لغت دجـال، معلـوم می شود دجـال به یـک فرد محـدود نمی شود، بلکه عنوانی برای افراد حیله گر و حقه باز است که برای جذب مردم به سوی خود، از هر وسیله ای استفاده می کنند و بر سر راه هر انقلاب سازنده ای ظاهر می شوند تا جلوی حرکت تکاملی انسان ها را بگیرند.

د) چند دلیل بر اینکه دجال، شخص معینی نیست

اول ـ پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «وَ اِنَّ اللّه لَمْ یَبْعَثْ نَبِیّا اِلّا حَذّرَ اُمَّتَهُ الدَّجّالَ؛ خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود، مگر آنکه امتش را از دجال بر حذر داشت».(۱)

روشن است که پیـامبران گذشـته، به امت خود دربـاره فتنه ای که در آخرالزمـان رخ خواهـد داد و هزاران سـال با آنان فاصـله دارد، هشدار نمی دهند و اصولاً چنین چیزی معنی ندارد. ازاین رو، باید بپذیریم که در هر زمانی دجالی وجود داشته است.

دوم ـ دلیل دیگر این است که در حدیثی که در صحیح ترمذی در مورد دجال نقل شده چنین آمده است:

فَوَصَفَهُ لَنا رَسُولُ اللّهِ فَقالَ: لَعَلَّهُ سَیُدْرِکُهُ بَعْضُ مَنْ رآنی اَوْ سَمِعَ کَلامی.(۲)

پس از آنکه پیامبر، دجال را برای ما توصـیف کرد، فرمود: شایـد بعضـی از کسانی که مرا دیـده یا کلام مرا شـنیده انـد، عصـر دجال را درک کنند.

۱- عقدالدرر، ص ۲۶۷.

۲- الترمذی، سنن الترمذی، باب ما جاء فی الدجال، دارالفکر، بیروت، ج ۳، ص ۳۴۴.

سوم ـــ در بعضی احادیث، به متعدد بودن دجال اشاره شده، برای مثال در حدیثی آمده است که پیش از ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف سه دجال ظهور می کنند.

جـالب اینکه در انجیل نیز به تعـدد دجال به صـراحت اشاره شـده است؛ برای مثال در رساله دوم یوحنا، باب ۱، جلد ۶ و ۷ می خوانیم: «شنیده ایم که دجال می آید. اکنون نیز دجالان بسیار ظاهر شده اند».

ه_) نکته ای دیگر درباره دجال

اشاره

نشانه هایی که در بعضـی روایت ها برای دجال بیان شده، بی شباهت به تعبیرهای سمبولیک و کنایه ای نیست. بنابراین، ممکن است دجـالی که با آن نشانه های مخصوص معرفی شـده، جنبه سـمبولیک داشـته باشـد و در واقع اشاره به رهبران مادی گرا و ستمگر دوران آخرالزمـان باشـد؛ زیرا اوصـافی که برای دجال در بعضـی روایت ها مشـخص شـده، بر آنها مطابقت دارد، برای مثال از جمله صـفات دجال، این است که وی یک چشم دارد که همچون سـتاره می درخشد و بسـیار جذاب(۱) است. رهبران مادی جهان نیز فقط چشم مادی دارند، زیرا همه توجهشان به منافع مادی است و چشم معنوی خویش را از دست داده اند.

جالب اینجاست که چشم مادی آنان، چنان جـذاب و درخشـنده است که هر انسان غافلی با دیدن پیشـرفت های صـنعتی آنان، بی اختیار جذب شان می شود.

نشانه دیگر دجال، داشـتن الاغی با سـرعت خاص است که در فاصـله زمانی بسـیار انـدک، کل زمین را زیر پا می گـذارد. این نشانه نیز ممکن است اشاره به

ص: ۱۰۳

۱- عقدالدرر، ص ۲۷۵.

پیشرفته ترین وسایل جابه جایی باشد که با سرعتی بالاتر از سرعت صوت حرکت می کنند.

و اما ادعای خدایی کردن دجال نیز، ممکن است کنایه از بعضی توهم های قدرت های مادی باشد که با تکیه بر قدرت برتر و موفقیت های خویش، در عمل، خود را همه کاره مردم جهان می دانند و می پندارند قوانین جهان به دست آنهاست. سخنان سیاست مداران امریکا، (همچون جهان تک قطبی و...) کمتر از ادعای خدایی نیست.

عامل قحطی و گرسنگی مردم در زمان دجال نیز، ممکن است افزون بر علل طبیعی همچون خشکسالی و غیره، سیاست های استعماری و استثماری قطب های مادی جهان باشد که البته این از همان زندگی تک بُعدی مادی سرچشمه می گیرد.

بدین ترتیب آنچه بیان شد، تفسیری احتمالی برای دجال بود که شواهد متعددی آن را تأیید می کند و در هر صورت، پذیرفتن یا نپذیرفتن آن، در اصل ادعا خللی ایجاد نمی کند. چه بسا دجال (با آن ویژگی ها) جنبه کنایه داشته و به راستی انسانی به نام دجال با چنان مرکب و خصوصیاتی وجود نداشته باشد.

فراگیر شدن فساد و ظهور نکردن حضرت

بر اساس روایت های موجود، زمانی که دنیا پر از ستم و بیداد شود، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند. از سوی دیگر شاهدیم که در حال حاضر، ستم و فساد فراگیر شده است. پس چرا آن حضرت ظهور نمی کند تا بنا بر وعده الهی، جهان را پر از عدل و داد سازد؟

پاسخ این است که هیچ روایتی بر این مطلب دلالت ندارد که جهان گیر شدن ستم، دلیل نهایی و کافی برای ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است، به این

معنی که به مجرد پر شدن دنیا از ستم، آن حضرت بی درنگ ظهور می کند. در این باره دو دسته روایت وجود دارد: در یک دسته آمده است: «... یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطِا وَ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلما وَ جَوْرا...»(۱) که حرف «کاف» یا برای تشبیه است که در این صورت، معنی حدیث این می شود: «حضرت مهدی دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که پر از ستم و جور شده» یا برای مقابله است و در این صورت، معنی حدیث این است: «حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در برابر پرشدن دنیا از ستم و بیداد، آن را پر از عدل و داد می کند.» بنابراین، در این دسته از روایت ها، سخن از تشبیه و مقابله است و هیچ گونه دلالتی بر این مطلب ندارد که وقتی دنیا پر از ستم و جور شد، حضرت مهدی بی درنگ ظهور می کند.

دسته دوم، روایت هایی هستند که در آنها به جای حرف کاف، واژه «بعد» آمده است: «یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً بَعْدَ ما مُلِئَتْ ظُلْما وَ جَوْرا.»(۲) بر اساس این روایت ها، پس از آنکه دنیا را ستم و بیداد فرا گرفت، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، ولی فاصله میان فراگیر شدن ستم و ظهور حضرت مشخص نشده است. ازاین رو، از این دسته نیز نمی توانیم استفاده کنیم که پس از فراگیر شدن ستم، حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بی درنگ ظهور می کند، بلکه ممکن است به خاطر حکمت هایی که فقط خدا از آنها آگاه است، این مدت به درازا کشد.

زمان ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

یکی از اساسی ترین ویژگی های ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، معلوم نبودن زمان آن است و این مطلب، آشکارا از روایت ها به دست می آید. گرچه در

۱- ینابیع الموده، ص ۴۲۶.

۲- سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۰۹.

روایت هـای بسـیاری، نشـانه های ظهور آمـده، در روایت های دیگری نیز بر این مطلب تأکیـد شـده که هر زمان اراده خـدا بر ظهور آن حضرت تعلق گیرد، همه مقدمات در کمترین زمان ممکن فراهم می شود.

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: «اَلْمَهْدِی مِنّا اَهْلَ الْبَیْتِ یُصْلِحُهُ اللّهُ فِی لَیْلَهٍ؛ مهدی از ما اهل بیت است و خداوند کار او را در یک شب اصلاح می کند».(۱)

بر اساس این حدیث، زمان دقیقی را برای ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف نمی توان پیش بینی کرد و حتی با اسـتناد به نشانه های ظهور حضـرت، نمی توان ادعا کرد که چون این نشانه ها آشـکار نشـده، پس اکنون و در آینـده نزدیک، حضـرت ظهور نمی کند؛ زیرا در این حدیث تصـریح شده که وقتی خواست الهی به ظهور تعلق گیرد، در یک شب همه زمینه ها و نشانه ها حاصل می شود که البته ظاهرا مقصود از یک شب، کوتاه ترین زمان ممکن است.

فلسفه معلوم نبودن زمان ظهور

بی شـک، یکی از اساسـی ترین فلسـفه های معین نبودن زمان ظهور، این است که مسـلمانان برای ظهور حضـرت همیشه آماده باشـند. مقصود از آمادگی، تلاش شـبانه روزی و پیوسـته، برای اصـلاح فرد و جامعه و فراهم ساختن زمینه های ظهور حضـرت است.

پاسخ به یک توهم

بعضـی ساده اندیشان ـ اگر نگوییم مغرضان ـ که از معارف اسـلامی آگاهی کافی و درست ندارند، با استناد به روایت هایی با این مضمون که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف زمانی ظهور می کند که دنیا پر از ستم شده باشد، معتقدند برای

۱- سنن ابن ماجه، ج ۲، ابواب الفتن، ص ۱۳۶۶.

سرعت بخشیدن به ظهور حضرت، باید برای رواج هرچه بیشتر ستم و فساد در جامعه کوشید تا از این راه، زمینه ظهور فراهم شود!

این سخن، چنان سست و بی اساس است که هر انسانی با کمترین حد آگاهی از اسلام، به نادرستی و پوچی آن پی می برد، ولی از آن جا که ممکن است چنین مطالبی دست آویز انسان های بی بندوبار و هوس ران شود یا استعمارگرانی که درصدد نابودی فرهنگ اصیل مسلمانان و جای گزین ساختن فرهنگ خویش هستند، از چنین نظریه هایی استقبال و از آن برای تحقق هدف های شوم خود استفاده کنند، لازم است پاسخ این توهم بیان شود:

نخست اینکه روایت های مورد استشهاد، اِخباری هستند نه انشایی؛ یعنی روایت هایی که می گویند «حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف زمانی ظهور می کند که دنیا پر از ستم شده باشد»، در واقع از سیر طبیعی جامعه انسانی به سوی چنان وضعیتی خبر می دهد و از هیچ روایتی استفاده نمی شود که مسلمانان موظف هستند برای تحقق چنین جامعه ای بکوشند.

دوم، بر فرض که منظور این روایت ها چنین مطلبی باشد، با توجه به مخالفت آن با حکم واجب دین اسلام، یعنی امر به معروف و نهی از منکر که آیات قرآن و سنت آشکار پیامبر گرامی اسلام بر آن دلالت قطعی دارند، بی تردید چنین برداشتی اشتباه است و به دلیل توجیه پذیر نبودن روایت، باید رد شود؛ زیرا ملاک اساسی اعتبار حدیث، این است که برخلاف قرآن و سنت قطعی پیامبر اسلام نباشد.

نکته سوم آن است که با اندکی اندیشه پیرامون این برداشت و پی آمدهای آن، می توان دریافت که لازمه چنین سخنی، تعطیل شدن تکلیف ها و

دستورهای الهی در آخرالزمان است و ای کاش می دانستیم که آیا طراحان این نظریه به چنین مطلبی پای بند هستند!؟

در این میان، اکنون نیز که فساد و ستم در سطح بسیار بالایی، همه جای جهان را فرا گرفته، وظیفه منتظران حضرت، کوشش برای ساختن خود و دیگران و تشکیل گروهی نیرومند و شایسته و آگاه است که بتواند در زیر پرچم حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف انجام وظیفه کند؛ زیرا یکی از شرایط ظهور آن حضرت، وجود یاران لایق است.

تلاش دشمنان اسلام برای تضعیف باورهای دینی مسلمانان

با وجود تأکیدهایی در روایت ها بر نامعلوم بودن زمان ظهور، متأسفانه برخی با انتشار کتاب و از راه های دیگر می کوشند زمانی را برای ظهور حضرت پیش بینی کنند.

بر اساس برخی شواهد و نشانه ها، حداقل برخی از این افراد، غرض ورزانه درصدد تضعیف پایه های عقیدتی مسلمانان هستند؛ زیرا طبیعی است که پس از چندین مرتبه وعده ظهور دادن و عملی نشدن آن، توده مردم دچار تردید می شوند و در اصل صحت ظهور آن حضرت شک می کنند.

از جمله اقدام هایی که با هدف تضعیف اعتقاد به مهدویت صورت گرفته، ساخت فیلم نوستر آداموس است. این فیلم، قصه زندگی یک ستاره شناس و پزشک فرانسوی به نام میشیل نوستر آداموس است که حدود ۵۰۰ سال پیش می زیسته و پیش گویی هایی کرده است. مهم ترین این پیش گویی ها، قیام نوه پیامبر اسلام از مکه است که مسلمانان در سایه فرمان روایی او متحد و بر اروپاییان و غرب پیروز می شوند.

طراحان اصلی این فیلم، یک یهودی به نام لوبی و نیز سازمان اطلاعات

ص: ۱۰۸

امریکا بوده اند و هدفشان از این اقدام، تحریک مردم اروپا و امریکا بر ضد مسلمانان بوده است. آنها، اتحاد امریکا و شوروی با یکدیگر و شکست دادن مسلمانان را پس از پیروزی شان بر غربی ها، خود به فیلم افزوده اند.(۱)

۱- علی کورانی، عصر ظهور، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، چ ۲، ص ۱۸.

فصل ششم: ویژگی های جامعه موعود

۱. قسط و عدل

اشاره

برجسته ترین ویژگی جامعه موعود که در بیشتر روایت ها به آن تصریح شده، برپا داشتن قسط و عدل و گسترش آن در سرتاسر دنیا است. نه تنها در منابع اسلامی، بلکه در همه دین ها و ملت ها، نخستین ویژگی جامعه موعود، برپا داشتن قسط و عدل معرفی شده است همان گونه که «ستم و جور» برجسته ترین نشانه جامعه پیش از ظهور مصلح کل است.

معنای قسط و عدل

برای روشن شدن معنای قسط و عدل و تفاوت میان آن دو، نخست باید ستم را تعریف کنیم. آنچه از ریشه لغوی آن استفاده می شود، تجاوز به حقوق دیگران است که دو گونه است و در ادبیات عرب، هر کدام لفظ مخصوص دارند. گاهی تجاوز این گونه است که انسان متجاوز، حق دیگری را به خود اختصاص می دهد و دست رنج دیگران را غصب می کند. عرب به این عمل «ظلم» می گوید. گاهی نیز ظالم برای محکم کردن پایه های قدرت خود، حق افراد را می گیرد و در اختیار طرفداران خویش قرار می دهد. به عبارت دیگر، هواداران نالایق خود را بر جان و مال و نوامیس مردم مسلط می سازد و از این راه، قدرت خود را حفظ می کند. در لغت عرب به این کار «جور» می گویند.

ص: ۱۱۰

نقطه مقابل ظلم، «قسط» و نقطه مقابل جور، «عدل» است، البته در صورتی که این دو کلمه با هم ذکر شوند، ولی اگر جداگانه بیایند هر دو به یک معنی هستند.(۱)

زنده شدن زمین با اجرای عدالت

أعْلَمُوا اَنَّ اللّهَ یُحْی الْأَرْضَ بَعْد مَوْتِها قَدْ بَیَّنّا لَکُمُ الْأیاتِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُون. (حدید: ۱۷)

آگاه باشید که خداوند زمین را پس از مرگش، زنده خواهد کرد. به تحقیق، ما آیات و نشانه های [خویش] را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید.

حافظ قندوزی (حنفی) روایتی از امام محمدباقر علیه السلام درباره این آیه شریفه نقل می کند که ترجمه آن این است: «خداوند زمین را با «قائم» به واسطه اجرای عدالت زنده می سازد، پس از آنکه به وسیله ستم ستمگران مرده بود».(۲)

۲. وحدت و الفت

از دیگر ویژگی های جامعه موعود، حاکم شدن روحیه برادری و الفت بر جامعه اسلامی آن روز و از بین رفتن هرگونه اختلاف و درگیری است.

ابو نعیم در رد سخن کسانی که گمان می کنند مهدی، همان عیسی بن مریم است، نقل می کند که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: آیا مهدی از ما خاندان محمد است؟ آیا از غیر خاندان محمد است؟ حضرت فرمود: «لا بَلْ مِنّا؛ البته از ما خاندان است.» حضرت در ادامه می فرماید:

وَ بِنا یُؤَلِّفُ اللّهُ قُلُوبَهُمْ بَعْدَ عَداوَهِ الْفِتْنَهِ کَما اُلِّفَ بَیْنَ قُلُوبِهِم بَعْد عَداوَهِ الشِّرکِ وَ بِنا یُصْبِحُونَ بَعْدَ عَداوَهِ الْفِتْنَهِ اِخْواناً فِی دینِهِمْ.(۳)

به وسیله ما، دل ها به هم پیوند می خورند، پس از دشمنی که به خاطر فتنه ایجاد

۱- مهدی انقلابی بزرگ، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲- ینابیع الموده، ص ۵۱۴.

۳- نورالابصار، ص ۲۶۲.

شـده، همان طور [که در صـدر اسـلام] پس از دشـمنی که به خاطر شـرك ایجاد شـده بود، دل ها به یکـدیگر مهربان شد و به وسیله ما، مردم، برادران دینی یکدیگر می شوند.

۳. حاکمیت دین اسلام

ویژگی دیگر جـامعه موعـود، حـاکمیت دیـن و ارزش هـای دینی بر جـامعه اسـت، به گـونه ای که ملاـك برتری انسـان هـا بر یکدیگر، همان ارزش هایی است که در اسلام بیان شده، همچون: تقوا، جهاد در راه خدا، ایمان و دانش.

در جامعه موعود، کسی به خاطر ثروتش تکریم و به فقیر به خاطر فقرش اهانت یا حتی بی توجهی نمی شود.

جـامعه موعود آراسـته به زیور دین است و جلوه های دین داری در همه جنبه های زنـدگی بشـر نمایان است؛ از کوچه و بازار گرفته تا خانه و اداره و... .

البته آنچه گفته شـد به این معنـا نیست که در جـامعه موعود گنـاهی انجـام نمی گیرد و همه معصوم می شونـد؛ زیرا تـا انسان، انسـان است و صـاحب اراده و اختیـار، خواهش هـای نفسـانی هم هست و ازاین رو، احتمـال گناه هم وجود دارد و کم و بیش گناه انجام می گیرد.

منظور مـا این است که فضـای حـاکم بر جامعه، فضایی سالم و ارزش مـدار و زمینه های عبادت و بنـدگی و رسـیدن به تکامل فراهم و اسـباب گنـاه، برچیـده می شـود، بر همین اسـاس، می تـوان ادعـا کرد درهـای بهشت به سوی جـامعه موعود گشوده و درهای جهنم بسته است.

۴. صلح و آرامش

در حدیثی، پیامبر اوضاع زمان حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را این گونه وصف می کند:

... نیش هر صاحب نیشی کنده می شود تا آنجا که پسر بچه دستش را داخل دهان مار می کند و آسیبی به او نمی رسد و دختر بچه شیر را می راند و او را دنبال می کند و آزاری نمی بیند. گرگ در کنار گوسفند می چرد، گویا سگِ نگهبان اوست.

...وَ تُمْلَأُ الْأَرْضُ مِنَ السِّلْمِ كَما يُمْلَأُ الْإِناءُ مِنَ الْماءِ... وَ تَضَعُ الْحَرْبُ أَوْزارُها.

آن گونه که ظرف لبریز از آب می شود، زمین مالامال از صلح و سلامت می شود... و آتش جنگ خاموش می شود.(۱)

۵. امنیت

بنابر روایت های متعدد، در جامعه موعود، امنیت کامل بر سرتاسر کره زمین حاکم است. در این باره در حدیثی چنین آمده است:

... وَ تَأْمَنُ الْأَرْضُ حَتّى اِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَحُجُّ فِي خَمْسِ نِسْوَةٍ ما مَعَهُنَّ رَجُلٌ، لا يُتَّقى شَيْئا اِلّا اللّهُ عَزَّ وَ جَل.(۲)

چنان امنیت بر زمین حکم فرما می شود که زن به همراه پنج زن دیگر در حالی که هیچ مردی همراهشان نیست، به حج می روند و از هیچ چیز جز خدای متعال نمی ترسند.

۶. روحیه بی نیازی مردم

در حدیثی که ابوسعید از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند، چنین آمده است:

...وَ يَمْلَأُ قُلُوبُ اُمَّهِ مُحَمدٍ غِنى وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ حَتّى يَأْمُرَ مُنادِيا يُنادِي يَقُولُ: مَنْ لَهُ بِالْمالِ حاجَةً فَلْيَقُمْ. فَما يَقُومُ مِنَ النّاسِ أِلّا رَجُلٌ واحِدٌ فَيَقُولُ اَنَا. فَيَقُولُ لَهُ ائْتِ السّادِنَ (الْخازِنْ) فَقُلْ لَهُ: اِنَّ الْمَهْدِى يَأْمُرُكَ اَنْ تُعْطِيَنِى مالاً. فَيَحُثُو لَهُ فى ثَوْبِهِ حَثْوا حَتّى اِذا صارَ فى ثَوْبِهِ يَنْدِمُ وَ يَقُولُ كُنْتُ اَجْشَعَ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ نَفْسا أَعْجَزَ عَمّا وَسِعَهُمْ. فَيَرُدّهُ اِلَى الْخازِنِ. فَلا يَقْبَلُ مِنْهُ وَ يَقُولُ اِنّا لانَأْخُذُ شَيْئا

۱- عقدالدرر، ص ۲۷۱.

۲- همان، ص ۱۵۱.

مِمّا اَعْطَیْناهُ.(۱)

دل های امت محمد را بی نیازی فرامی گیرد و عدل او [حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف] شامل حال همگان می شود، به گونه ای که حضرت دستور می دهد شخصی اعلان کند که هر کس نیاز مالی دارد، برخیزد و تنها یک نفر بلند می شود. حضرت می فرماید: نزد خزانه دار برو و بگو مهدی دستور داده است که به من کمک مالی کنی. [تا آنجا که بتواند حمل کند] دامنش را پُر می کنند. همین که مال در اختیارش قرار گرفت، پشیمان می شود و با خود می گوید: من حریص ترین مسلمان بودم... [این فکر سبب می شود] نزد خزانه دار برگردد و مال را برگرداند، ولی خزانه دار نمی پذیرد و می گوید ما آنچه بخشیده ایم، پس نمی گیریم.

۷. بهبود وضعیت اقتصادی در جامعه موعود

به تصریح روایت های بسیار، فراوانی نعمت و نزول برکات آسمانی و زمینی به اندازه ای است که تا آن زمان سابقه نداشته است. تمامی معادن زمین استخراج می شود، برکت های آسمان به حد فراوان می بارد، وضعیت مالی مردم به گونه ای است که فقیری در جامعه یافت نمی شود و ازاین رو صدقات، مصرفی ندارد. شاید به همین دلیل است که در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «در آن دوران صدقه ترک می شود».(۲)

همچنین می فرماید:

مال در آن دوران انباشته شده است [و موردی برای مصرفش وجود ندارد]. مردم چنان از لطف و نعمت خدا بهره مند می شوند که آرزو می کنند، ای کاش

ص: ۱۱۴

۱- نورالابصار، ص ۲۶۱.

۲- عقدالدرر، ص ۲۷۱.

مردگان، زنده بودند و این دوران را درک می کردند.(۱)

در حدیث دیگر، امام باقر علیه السلام درباره دوران حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «هیچ خرابه ای در زمین نمی ماند، مگر آنکه آباد می شود».(۲)

در پایان، لازم است ترجمه متن حدیث امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را در مورد اوضاع دوران حکومت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، بیان کنیم. آن حضرت در این حدیث می فرماید:

...حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف فرماندارانش را به شهرهای مختلف گسیل می دارد تا عدالت را میان مردم حاکم کنند، گرگ و میش در یک مکان می چرند و کودکان با مار و عقرب بازی می کنند و آزاری نمی بینند، شر از میان می رود و خیر و نیکی باقی می ماند، ده سیر بذر را می کارند و هفتصد برابر ثمر می دهد، همان گونه که خداوند (در قرآن) فرمود: «مانند دانه ای است که از او هفت خوشه می رویدو در هر خوشه ای صد دانه وجود دارد و خدا برای هر کس که بخواهد دوبرابر می کند.»(۳) رباخوری، زنا، شرب خمر و ریاکاری از میان می رود، مردم به عبادت و اعمال مشروع و دین داری و نماز جماعت روی می آورند، عمرها طولانی می شود، امانت ها به صاحبانشان باز پس داده می شوند، درختان بارور می شوند و برکت ها چند برابر. انسان های شرور هلاک می شوند و خوبان باقی می مانند و کسی نمی ماند که کینه خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را در دل داشته باشد.(۴)

۱- المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵.

۲- فصول المهمه، ص ۲۹۲.

۳- بقره: ۲۶۱.

۴- عقدالدرر، ص ۱۵۹.

فصل هفتم: انتظار ظهور

اشاره

بـا توجه به آمیختگی مسـئله انتظار با موضوع مهـدویت، برای تکمیل بحث ناگزیریم نکاتی پیرامون انتظار بیان کنیم، به ویژه با توجه به وجود بعضی شبهه ها درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف که در واقع مربوط به موضوع انتظار است.

اهمیت انتظار فرج

بی تردید از میان همه اعمال انسان، آن عملی از همه باارزش تر است که رنگ خدایی داشته باشد، در اصـطلاح، چنین عملی «عبادت» خوانده می شود. عبادت ها نیز مراتب گوناگونی دارند و همه در یک سطح نیستند؛ برای مثال از نماز به عنوان ستون دین یاد شده است. در اهمیت انتظار نیز همین بس که بهترین اعمال و برترین عبادت دانسته شده است.

مفهوم انتظار

یکی از مهم ترین موضوع هـا در بحث انتظـار که سـبب بسـیاری از شـبهه هـا و گفت وگوها شـده، مفهوم درست انتظار است. متأسـفانه برخی افراد مغرض یـا ناآگاه از معارف اسـلامی، برداشت هایی غلط از انتظار را در جامعه مطرح می کننـد که سـبب رکود در جامعه اسـلامی می شود و زمینه راحت طلبی و آسایش خواهی را تقویت می کند. ازاین رو، در بخش پاسخ به شبهه ها به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

مفهوم حقیقی انتظار

معمولاً کاربرد انتظار در جایی است که شخص از حالت موجود ناراحت باشد و برای بهبود اوضاع بکوشد، مانند بیماری که انتظار بهبودی دارد و از وضع موجودش (بیماری و درد و رنج) ناراحت و گریزان است و برای رسیدن به سلامت از هیچ کوششی دریغ ندارد، از مصرف داروهای تلخ گرفته تا رفتن به اطاق عمل و قرار گرفتن زیر تیغ جراحی.

دو عنصر اصلی در مفهوم انتظار

بنا بر آنچه گفته شد، انتظار از دو عنصر مثبت و منفی تشکیل شده است: عنصر منفی، بیگانه و بلکه متنفر بودن از وضع موجود است و عنصر مثبت، تلاش و کوشش برای رسیدن به وضع مطلوب.

انتظار کشیدن برای حکومت جهانی حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، زمانی انتظاری حقیقی خواهد بود که از این دو عنصر تشکیل شده باشد، در غیر این صورت، بی تردید آن چیزی نیست که در روایت ها به عنوان برترین عبادت از آن یاد شده است. اگر این دو عنصر در روح و جان انسان ریشه دواند، دو پی آمد خواهد داشت: نخست، ترک هرگونه همکاری با عوامل ستم و فساد (یعنی آنان که وضع موجود را ایجاد کرده اند) و حتی مبارزه بی امان با آنان و دوم، خودسازی و به دست آوردن آمادگی جسمی و روحی برای حکومت جهانی که قرار است بر اساس عدالت و ارزش های اسلامی و انسانی تشکیل شود.

تناسب انتظار، با هدف مورد انتظار

شیوه انتظار باید با هدف و موضوع مورد انتظار متناسب باشد، برای مثال کسی که منتظر آمدن مسافر است، با کسی که منتظر رسیدن فصل درو و برداشت محصول است، با هم تفاوت دارند؛ به این معنی که هر کدام

آمادگی های ویژه ای نیاز دارنـد، آمادگی آن کس که منتظر رسـیدن مسافر است این است که منزل را تمیز و وسایل پذیرایی را فراهم کند، ولی کسی که منتظر رسیدن فصل برداشت محصول است باید به فکر وسایل کشاورزی باشد.

بنابراین، کسـی که منتظر تشـکیل حکومت جهانی بر پایه عـدل و احکام و ارزش های اسـلامی است، به آمادگی های خاصـی نیاز دارد که در بحث آثار انتظار به آن خواهیم پرداخت.

آثار سازنده و مفید انتظار

۱. اصلاح افراد

چنان که گفته شد، به منظور انتظار کشیدن برای تشکیل حکومت جهانی اسلام باید آمادگی های ویژه ای به دست آورد. این حکومت برای عملی کردن هـدف اصـلی اش که اصـلاح جامعه و اجرای عدالت است، بی تردید به افرادی نیاز دارد که هم از نظر دانش در حد بالایی باشـند و هم در عمل، خودساخته و صالح و آراسته به اخلاق پسندیده؛ زیرا هیچ کس پیش از اصلاح خود، نمی توانـد دیگران را اصـلاح کنـد و به همین دلیل، در قرآن پیش از فرمان اصـلاح، دسـتور تقوا آمده است «فَاتَّقُوااللّهَ وَ أَصْلِحُوا ذاتَ بَيْنِكُمْ». (انفال: ۱)

بنابراین، ابتـدایی ترین وظیفه منتظرِ حقیقی حکومت حضـرت مهـدی عج الله تعالی فرجه الشـریف ، این است که خود را از هر نظر اصلاح کند.

۲. اصلاح جامعه

دومین برکت انتظار حکومت حضـرت مهـدی عـج الله تعالی فرجه الشـریف ، این است که منتظران نه تنها خود، بلکه جامعه را نیز اصـلاح می کننـد؛ زیرا هـدف مورد انتظـار، یک برنامه فردی نیست، بلکه اصـلاح کل جامعه جهانی را در نظر دارد. همان گونه که بیمار منتظر سلامت خود است و برای رسیدن به آن، با همه میکروب های

موجود در بدنش مبارزه می کند، کسی که منتظر جامعه ای سالم و تهی از هر آلودگی است، برای رسیدن به آن، باید با همه آلودگی های موجود در پیکره جامعه پیکار کند.

۳. بیمه شدن در برابر فساد محیط و جامعه

با فراگیر شدن فساد در جامعه، گاهی انسان صالح از نظر روانی، خود را در بن بست می بیند و احساس می کند چاره ای جز تسلیم شدن در برابر فساد ندارد. این حالت، به دلیل ناامیدی وی از اصلاح جامعه است و همین سبب می شود به سوی هم رنگ شدن با جامعه حرکت کند و شعار «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت باش» سر دهد. دلیل اینکه ناامیدی از رحمت خدا، بزرگ ترین گناه شمرده شده نیز همین است که گناه کاری که امید به نجات ندارد، نه تنها دیگر به فکر اصلاح خود نیست، بلکه هر روز بیشتر در منجلاب فساد و تباهی فرو می رود و عقیده اش این است: «آب که از سر گذشت، چه یک وجب، چه صد وجب» یا «بالاتر از سیاهی رنگی نیست».

ولی انسانی که به رحمت خدا و اصلاح جامعه امید دارد، هیچ گاه در برابر فساد تسلیم نمی شود، بلکه هنر انسان را به این می داند که در جامعه فاسد سالم بماند، مانند گلی که از میان کود و گل و لای و از دل خاک، تمیز و آراسته سر بلند می کند. رفتار و کردار چنین انسانی، گواه عقیده اش خواهد بود.

بنابراین، امید به آینده، در افراد فاسد یک عامل تربیتی و در افراد صالح که در محیط های فاسد زندگی می کنند، عامل خویشتن داری و مقاومت در برابر محیط است و هر قدر جامعه فاسدتر شود مقاومت آنها بیشتر می شود؛ زیرا امیدشان به رسیدن فرج قوی تر می شود.

پاسخ به یک اشکال

برخی، از جمله نویسنده تفسیر المنار به عقیده «انتظار فرج» اشکال گرفته اند و می گویند این باور سبب رکود جامعه اسلامی و حرکت نکردن مسلمانان به سوی اصلاحات شده است؛ زیرا منتظران بر اساس این عقیده، منتظرند تا حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ظهور و جامعه را اصلاح کند؟

برای روشن شدن پاسخ این اشکال، به چند مطلب اشاره می کنیم:

الف) انتظار فرج و گشایش برای کسی است که در بن بست قرار گرفته است و از خدا گشایشی می طلبد، ولی در بن بست قرار گرفتن کسی که اصلاً حرکتی نداشته، معنی ندارد.

ب) شاهد انتظار سازنده، این آیه است که می فرماید: «وَعَدَ اللّهُ الَّذینَ امَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ...». (نور: ۵۵) چنان که گفتیم، بر اساس روایت ها، این آیه درباره زمان ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت ایشان است و در آن، وعده حاکمیت بر زمین، به کسانی داده شده که اولاً اهل ایمان و اعتقاد صحیح و ثانیا اهل عمل صالح باشند و هرگز رکود و سستی جزو عمل صالح شمرده نمی شوند ضمن آنکه تلاش در جهت اصلاح جامعه از بهترین مصداق های عمل صالح است.

ج) بهترین دلیل برای اثبات این مطلب که انتظار نه تنها سست کننده و رکودآور نیست، بلکه عامل قیام و حرکت به شمار می آید، وجود انقلاب اسلامی ایران است. بر کسی پوشیده نیست که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران، منتظران ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف هستند، با این حال همین مردم منتظر، به رهبری امام خمینی رحمه الله که شناخت درستی از انتظار داشت، انقلابی به پا کردند که به جرئت می توان آن را بی مانند خواند.

ص: ۱۲۰

بنابراین، دلیل رکود در برخی مسلمانان، اعتقاد به ظهور مصلح جهانی نیست، بلکه دلیل آن، برداشت غلطی است که از مفهوم انتظار شـده است. در اینجا مسـئولیت بسـیار مهم دانشـمندان اسـلامی مشـخص می شود که بایـد با بیان حقایق، جلوی هرگونه انحراف یا برداشت غلط از مفهوم انتظار را بگیرند.

ص: ۱۲۱

بخش سوم: پاسخ به شبهه ها

اشاره

یکی از اساسی ترین بحث ها در موضوع مهدویت، بررسی و پاسخ به شبهه هایی است که در این زمینه مطرح شده است. البته پرداختن به این موضوع، پژوهشی مستقل می طلبد. ازاین رو، در همین جا یادآوری می کنیم که آنچه در این بخش می آید، فقط گوشه ای از شبهه های مطرح شده پیرامون حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است. با وجود این، کوشیده ایم تا حد امکان شبهه های عمده و اساسی را برگزینیم و برای رعایت اختصار، شبهه های جزئی را مطرح نمی کنیم. با این امید که در آینده فرصتی ایجاد شود تا بتوانیم جداگانه درباره این موضوع پژوهش کنیم. ان شاء اللّه.

۱. آیا حضرت مهدی، همان عیسی بن مریم است؟

اشاره

بنا بر حدیثی که در سنن ابن ماجه و مستدرک حاکم نقل شده، حضرت عیسی بن مریم، همان مهدی موعود است و موعودی جز حضرت عیسی وجود ندارد. برای روشن شدن حقیقت، ابتدا متن حدیث را نقل و سپس آن را بررسی می کنیم:

اِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قالَ: لا یَزْدادُ الأَمْرُ اِلّا شِدَّةً وَ لا الدُّنْیا اِلّا اِدْبارا وَ لَا النّاسُ اِلّا شُحّا، وَ لا تَقُوْمُ السّاعَةُ اِلّا عَلی شِرارِ النّاسِ. وَ لا الْمَهْدِی اِلّا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ.(۱)

۱- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۱؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۱.

وضعیت پیوسته سخت تر و پشت کردن دنیا بیشتر می شود و بر بخل مردم افزوده می گردد و قیامت برپا نخواهد شد، مگر به زیان مردمان بدکردار و جز عیسی بن مریم، مهدی دیگری وجود ندارد.

اساسی ترین اشکالی که بر این حدیث وارد شده، از نظر سند آن است؛ زیرا در سند این حدیث، شخصی است به نام محمد بن خالد جندی که ذهبی در میزان الاعتدال، وی را به نقل از ازدی، «منْکر الحدیث» خوانده است؛ یعنی روایت هایی که این شخص نقل می کند مورد قبول دانشمندان قرار نمی گیرد.(۱) ازاین رو، ذهبی این حدیث را منکَر دانسته است. حاکم نیشابوری هم که خود، یکی از راویان این حدیث است می گوید: محمد بن خالد جندی، انسان ناشناخته ای است و من این حدیث را نه برای استدلال، بلکه از سر حیرت نقل کرده ام. این جمله، به گفته مؤلف کتاب عقد الدرر، بزرگ ترین توهین به یک حدیث است.(۲)

دانشمندان متعددی سند این حدیث را ضعیف شمرده اند، از جمله قرطبی در التذکره؛(۳) ابن حجر هیثمی در مقدمه کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر؛ نسایی در سنن؛ کنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان و مقدّسی شافعی در عقدالدرر.

عقیده قرطبی درباره این حدیث

قرطبی در تفسیر الجامع لأحکام القرآن درباره آیه ۳۳ سوره توبه از سدّی نقل

۱- میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۳۵.

۲- عقدالدرر، ص ۸ .

۳- التذکره، بیروت، دار ابن زیدون، ج ۲، ص ۷۹۶.

می کند که این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است، آن گاه می نویسد:

گفته شده که مهدی همان عیسی است، ولی این سخن صحیح نیست؛ زیرا احادیث معتبر و متواتری نقل شده که حضرت مهدی از خاندان پیامبراکرم صلی الله علیه و آله است و [این] حدیثی که نقل شده: «مهدی جز عیسی نیست»، نادرست است؛ چرا که بیهقی در کتاب البعث و النّشور گفته است راوی حدیث محمد بن خالد جندی است که انسانی مجهول است و او از ابان بن عیاش نقل کرده و این شخص نیز فردی متروک است و در نهایت، این حدیث را حسن از پیامبر نقل کرده و حدیث از این جهت «مقطوع» است. (سندش قطع شده؛ زیرا حسن، معاصر پیامبر نبوده تا بتواند از ایشان روایت نقل کند).(۱)

یک توجیه برای حدیث «لا مهدی الا عیسی بن مریم»

بنا بر نقل مؤلف عقدالدرر، ابو محمد عبدالرحمان بن اسماعیل شافعی حدیث را این گونه توجیه کرده که واژه ای در این حدیث حذف شده و عبارت کامل حدیث این است: «لا مَهْدِی اِلاّ مَهْدی عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ» یا «لا مَهْدِی اِلّا زَمَنَ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ» و معنای حدیث طبق این دو عبارت، این است که «مهدی موعود، کسی جز آن مهدی که در زمان نزول عیسی بن مریم خواهد آمد، نیست».(۲)

بر اساس این توجیه، هدف حدیث، انکار کسانی است که پیش از آن زمان ادعای مهدویت می کنند.

۱- الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۱۲۲.

۲- عقدالدرر، ص ۱۰.

۲. شبهه ابن خلدون

اشاره

ابن خلدون در مقدمه، احادیث مربوط به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را نقل کرده و اظهار داشته است که آنها را ائمه حدیث، مانند ترمذی، ابی داود، بزاز، ابن ماجه، حاکم و... نقل کرده اند. وی در ادامه تأیید می کند که در طول تاریخ، در میان همه مسلمانان مشهور بوده است که مردی از اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان قیام می کند و حکومتی جهانی بر پایه عدالت تشکیل می دهد، ولی با همه این تأییدها، در ادامه به سند احادیث ایراد می گیرد و با استناد به قاعده «مقدم بودن جرح بر تعدیل»(۱) نتیجه می گیرد که بیشتر احادیث مربوط به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، از نظر سند مخدوش است، مگر تعداد بسیار اندکی.(۲)

پاسخ

اول اینکه، احادیث مربوط به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، بنا بر اعتراف بسیاری از دانشمندان اهل سنت متواترند و همان طور که توضیح داده شد، تفاوت میان حدیث متواتر و غیر متواتر این است که در حدیث متواتر، دلیلی برای بررسی سند وجود ندارد؛ زیرا به خاطر نقل های فراوان، شکی در صدور آن نیست.

دوم، ابن خلدون در پایان سخنش اعتراف می کند که تعداد اندکی از روایت ها از نظر سند صحیح هستند. حال سؤال این است که وظیفه ما در برابر این تعداد اندک چیست؟ آیا به خاطر ضعف دیگر احادیث، اینها نیز باید رد

۱- محتوای این قاعده این است که اگر برخی صاحب نظران علم رجال و حدیث، به عدالت و مورد اعتماد بودن راوی حدیثی حکم کردند و در مقابل، عده ای او را مورد جرح و خدشه قرار دادند، جرح این افراد، بر عادل شمردن آن دسته مقدم است و در نتیجه حدیث از جهت سند اعتبار ندارد.

۲- نک: مقدمه ابن خلدون، صص ۳۸۸ و ۳۸۹.

شوند و آیا این کار، تکذیب سخن پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؟!

پاسخ احمد بن محمد صدّیق به ابن خلدون

ابن صدیق، در رساله خود به نام ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، به ایرادهای ابن خلدون درباره سند احادیث، پاسخ داده و در ادامه، روایت هایی را آورده است که ابن خلدون اصلاً ذکر نکرده بود. از دلایل ایشان این است که ابن خلدون با روایت هایی که خودش قبول دارد و سند آنها صحیح است چه می کند؟ آیا به دلیل اینکه تعدادشان کم است باید رد شوند؟ و آیا ایشان فقط به روایت مشهور یا متواتر عمل می کند؟! بی شک چنین چیزی ممکن نیست.

استاد احمد محمد شاکر (دانشمند معاصر مصری) در کتاب مقالید الکنوز می نویسد:

ابن خلدون از چیزی که به آن علم ندارد، پیروی کرده و خود را در مهلکه انداخته است. مشاغل سیاسی و امور دولتی و خدمت [به]ایران و پادشاهان بر او غلبه یافته و گمان کرده عقیده داشتن به ظهور مهدی، عقیده ای شیعی است... . او به خاطر روش سیاسی خاصی که داشته احادیث مهدی را تضعیف کرده است... . این فصل از مقدمه ابن خلدون، پُر است از غلط های بسیار در نام های رجال و علل احادیث و البته احدی نباید به آن اعتماد کند.(۱)

۳. تهمت احمد امین به شیعه

اشاره

احمد امین نیز در کتاب فجرالاسلام پس از تضعیف احادیث مربوط به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف می نویسد:

فَکَما وَضَعَ الْاَمَوِیُّون اَلْحَدیثَ فی فَضایِلِ الصَّحابَه ما عَدا عَلِیّا وَ الْها شِمیّین وَ خاصّه عُثْمان،

۱- به نقل از: امامت و مهدویت، ص ۲۴۹.

وَضَعَ الشّیعَهْ اَحادیثَ کَثیرهً فی فَضایِلِ عَلّی وَ فی الْمَهْدی الْمُنْتَظَر.(۱)

همان گونه که اموی ها درباره فضایل صحابه، جز علی و هاشمی ها، به ویژه درباره عثمان، حدیث جعل کردند، شیعیان نیز احادیث بسیاری در خصوص فضایل علی و مهدی منتظر ساختند.

پاسخ علامه سید محسن امین به احمد امین

علامه سید محسن امین درباره قسمت اول سخن احمد امین می نویسد:

با اینکه دشمنان علی به خاطر حسادت، فضایل ایشان را پنهان کردند و دوستانش از ترس، جرئت بیان آنها را نداشتند، فضایل متواتر و مسلم آن حضرت که روشن تر از خورشید است، به اندازه ای است که جهان را پر کرده است. ازاین رو، شیعه به جعل حدیث نیاز ندارد.

و اما در خصوص حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ؛ (آقای احمد امین) باید بداند که این عقیده اختصاصی به شیعه ندارد تا بخواهد درباره اش حدیث جعل کند، بلکه مسئله ای است که مورد اتفاق شیعه و سنی است و همگان، اصل وجودش را قبول دارند و نهایت اختلافی که وجود دارد، در تقدم و تأخر وجود ایشان است.(۲)

۴. تهمتی دیگر از احمد امین

اشاره

احمد امین در کتاب ضحی الاسلام هم تهمت دیگری به شیعه زده است. او برای طرح نظریه مهدویت در اسلام، فلسفه ای سیاسی و اجتماعی عرضه و ادعا کرده این تفکر، ساخته شیعه است و علت طرح چنین نظریه ای، این بود که پس از کشته شدن حضرت علی علیه السلامو صلح امام حسن علیه السلام با معاویه و به قدرت رسیدن بنی امیه، برای جلوگیری از ناامیدی شیعیان و با هدف ماندگاری

۱- فجر الاسلام، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۹۶۹، چ ۱۰، ص ۲۷۵.

۲- محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف، ج ۱، ص ۵۵.

تشیع، مسئله ظهور مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان و بازگشت قدرت به شیعیان مطرح شد.(۱)

پاسخ

بر هر انسان باانصافی که از احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اندکی آگاه باشد، نادرستی و بی اساس بودن سخنان احمد امین روشن است. به گفته یکی از پژوهشگران، فرضیه احمد امین در مورد اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، مانند فرضیه فروید برای اعتقاد به وجود خداست. فروید اعتقاد به خدا را ناشی از احساس نیازی می دانست که طفل در دوران طفولیت به پدرش دارد و پس از بلوغ احساس می کند، پدرش نمی تواند تکیه گاه او و در برابر مشکلات باشد. ازاین رو، موجود نامحسوسی در خیال خود می سازد که همچون پدرش از او حمایت می کند و وی را پدر آسمانی خود می داند و نام او را «خدا» می گذارد.

۵. امامت کودک پنج ساله

اشاره

از دیگر شبهه هایی که برخی پیرامون حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف مطرح کرده اند، سن بسیار کم حضرت، هنگام رسیدن به مقام امامت است، زیرا امام در پنج سالگی، پدر بزرگوار خود، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را از دست داد و به مقام امامت رسید.

از جمله کسانی که این شبهه را مطرح کرده اند، ابن حجر هیثمی در الصواعق است که گفته در شریعت اسلام، ولایت فرد صغیر درست نیست (و یکی از

ص: ۱۲۹

۱- نک: احمد امین، ضحی الاسلام، بیروت، دار الکتاب العربی، بی نا، ج ۳، صص ۲۴۱ و ۲۴۲.

شرایط ولایت، بلوغ است). با این حال، چگونه می توان پذیرفت که کودک ۵ ساله عهده دار مقام امامت شود؟!(۱)

احمد امین نیز در کتاب ظهر الاسلام، پس از طرح عقیده امامیه درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، می گوید:

آنچه مایه تعجب است این است که چگونه کودکی که ۴ _ ۵ سال بیشتر از عمرش نگذشته است، عهده دار چنین منصب بزرگی می شود؟ بی تردید برای چنین مقامی، مردی لازم است که توان عمل به مسئولیت را داشته و با امور دینی و مشکلات مردم آشنا باشد؟(۲)

پاسخ

امامت، مانند نبوت مقامی است که از ناحیه خدا به هر کس که لیاقت داشته باشد، داده می شود و خداوند بهتر می داند که چه کسی لیاقت این مقام را دارد: «اللّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسالَتَهُ.» (انعام: ۱۲۴) بنابراین، همان گونه که بر اساس آیات قرآن(۳) مقام نبوت در کودکی به حضرت یحیی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلامداده شد، مقام امامت هم در ۵ سالگی به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف عطا شد.

تعداد زیادی از دانشمندان، از جمله احمد بن یوسف قرمانی حنفی در کتاب اخبار الدول و آثار الاول، به همین پاسخ اشاره و از امامت حضرت مهدی در ۵ سالگی دفاع کرده اند.(۴)

۱- نک: الصواعق، ص ۱۶۸.

۲- ظهر الاسلام، بیروت، دار الکتاب العربی، چ ۵، ج ۴، صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۳- مریم: ۱۳ و ۲۹ _ ۳۱.

۴- اخبار الدول و آثار الاول، ص ۳۵۳.

۶. طول عمر حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

شبهه دیگر درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف که از روزگاران قدیم مطرح بوده، مسئله طول عمر ایشان است، زیرا با توجه به تاریخ تولد حضرت؛ یعنی سال ۲۵۵ ه . ق، عمر شریف این بزرگوار از هزار سال بیشتر است؛ یعنی بیش از ده برابر عمر معمولی یک انسان.

از جمله کسانی که این اشکال را مطرح کرده اند، احمد امین در کتاب ظهرالاسلام است. او در این کتاب پس از بیان عقیده شیعیان درباره امام زمان، می نویسد:

از امور حیرت آور، طول عمر امام غایب است، با اینکه سنت خدا درباره آفریدگانش محدود بودن عمر آنها است. ما در تاریخ کسی را نمی شناسیم که عمرش از صد سال بیشتر باشد، مگر موارد کمی، ولی در هر صورت هیچ کس عمر ابدی نداشته است.(۱)

پاسخ

برای روشن تر شدن جنبه های مختلف مسئله، آن را از دو دیدگاه بررسی می کنیم: الف) از دیدگاه قرآن، ب) از دیدگاه علمی و عقلی.

الف) دیدگاه قرآن

مسئله امکان پذیر بودن طول عمر انسان و بلکه نمونه های آن در قرآن چنان روشن است که جای هیچ گونه تردید برای کسی که حتی اندکی آشنایی با معارف قرآن دارد، باقی نمی گذارد و طرح چنین شبهه هایی از سوی کسانی مانند آقای احمد امین که داعیه مسلمانی دارند، جای تعجب است!

در هر صورت برای اثبات ادعای خود، به چند آیه استشهاد می کنیم:

۱- نک: ظهرالاسلام، ج ۴، صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

یک ـ وَ لَقَدْ اَرْسَلْنا نُوحا اِلی قَوْمِهِ فَلَبِثَ فیهِمْ اَلْفَ سَنهٍ اِلّا خَمْسینَ عاما فَأَخَذَهُمُ الطّوفانُ وَ هُمْ ظْالِمُونَ. (عنکبوت: ۱۴)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنان هزارسال، به استثناء پنجاه سال، (۹۵۰ سال) درنگ کرد و سرانجام توفان، آنان را فرا گرفت، در حالی که ستم کار بودند.

در این آیه تصریح شده که حضرت نوح، ۹۵۰ سال تبلیغ کرده و بی تردید عمرش بیش از این بوده است.

دو ـ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَ هُوَ مُلیمٌ. فَلَوْلا اَنَّهُ کانَ مِنَ الْمُسبِّحینَ. لَلَبِثَ فی بَطْنِهِ اِلی یَوْم یُبْعَثُونَ. (صافات: ۱۴۲_۱۴۴)

ماهی دریا او را بلعید، در حالی که سرزنش شده بود و اگر او از تسبیح کنندگان نبود، تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند.

در این آیات اشاره شده است که اگر یونس از تسبیح کنندگان نبود، تا قیامت در شکم ماهی می ماند و این سخن بدین معناست که زنده بودن حضرت یونس و ماهی تا قیامت امکان داشت. پس این آیه بر امکان پذیر بودن عمر طولانی دلالت دارد.

افزون بر همه اینها، قدرت خداوند فراتر از قوانین و علت های طبیعی است. ازاین رو، اگر اراده او بر این تعلق گیرد که علتی بی اثر شود یا تأثیر مورد انتظار را نگذارد، به یقین چنین خواهد شد، همان گونه که در ماجرای حضرت ابراهیم، آتش سوزان، گلستان شد: «قُلْنا یا نارُ کُونی بَرْدًا وَ سَلامًا عَلی إِبْراهیمَ.» (انبیاء: ۶۹) معجزه های پیامبران مانند زنده کردن مرده یا اژدها شدن عصا و... ، همه گواه بر این مطلب است. بنابراین، از کسانی که در طول عمر حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف تردید دارند، باید پرسید چگونه معجزه ها و صدها امور خارق

العاده را به آسانی می پذیرند، ولی مسئله طول عمر حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را به دیده تمسخر می نگرند.

ب) دیدگاه علمی و عقلی

از بررسی مدت عمر انسان های معمولی و تفاوت آنان از نظر طول عمر، به این نتیجه می رسیم که عامل طبیعی طول عمر هر چه باشد (استعدادهای بدنی یا رعایت اصول بهداشتی و تغذیه یا هر چیز دیگر)، تقویت شدنی است؛ زیرا عامل حیاتی، هم در انسانی که ۱۲۰ یا ۱۸۰ سال عمر کرده وجود داشته و هم در انسانی که ۲۰ سال عمر کرده است، با این تفاوت که این عامل در انسان ۱۸۰ ساله، نه برابر تقویت شده است. نکته اساسی این است که هیچ دلیلی وجود ندارد که عاملی که امکان تقویت آن تا نه برابر، عملاً ثابت شده، تا صد برابر یا بیشتر قابل تقویت نباشد.

یک _ نظریه چند تن از دانشمندان درباره طول عمر انسان(۱)

بنا بر نظریه های دانشمندان، تقویت عامل حیات به چندین برابر، امری امکان پذیر و عملی است.

۱. پرفسور هنری اسمیس، استاد دانشگاه کلمبیای امریکا، درباره طول عمر می گوید: «حدود و حصر سن و عمر مانند دیوار صوتی است، همچنان که دیوار صوتی امروز شکسته است، دیوار سن و عمر نیز روزی خواهد

۱- در این مطالب، از مقالات ارائه شده به همایش علمی _ تحقیقی زاهدان، بهمن ۷۸ استفاده شده است.

شکست».(۱)

۲. دکتر هنری الحیس می گوید: «باید حد متوسط مرگ و میر عمومی را به حد مرگ و میر اطفال کمتر از ده سال رسانید و اگر این مسئله تحقق یابد، انسان آینده هشتصد سال عمر خواهد کرد».(۲)

۳. دکتر گیلورد هاورز در کتاب گذرنامه برای یک زندگی نوین می نویسد:

امروز علم پزشکی به کمک علم تغذیه، قیود و حدود عمر را از سر راه بشر برداشته است و ما امروز برخلاف اجداد و پدرانمان امیدواریم که می توانیم عمر طولانی کنیم... دانشمندان، با تجربه علمی ثابت کرده اند که به خوبی و آسانی می توان عمر را طولانی کرد.(۳)

۴. در مجله المقتطف(۴) مطلبی درباره امکان عمر بسیار طولانی آمده که خلاصه ترجمه اش این است: دانشمندان که از نظر علمی مورد اعتماد هستند، معتقدند هر یک از بافت های مهم جسم حیوان می تواند برای زمانی بسیار طولانی و بی نهایت، زنده و باقی بماند و با این حساب ممکن است یک انسان، هزاران سال در جهان زنده باشد و عمر کند. این سخن تنها جنبه فرضیه و تئوری ندارد، بلکه مورد آزمایش علمی نیز قرار گرفته است.

باید توجه داشت که هدف از بیان این مطالب، این نیست که ثابت کنیم امام مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف با استفاده از راه هایی که دانشمندان ارائه داده اند، از عمر طولانی برخوردار شده است، بلکه مقصود، اثبات اصل امکان پذیر بودن عمر طولانی و

۱- روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۸۰۵، ۲۰ مهرماه ۱۳۴۴.

۲- همان.

۳- گذرنامه برای زندگی نوین، صص ۱۴ و ۱۸.

۴- مجله المقتطف، ش ۳، ۱۳۵۹.

برطرف کردن حیرت برخی افراد (مانند احمد امین) از مدت عمر حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است.

دو ـ عقیده کنجی شافعی درباره طول عمر حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

شیخ ابوعبداللّه محمد بن یوسف کنجی شافعی، در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان، بابی را به نام «الباب الخامس و العشرون فِی الدلاله عَلی کونِ الْمَهْدی حَیّا باقِیا مُذْغَیْبَتِهِ اِلَی الْان؛ باب ۲۵، در دلالت بر زنده و باقی بودن حضرت مهدی از زمان غیبتش تا کنون» به این موضوع اختصاص داده است.

ایشان در این باب، برای بقای حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در طول سال های متمادی هیچ مانعی قائل نیست و برای اثبات این مدعی، به زنده بودن حضرت خضر، عیسی و الیاس و نیز حیات دجال و ابلیس استدلال می کند. او نخست زنده بودن این افراد را با استناد به قرآن و سنت ثابت می کند. سپس می گوید: «چگونه است برخی، حیات این افراد را قبول دارند و بدون هیچ تعجبی می پذیرند، اما درباره حیات حضرت مهدی تردید می کنند؟!»(۱)

۷. وجود امام غایب چه سودی به حال جامعه دارد؟

اشاره

یکی دیگر از رایج ترین پرسش ها درباره حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، این مسئله است که امامی که در پس پرده غیبت است و مردم از درک حضورش محرومند، چه سودی به حال جامعه دارد؟

برخی به دلیل آنکه نتوانسته اند پاسخ قانع کننده ای برای این پرسش بیابند، موضوع را از اساس منکر شده اند و با وجود آن همه نقل های تاریخی و

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۴۸.

روایت ها در خصوص ولادت و غیبت ایشان، گفته اند که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف هنوز به دنیا نیامده و در آخرالزمان متولد خواهد شد.

نخست باید توجه داشت برای جوینده حقیقت، شایسته نیست که وقتی از حل کردن مسئله ای درمانده شود، صورت مسئله را پاک کند. گذشته از آن، زمانی می توانیم منکر وجود حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف شویم که بر کل جهان هستی احاطه داشته باشیم و همه زوایای آن را دیده باشیم و هیچ اثری از حضرت نیابیم؛ همان گونه که ادعای نبود چیزی در منزل یا مسجد، در صورتی معقول خواهد بود که همه جای منزل یا مسجد را جست وجو کرده و آن شی ء خاص را نیافته باشیم.

جابر در محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله همین پرسش را مطرح کرد و از ایشان خواست فایده امام غایب را بیان کند. بنا بر روایت، حضرت، امام غایب را به خورشیدی که پشت ابر قرار گرفته تشبیه کرد و فرمود: «ای جابر! همان گونه که مردم از خورشید، هنگامی که پشت ابر قرار گرفته استفاده می کنند، دوستان امام غایب نیز از نور وجود و برکات ولایتش بهره مند می شوند».(۱)

خورشید پنهان

خورشید به دو صورت نورافشانی می کند: ۱. آشکار و مستقیم، ۲. غیرمستقیم و پنهان. در تابش مستقیم خورشید، پرتو آفتاب آشکارا دیده می شود، هرچند قشر ضخیم هوا که کره زمین را احاطه کرده است، مانند یک شیشه ضخیم، هم از شدت تابش آفتاب می کاهد و آن را قابل تحمل می کند و هم نور آفتاب را تصفیه می کند و پرتوهای مرگ بارش را کم اثر می سازد، ولی

۱- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۷.

به هرحال مانع تابش مستقیم آن نیست، ولی در تابش غیرمستقیم، ابرها همچون شیشه مات، نور مستقیم خورشید را می گیرند و پخش می کنند.

نکته قابل توجه این است که گرچه نور خورشید در تابش مستقیم، سود بیشتری دارد، این گونه نیست که وقتی پشت ابر قرار گرفت هیچ سودی نداشته باشد، بلکه آثاری همچون تولید گرما، رویش و رشد گیاهان، تولید انرژی لازم برای حرکت و حیات، به بار نشستن درختان و... در زمان تابش نور خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد.(۱)

امام نیز زمانی که در پس پرده غیبت است، آثار و برکاتی دارد؛ زیرا اولاً غیبت مانع تصرف در امور نیست، ثانیا بر فرض که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت هیچ تصرف ظاهری در امور نداشته باشد، آیا سودمندی برای مردم، فقط در تصرفات ظاهری است؟!

خداوند درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاّ رَحْمَةً لِلْعالَمینَ؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.» (انبیاء: ۱۰۷) بر اساس این آیه وجود آن حضرت نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای همه جهانیان رحمت است، در حالی که ایشان بنا به ظاهر در بسیاری از سرزمین ها مانند ایران و روم و... هیچ تصرفی نداشته است.

بنابراین، باید اعتراف کنیم فکر و اندیشه کوتاه ما از درک بسیاری از اسرار جهان ناتوان است، مگر آنکه خداوند که عالم مطلق است یا کسانی که متصل به آن منبع فیض هستند، رازی را برای ما فاش کنند. همان گونه که یکی از اسرار رحمت بودن پیامبر در آیه ای چنین بیان شد: «وَ ما کانَ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فیهِمْ؛ [ای رسول ما] تا زمانی که تو در میان مردم هستی، خدا آنان را

ص: ۱۳۷

۱- ناصر مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، قم، مطبوعات هدف، بی تا، چ ۲.

عذاب نمی کند». (انفال: ۳۳)

۸. آیا مهدی ظهور نکرده است؟

اشاره

با توجه به اینکه در طول تاریخ اسلام و تقریبا از همان قرن نخست تاکنون، افرادی با این ادعا که مهدی موعود هستند قیام کرده اند، ممکن است این شبهه مطرح شود که چه دلیلی داریم بر اینکه مهدی واقعی در میان آنان نبوده و همه آنان دروغگو و شیاد بوده اند؟

موضوع مدعیان دروغین مهدویت، در طول تاریخ، یکی از بزرگ ترین مشکلات مسلمانان بوده و متأسفانه از این ناحیه، آسیب های فراوانی بر اسلام وارد شده است، چنان که هم اکنون نیز برخی از مسلمانان در کشورهای مختلف دنیا گرفتار آن هستند. ازاین رو، لازم است برای روشن شدن این قضیه، پاسخ پرسش مطرح شده را مفصل تر ارائه دهیم:

مدعیان دروغین مهدویت

اشاره

مدعیان مهدویت یا کسانی که دیگران چنین ادعایی درباره آنان مطرح کرده اند، به چند گروه تقسیم می شوند:

گروه اول: کسانی هستند که خود، انسان هایی بسیار شایسته بوده اند و نه تنها چنین ادعایی نداشتند، بلکه به شدت با آن مبارزه می کردند،(۱) ولی عده ای سودجو به خاطر هدف های مادی و دنیاطلبی خود، آنان را مهدی موعود معرفی کرده اند. معمولاً کسانی که در صدر اسلام از آنان به عنوان مهدی موعود یاد شده، از این دسته هستند.

ص: ۱۳۸

۱- البته با این فرض که خودشان در قید حیات بوده اند؛ زیرا معمولاً پس از وفات آنان، چنین ادعاهایی مطرح می شد.

محمد حنفیه

ظاهرا نخستین کسی که به عنوان مهدی موعود مطرح شد، محمد حنفیه، فرزند حضرت علی علیه السلام بود و مدعیان این مسئله به «کیسانیه» معروفند. اینان پس از شهادت امام حسین علیه السلام، به منظور رسیدن به اهداف خود، محمد حنفیه را مهدی امت معرفی کردند و با اینکه ایشان در سال ۸۰ یا ۸۱ هجری وفات یافت و در قبرستان بقیع (گورستان معروف مدینه) دفن شد، ادعا کردند که او نمرده است، بلکه در کوه رضوی، میان دو شیر قرار دارد و آن دو از وی محافظت می کنند.(۱)

خوش بختانه در حال حاضر از این گروه خبری نیست و گویا از بین رفته اند. به طور کلی، همه فرقه هایی که یکی از امامان علیهم السلام را به عنوان مهدی موعود می شناسند،(۲) از گروه اول هستند.

گروه دوم: کسانی هستند که به خاطر جاه طلبی و دنیاپرستی چنین ادعایی کرده اند و در میان مدعیان مهدویت، چنین افرادی کم نیستند، از جمله بعضی از خلفای عباسی که به خاطر استحکام پایه های حکومت خویش از عقاید مردم سوءاستفاده کردند. ابوالعباس سفاح (نخستین خلیفه عباسی پس از سرنگونی بنی امیه) از کسانی است که به عنوان مهدی موعود مطرح شد.

فرقه راوندیه

منصور عباسی یکی دیگر از مدعیان دروغین مهدویت بود. فرقه «راوندیه»

۱- مهدی انقلابی بزرگ، ص ۳۲۹.
۲- مانند «باقریه» که امام محمد باقر علیه السلام را مهدی موعود می دانسته اند و «واقفیه» که به مهدویت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام معتقد بوده اند. خورشید پنهان، ص ۱۹۰

وی را مهـدی موعود می دانسـتند و معتقـد بودنـد که روح خـدا در پیکر وی حلول کرده است، به همین دلیـل به جـای طواف کعبه، گرد کاخ خلیفه می چرخیدند.

در تاریـخ طبری نقل شـده است که روزی مسـلمان ساده لوحی به خلیفه گفت: «این قوم، تو را مهـدی و بلکه خـدا می دانند و گرد خانه تو طواف می کنند. آنان مشرک شده اند، بهتر است از خود دورشان سازی و حکم قتلشان را صادر کنی».

خلیفه در پاسخ وی اظهار داشت: «ترجیح می دهم این قوم به من وفادار باشند و به جهنم بروند، تا آنکه علیه من قیام کنند و به بهشت بار یابند».(۱)

درویش رضا

نمونه دیگر از گروه دوم، درویش رضـا است. وی در سـال ۱۰۴۱ه . ق (سال سوم سـلطنت شاه صـفی صفوی) به نام مهدی در قزوین قیـام کرد و ابتـدا بـا سـخنان گیرا و دل فریب، جمع بسـیاری را گرد خـود آورد. وی که تـا پیش از آن، در فقر و تنگ دستی شدیدی به سر می برد، بر اثر نذرهای مردم، به زندگی بسیار مرفهی دست یافت.(۲)

امیر تیمور تاش بن ابی جویان

از دیگر کسانی که دنیاطلبی، وی را به چنین ادعایی واداشت، تیمورتاش است. وی در دوران سـلطنت ابوسـعید بهادرخان پس از سـرکوبی مخالفانش در سـرزمین های روم، گرفتار غرور و تکبر شد و دسـتور داد سکه به نامش زدند، سپس خود را مهدی آخرالزمان معرفی کرد و چون با برخورد نظامی سلطان

۱- نک: تاریخ طبری، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۸۷ه . ق، چ ۲، ج۷، ص ۵۰۷ .
۲- اعتضاد السلطنه، مدعیان نبوت و مهدویت، تهران، مؤسسه آسیا، ۱۳۴۳، ص ۲۷۶.

روبه رو شد، از سلطان عذرخواهی کرد و مورد عفو قرار گرفت.(۱)

گروه سوم: این گروه، دانسته یا ندانسته، آلت دست استعمارگران قرار گرفته اند و با طرح چنین مسائلی، آب به آسیاب دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمانان و بلکه همه مستضعفان می ریزند.

هدف های استعمارگران

اشاره

استعمارگران که به قدرت و تأثیر عقاید دینی و مذهبی مردم، به ویژه مسلمانان پی برده بودند، درصدد برآمدند با سوء استفاده از این عامل و مطرح کردن مهدویت متناسب با منافع خود، به هدف هایشان برسند. برخی از هدف های آنان عبارتند از:

۱. سست کردن عقاید مردم. توده مردم که شناخت کافی از مسائل دینی ندارند، با مشاهده نمونه های غیرواقعی و دروغ یک عقیده، کم کم در اصل صحت آن عقیده شک می کنند و متأسفانه باید بپذیریم که استعمارگران در این قسمت تا اندازه زیادی موفق شدند، تا آنجا که حتی بعضی دانشمندان نیز گرفتار تردید شدند و ما در بخش های پیشین به برخی از آنان اشاره کردیم.

۲. ایجاد اختلاف و دودستگی در میان مسلمانان و در نتیجه کاستن از نیرو و قدرت آنان که در سایه وحدت کلمه به دست آمده بود. آنان در حقیقت آب را گل آلود کردند تا بهتر بتوانند ماهی بگیرند.

۱- همان، ص ۲۶۴.

۳. منحرف کردن افکـار مسـلمانان از مسائـل حیـاتی و مشـکلات اساسـی که با آن درگیر بودنـد، به سوی مسائل بی اهمیت و دروغین.

۴. یکی دیگر از نقشه هـای اسـتعمارگران در جریـان مهـدی سـازی، این بود که این مـدعیان را پس از آنکه اعتباری پیـدا می کردنـد، بلنـدگوی خود قرار می دادنـد و هر مطلبی که می خواسـتند مردم را به پـذیرش آن وادارنـد، با رنگ و لعاب دینی به وسیله این افراد مطرح می کردند.

غلام احمد قادیانی

قادیـانی یکی از برجسـته ترین نمونه هـای گروه سوم است. وی در اوج تلاش های انگلسـتان برای مهـدی سازی، در شـبه قاره هنـد ادعای مهـدویت کرد، در میان مسـیحیان نیز خود را مسـیح موعود خواند و پیش یهودیان اظهار داشت که نبی آخرالزمان است.

از خـدمت هـای قادیانی به انگلسـتان، این بود که در اوج مبارزه های ضداسـتعماری ملت های آسـیا و به ویژه مسـلمانان هنـد، اعلام کرد که تمام احکام اسـلام، صحیح و به قوت خود باقی است، مگر حکم جهاد و امر به معروف! که وجوب این دو فسخ شده و به جای آن، اطاعت از حاکم (که در آن زمان از طرف استعمار انگلستان روی کار آمده بود) واجب است.(۱)

سیدمحمدعلی شیرازی (باب)

وی در سـال ۱۲۶۰ ه . ق نخست خود را «بـاب» و «نـایب خـاص امـام زمـان عـج الله تعالی فرجه الشـریف » معرفی کرد، ولی با گذشت زمان و جمع شدن عده ای در اطرافش،

۱- خورشید پنهان، ص ۱۹۳.

به تحریک گردانندگان اصلی ماجرا که در پشت صحنه حضور داشتند، ادعا کرد خود امام زمان و مهدی موعود است.

قراین و اسنادی که از زندگی او و پیروانش به دست آمده، نشان می دهد عوامل متعددی در مطرح شدن وی به عنوان مهدی موعود نقش داشته است. اول آنکه از ناحیه دولت های استعماری (مانند انگلستان و امریکا) تحریک و حمایت می شد. از سوی دیگر، جاه طلبی او و زمینه را برای چنین ادعایی فراهم کرده بود و افزون بر آن، بر اساس برخی مدارک، گرفتار ناراحتی های روانی نیز بوده که اثر بسزایی در ادعای وی داشته است.(۱)و(۲)

احتمال صدق ادعای منادیان ظهور مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

نمونه هایی از این دست، بعضی را بر آن داشته که به واکنشی اشتباه روی آورند، برای مثال اظهار کنند که چه دلیلی داریم بر اینکه همه مدعیان مهدویت دروغگو بوده اند و مهدی واقعی در بین آنان نبوده است؟

این همان پرسشی است که در ابتدای این بحث مطرح شد و اینک پاسخ آن:

با توجه به موقعیت ویژه ای که مسئله مهدویت در نزد عدالت جویان دارد، خوش بختانه این مسئله پیش بینی شده که ممکن است کسانی بخواهند از این

ص: ۱۴۳

۱- مهدی انقلابی بزرگ، صص ۳۳۱ و ۳۳۲.
۲- از جمله مدارک دال بر ناراحتی روانی «باب»، مطلبی است که در کتاب کشف الغطاء نوشته میرزا ابوالفضل گلپایگانی که از سران بابیه است آمده است: «مجتهدان تبریز پس از بازجویی از باب به وی گفتند: سخنان تو خون تو را برای ما مباح می کند و علت آنکه حکم اعدام تو را نمی دهیم، احتمال ضبط دماغ تو است».

مطلب سوء استفاده کنند و خود را مهدی موعود معرفی کنند. ازاین رو، برای نشان دادن راه هدایت به مردم و جلوگیری از هرگونه سوء استفاده، تمام ویژگی ها و نشانه های مهدی موعود را پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و دیگر بزرگان دینی بیان کرده اند؛ از ویژگی های فردی مانند اندام، نسبت و... گرفته تا سیره و روش ایشان، برنامه های حکومتی، ویژگی های دوران حکومت و دیگر مسائل. به گونه ای که اگر کسی به راستی در پی حقیقت باشد، کوچک ترین تردیدی به خود راه نمی دهد که کسانی که تاکنون به عنوان مهدی مطرح شده اند، هیچ کدام مهدی موعود اسلام نبوده اند.

وظیفه دانشمندان اسلامی

با توجه به اینکه مهم ترین عامل موفقیت شیادان و استعمارگران در سوء استفاده از موضوع مهدویت، ناآگاهی و نادانی توده مردم نسبت به این موضوع بوده است، به نظر می رسد بزرگ ترین مسئولیت، متوجه دانشمندان اسلامی است که با تبیین کامل مسئله مهدویت، جلو هر گونه سوء استفاده از آن را بگیرند.

۹. شبهه های رشید رضا درباره حضرت مهدی و پاسخ آن

رشید رضا در تفسیر المنار(۱) ضمن بحث مفصلی پیرامون حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، درباره اعتقاد به مهدویت و انتظار فرج آن حضرت، شبهه هایی مطرح کرده است که خلاصه آنها و پاسخ هر کدام را بیان می کنیم:

۱. او اعتقاد به مهدویت را سبب پیدایش ادعاهای دروغین درباره مهدویت و در نتیجه، ایجاد اختلاف و فساد در میان مسلمانان می داند.

۱- تفسیر المنار، ج ۹، ص ۴۹۹.

پاسخ: جا دارد از صاحب المنار پرسیده شود اگر مطلبی با ادله قطعی و احادیث متواتر ثابت شد، آیا منطقی است به دلیل اینکه از آن برخی سودجویان سوء استفاده می کنند، اصل آن عقیده را منکر شویم! اگر چنین باشد، باید در صحت اصل نبوت نیز تردید کرد؛ زیرا بسیاری ادعای پیامبری هم داشته اند و از این موضوع سوء استفاده کرده اند که در کتاب المتنبیّن نام برخی از آنان ذکر شده است.

بنابراین، بهتر است به جای انکار چنین عقایدی که حقانیتشان ثابت شده، آنها را از جنبه های گوناگون تبیین کرد و با بیان نشانه ها و ویژگی هایی که در روایت ها برای حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف آمده است، زمینه سوء استفاده از این عقیده را از بین برد.

۲. اشکال دیگر که مطرح شده، این است که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف و اصلاح جهان به دست ایشان، سبب شده است مسلمانان به فکر اصلاح جامعه نباشند و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و در نتیجه، مجد و عظمت اسلام از میان برود؟(۱)

پاسخ: این اشکال در واقع به شیوه عملکرد بعضی مسلمانان است که با برداشتی نادرست از «انتظار فرج»، به جای کوشش هرچه بیشتر در راه به دست آوردن آمادگی های لازم برای ظهور مهدی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده اند.

بی تردید، آن انتظاری که مورد نظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دیگر بزرگان دینی

۱- همان.

ما بوده، انتظاری نیست که در نتیجه آن عظمت اسلام بر باد رود، بلکه انتظاری است که موجب شکوفایی و بالندگی هرچه بیشتر اسلام خواهد بود. برای روشن تر شدن مطلب لازم است به بحثی که در خصوص انتظار مطرح کردیم مراجعه شود.

۳. رشید رضا در شبهه های خود، مدعی شده است که شیعیان معتقدند حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف با نیروی خارق العاده و بدون استفاده از وسایل جنگی به پیروزی خواهد رسید. سپس این شبهه را مطرح کرده که در شرایطی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش با استفاده از وسایل جنگی روز به پیروزی رسیدند، آیا قدرت هدایت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بیشتر از پیامبر و مقامش بالاتر از ایشان است؟! مسلما چنین نیست!(۱)

به این شبهه چند پاسخ می توان داد:

الف) آنچه ایشان به شیعه نسبت داده، حقیقت ندارد. شیعه معتقد است حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف با استفاده از پیشرفته ترین وسایل جنگی دوران خود نبرد می کند و به پیروزی می رسد. البته ممکن است سلاح های آن روز، برای ما که از پیشرفت علمی و صنعتی آن دوران بی خبریم، حالت معجزه داشته باشد، در حالی که حقیقت چیز دیگری است. خوش بختانه تاکنون اندکی از آنچه در روایت ها درباره اوضاع دوران حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف آمده، به درک ما رسیده است. در روایتی امام صادق علیه السلامی فرماید: «وقتی کارها به صاحب اصلی آن (حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف) برسد، سرتاسر کره زمین همچون کف دست زیر نظر

۱- بحارالانوار، ج ۱۳ (چاپ قدیم)، ص ۱۸۵.

ایشان است».(۱)

تا پیش از اختراع وسایل مجهز اطلاعاتی مانند ماهواره و غیره، شاید از آنچه در این حدیث آمده به عنوان یک معجزه یاد می شد، ولی اکنون که بشر توانسته است به وسیله ماهواره و مانند آن، از جزئی ترین اطلاعات مانند شماره پلاک اتومبیل از دورترین مناطق زمین باخبر شود، پذیرش این گونه احادیث آسان تر و منطقی تر شده است. این مطلب نیز دور از ذهن نیست که با پیشرفت برق آسای علم و صنعت در دوران ظهور، تمام آنچه در احادیث آمده امری کاملاً عادی باشد.

البته منکر این مطلب نیستیم که در مواردی، کمک های غیبی به کمک حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد و از راه های خارق العاده و با معجزه، بعضی مشکلات از سر راه ایشان برداشته می شود، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از این گونه امدادهای غیبی برخوردار شد و در بعضی جنگ ها مانند جنگ بدر، بنا به تصریح قرآن، ملائکه به کمک ایشان آمدند.(۲)

ب) بر فرض که حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف به کمک معجزه پیروز شود، نشانه برتری ایشان بر پیامبر نیست، بلکه به خاطر هدف بلندی است که خداوند متعال در دستور کار آن حضرت قرار داده است؛ یعنی تشکیل حکومت جهانی بر پایه عدالت که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله از بشارت دهندگان تشکیل حکومت جهانی به دست حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

۱- همان.

۲- نک: آل عمران: ۱۲۳ _ ۱۲۶.

مقصود از قیام حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف با شمشیر چیست؟

ممکن است به این نظریه که حضرت، با استفاده از سلاح های پیشرفته روز نبرد می کند، اعتراض و گفته شود در روایت ها اشاره شده ایشان با شمشیر نبرد می کند،(۱) آیا در برابر چنین صراحتی، می توان تأکید کرد که حضرت از سلاح های به روز و مدرن استفاده می کند؟

در پاسخ به این پرسش می گوییم که تعبیر شمشیر در روایت ها، جنبه سمبولیک دارد و کنایه از استفاده کردن از قدرت و نیروی نظامی است. یعنی چنین نیست که حضرت به کار فرهنگی و پند و اندرز بسنده کند، بلکه هرجا تبلیغ و نصیحت را بی اثر ببیند، پس از اتمام حجت، از قدرت نظامی استفاده می کند و با زورگویان با منطق خودشان برخورد خواهد کرد.

البته تأکید می کنیم که شیوه ایشان در مرحله اول، کار فرهنگی و دعوت به حق با منطق و استدلال است، همان گونه که روش و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین بود و چنان که در روایت های مربوط به سیره و روش حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف بیان شد، ایشان در همه امور و از جمله در جنگ، بنا بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کند.(۲)

۱- فصول المهمه، ص ۲۸۱.

۲- الصواعق المحرقه، ص۱۶۴.

کتاب نامه

 قرآن کریم

۱. آلوسی بغدادی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، بیروت، دارالکتب العملیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ه_ .ق.

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ه_ .ق.

۳. ابن جوزی، ابی مظفر شمس الدین یوسف بغدادی سبط، تذکره الخواص، بیروت، دارالعلوم، چاپ اول، ۱۴۲۵ه_ .ق.

۴. ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ه_ .ق.

۵. ازدی حنبلی، سلیمان بن اشعث بن اسحاق، سنن ابی داود، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ه_ .ق.

۶. اسلمی، ابوعیسی محمد بن عیسی، الجامع الصحیح (سنن ترمذی)، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ه_ .ق.

۷. اعتضاد السلطنه، مدعیان نبوت و مهدویت، تهران، مؤسسه آسیا، ۱۳۴۳.

۸. افریقی مصری، جمال الدین ابن منظور، لسان العرب المحیط، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ اول، ۱۴۰۵ه_ .ق.

۹. امام فخر رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۲۰ه_ .ق.

ص: ۱۴۹

۱۰. امام فخر رازی شافعی، الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۷.

۱۱. امر تسری، عبیدالله، ارجح المطالب فی عدّ مناقب اسدالله الغالب، پاکستان، لاهور.

۱۲. امین، احمد، ضحی الاسلام، بیروت، دارالکتاب العربی.

۱۳. ________________، ظهر الاسلام، بیروت، دارالعربی، چاپ پنجم.

۱۴. ________________، فجرالاسلام، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دهم، ۱۹۶۹م.

۱۵. امین، علامه سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

۱۶. انصاری قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد، التذکره فی احوال المولی و امورالاخره، بیروت، دار ابن زیدون.

۱۷. ایمانی، فقیه، اصالت مهدویت در اسلام، مؤلف، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۱۸. بخاری جعفی، ابی عبدالله محمد به اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ه_ .ق.

۱۹. برمکی اربلی(ابن خلکان)، احمد، وفیات الاعیان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۷ ه_ .ق.

۲۰. بغدادی (سویدی)، محمد امین، سبائک الذهب فی معرفه قبائل العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۶ه_ .ق.

۲۱. جزری، علی بن محمد ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۲۲ه_ .ق.

۲۲. جوینی شافعی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، بیروت، مؤسسه المحمودی، چاپ اول، ۱۴۰۰ه_ .ق.

۲۳. حسینی، محمد بن رسول، الاشاعه لاشراط الساعه، جده، دارالمنهاج، چاپ اول، ۱۴۱۷ه. ق.

۲۴. حقی بروسی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ه_ .ق.

۲۵. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

۲۶. حلبی شافعی، کمال الدین ابوسالم محمد بن طلحه، مطالب السئول فی مناقب آل الرسول، بیروت، مؤسسه ام القری، چاپ اول، ۱۴۲۰ه_ .ق.

۲۷. خورشید پنهان، ستاد برگزاری جشن های میلاد حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف _ مسجد صدریه تهران.

۲۸. دمشقی، ابن عساکر، تاریخ دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه_ .ق.

۲۹. دمشقی(قرمانی)، احمد بن یوسف بن احمد، اخبار الدول و آثار الاول فی التاریخ، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۲ه_ .ق.

۳۰. ذهبی، ابی عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دارالفکر، ۱۳ه_ .ق.

۳۱. راشد محصل، محمدتقی، نجات بخشی در ادیان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.

۳۲. رضا، محمدرشید، تفسیر القرآن الحکیم (المنار)، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم.

۳۳. روزنامه اطلاعات.

ص: ۱۵۱

۳۴. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ هشتم، ۱۹۸۹م.

۳۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۱ه_ .ق.

۳۶. سیوطی شافعی، ابی بکر جلال الدین عبدالرحمان بن محمد، الحاوی للفتاوی.

۳۷. ____، تفسیر الدرالمنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالمعرفه.

۳۸. محمد سیوطی، شافعی، ابی بکر جلال الدین عبدالرحمان بن، لباب النقول فی اسباب النزول، بیروت، دارالمعرفه، چاپ سوم، ۱۴۲۱ه_ .ق.

۳۹. شبلنجی مصری، سید مؤمن، نور الابصار فی مناقب ال بیت النبی المختار، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ه_ .ق.

۴۰. شعرانی _ شافعی، عبدالوهاب بن احمد، الیواقیت و الجواهر، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ه_ .ق.

۴۱. شیراوی شافعی _ مصری، عبدالله، الاتحاف بحب الأشراف، ایران، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ه_ .ق.

۴۲. صاحب الزمانی، ناصرالدین، دیباچه ای بر رهبری، تهران، عطایی، ۱۳۴۵.

۴۳. صافی، لطف اللّه ، منتخب الاثر، قم، مؤسسه السیده المعصومه، چاپ اول، ۱۴۱۹ه_ .ق.

۴۴. صدر هاشمی، سید محمد، فتوریسم یا اصلاحگر جهان.

۴۵. طبری، ابن جرید، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ه_ .ق.

۴۶. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه_ .ق.

۴۷. عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، بیروت، دارصادر.

۴۸. عربی، محی الدین، فصوص الحکم، تهران، الزهراء، چاپ دوم، ۱۳۷۰ه_ .ق.

۴۹. عسقلانی، اباالفضل احمد بن علی ابن حجر، فتح الباری بشرح البخاری.

۵۰. عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ه_ .ق.

۵۱. علوی طباطبایی، محمد جواد، شکوفه امید، تهران، انجمن اسلامی جوانان، ۱۳۵۱.

۵۲. قرشی شافعی، ابی الفداء اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ه_ .ق.

۵۳. قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد انصاری، تفسیر الجامع الاحکام القرآن، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ه_ .ق.

۵۴. قزوینی، ابی عبدالله محمد بن یزید بن عبدالله بن ماجه، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.

۵۵. قشیری نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج، صحیح المسلم، بیروت، دارالفکر.

۵۶. قندروزی، شیخ سلیمان حسین بلخی، ینابیع الموده، استانبول، اختر، ۱۳۰۱ه_ .ق.

۵۷. کنجی شافعی، حافظ ابوعبدالله محمد بن یوسف، البیان فی اخبار صاحب الزمان، قم، مؤسسه الهادی، ۱۳۹۹ه_ .ق.

۵۸. کورانی، علی، عصر الظهور، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، دفتر تبلیغات، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

۵۹. لاهیجی، محمد، مفاتیح الاعجاز (شرح گلشن راز)، ایران، انتشارات کتاب فروشی محمودی، ۱۳۶۶.

۶۰. مالکی(ابن صباغ)، نورالدین علی بن محمد، فصول المهمه، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۹ه_ .ق.

۶۱. ماه نامه موعود.

۶۲. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، تهران، شرکه الرضوان، ۱۳۵۹ه_ .ق.

۶۳. متقی _ هندی، علاءالدین علی بن عبدالملک، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله.

۶۴. مجلسی، علامه محمدباقر، بحارالانوار، (چاپ قدیم)، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۴۰۰ ه_ .ق.

۶۵. مجلسی، محمدباقر، مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳ بحارالانوار)، ترجمه: علی دوانی، تهران، دارالکتب العلمیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۸.

۶۶. مروزی، ابی عبدالله احمد بن حنبل شیبانی، مسند احمد حنبل، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم.

۶۷. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقدالدرر، قاهره، مکتبه عالم الفکر،

چاپ اول، ۱۳۹۹ه .ق.

۶۸. مکارم شیرازی، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ، قم، مطبوعاتی هدف، چاپ دوم.

۶۹. مکی هیثمی، ابوالعباس احمد بن محمد بن حجر، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، قم، بضعه المصطفی لاحیاء التراث اهل البیت.

۷۰. موفق خوارزمی، حنفی، ابوالمؤید، مقتل الحسین فی فضائل الحسین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.

۷۱. ناصف، شیخ علی، غایه المأمول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۶ه_ .ق.

۷۲. نسفی، عزیزالدین، الانسان الکامل، تهران، انستیتو ایران و فرانسه، ۱۳۴۱ه_ .ق.

۷۳. حاکم، نیشابوری، ابی عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ه_ .ق.

۷۴. نیشابوری، حسن بن محمد بن حسین، تفسیر غرائب القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ه_ .ق.

۷۵. هاورز، بنگامین گیلورد، گذرنامه برای زندگی نوین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۷۶. هیثمی، ابی حجر شهاب الدین، الصواعق المحرقه، قاهره، مکتبه القاهره.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹